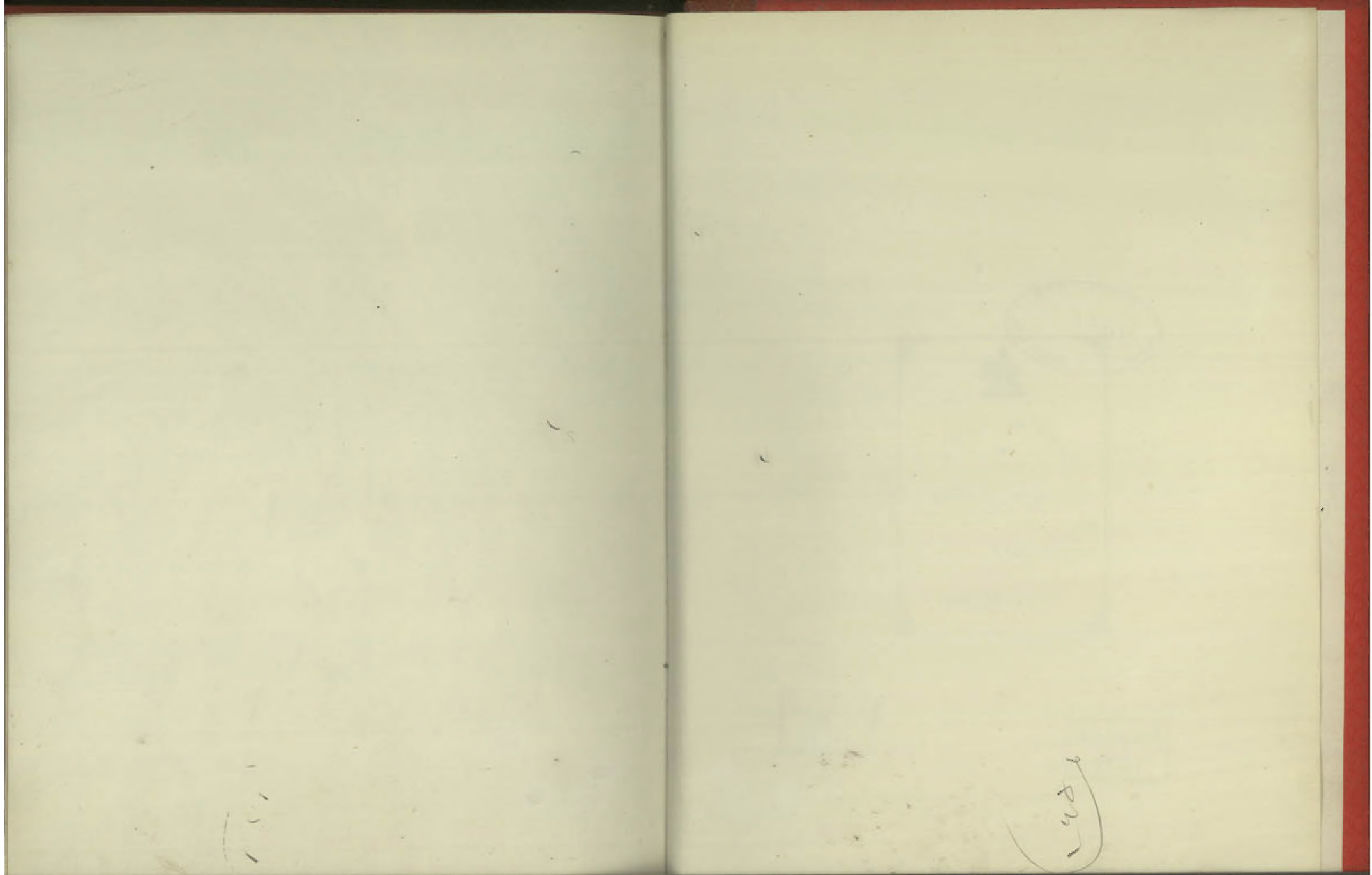


۱۸۷۶



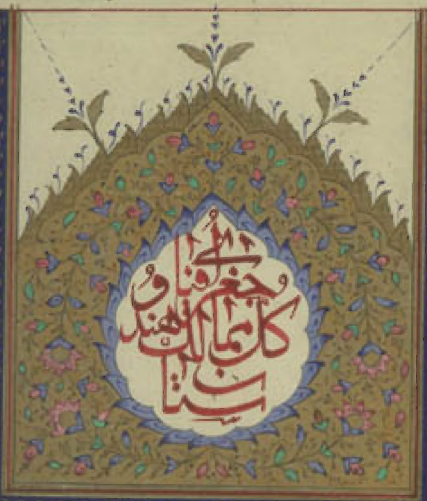
بازرسی شد
۶۳ - ۳۷

بازدید شد
۱۳۸۱



148





بسم الله الرحمن الرحيم

بر باب دوازدهم و شصتی و مستور نما که جغرافیا علی را گویند که از او شناخته شود
هیئت و شکل کره ارض و وضع آبادیهای آن و داشتن حالات هر مملکتی از قبل
جبال و انهار و دور و قصور و نباتات و اشجار و حیوانات و شاشن حالات
مردمان و اطوار ایشان

پس باید دانست که صاحبان این فن شکل هیئت کره ارض را بشیوه بنایج بسیار
بزرگی کرده اند که در مدور باشد دشت هزار میل قطر آنرا متحد کرده و هیئت چهار
میل محیط آنرا وسط این زمین بر دو نوع است آبی و خاکی یا بطریق دیگر که هیئت
از تمام مساحت این کره خاک است و سه قسمت دیگر آنرا آب احاطه کرده و آن قسمتی که
خاکیت علمای جغرافی با اعتبارات چند مقیسات مزبور در ذیل منقسم ساخته اند

اصطلاحات هند

خاکشناسی


و ملکات

خاکشناسی

و ملکات است کره دوزخ

دریا باشد

بر عظم - ملک - جزیره - شبه جزیره - تنگه - رس - کوه - تل
جلگه - دره - میدان - و بنا بر عظم یک قطعه زمین بسیار وسیع را
گویند که مشتمل باشد بر ممالک بسیار **ملک** یک جزیره از آن بر عظم را
گویند **جزیره** آن قطعه زمینی است که از چهار جهت آب آنرا احاطه کرده باشد
شبه جزیره آن زمینی را گویند که سه سمت آنرا آب گرفته باشد و یک سمت دیگر
آن بر عظم یا مملکت اتصال داشته باشد **تنگه** آن قطعه خشکی را گویند که در
وسط آب واقع و دو خشکی را یکدیگر اتصال دهد **رس** آن قطعه خشکی را گویند که
از کنار دریا با فاصله بعدی در میان آب کشیده شده باشد **کوه** آن قطعه خشکی
سنگی است که نسبت با ارض اطراف و لواحق خود ارتفاع داشته باشد و هرگاه
از آن موضع مرتفع ترش یا بخاری متصاع شود آنرا کوه آتش فشان گویند **تل** آن
قطعه زمینی است که بالنسبه با اطراف خود اندک ارتفاعی داشته باشد **جلگه**
زمین مسطحی را گویند که پایین و کوه واقع شده باشد هم از اینکه راه خروج داشته
باشد یا نه **دره** آنرا ای را گویند که از میان دو کوه بسیار بلند یا دو تل بسیار مرتفعی
بگذرد **میدان** آن قطعه خشکی را گویند که وسیع و سطح باشد و در صورتیکه آن زمین

از سطح دریا بسیار مرتفع باشد آنرا پلاتو گویند و **دلتا** آن قطعه زمینی است که در مجرای
آنرا آب احاطه کرده باشد یا آنکه در وسط دریا یک قطعه زمینی بشکل مثلث برآمده
باشد 

بیان در احوال سه قسمت آبی

واضح شد که صاحبان این علم سه قسمت زمین را که آب آنرا احاطه کرده با اختلاف
اوضاع و اماکن با ساحلی مسطوره در ذیل موسوم ساخته اند .

بحر اعظم - بحیره - خلیج - مرداب - بوغاز - رود - نهر - بندرگاه -
اما بحر اعظم و بحیره آنقدر آبی را گویند که از سایر آبهای عالم بیشتر باشد
خلیج مراد از مقدار آبی است که از دریا بجای داخل شده و امتداد یافته باشد
مرداب آن آبی را گویند که از چهار سمت زمین آنرا احاطه کرده باشد **بوغاز**
آب رودخانه مانندی را گویند که دو بحیره را بیکدیگر اتصال داده باشد
رودخانه آبی را گویند که از چشمه های کوه و یا از میان مرداب بیرون آمده بحیره
یا بحیره متصل شود و محل بیرون آمدن چنین آبی را منبع خوانند و موضع اتصال
آنرا بدریا و نه مناسبت **نهر** آب جاری مضموعی را گویند که از رودخانه یا مردابها

جدا کرده باشند **بندرگاه** موضعی است از دریا که کشتیها در آنجا لنگر می کشند

بیان در مجلی از احوال کشور هندوستان

محققان زمانه که هیئت مملکت هندوستان مانند شبه جزیره است و قسمت جنوب
بزرگ آنرا سیاحت و شکل تمام مساحت این قطعه مانند دلتا است یعنی مثلث است
و این مملکت محدود است بحدود و در ابعاده مسطوره در ذیل .

هند شمالی بواسطه سلسله کوه هیمالیا به قسب مشرقی میشود **هند شمالی و غربی**

آن بکوه سیمان و کوه مالاشنی میشود که این دو کوه حایل اند مابین مملکت
هندوستان و افغانستان و بلوچستان و **هند شمالی و شرقی** آن بکوهستان

آسام ملحق میشود که اینکوهها حایلند مابین مملکت بنگال و هندوستان و **هند جنوبی**

آن بحیره مندی میشود طول مملکت هندوستان از شمال بحیره بنگال و بنگال

میل و عرض آن از مشرق بمنزله بنگال و بنگال صد میل است و تمام مملکت

هندوستان تخمیناً سه کوه و یکصد هزار میل مربع میشود تعداد نفوس تمام

مملکت هندوستان تخمیناً پانصد کوه و یکصد هزار است بعد از مملکت چین هیچ

مملکتی از حیث کثرت نفوس و غیره معورت و آباد تر از مملکت هندوستان نیست

و حال پذیرد که بعضی از شعب ملک بر پایه زمین ملک هندوستان شده و تحت حکمرانی آن قرار گرفته است و این کشور هندوستان به قسم سه قسمت شده است آنقدریکه دروازه کوه **هیمالیا** واقع است و میان آنرا هندوستان شمالی و **هندوستان** می نامند و قسمتی که مابین کوه **هیمالیا** و **بنیال** (که اسم کوه است) واقع است آن را هندوستان خاام نامند و قسمتی که در طرف جنوبی کوه **بنیال** واقع است آن قسمت را **کین** می نامند و آنقدریکه از ملک هندوستان در کنار ساحل دریا واقع شده است همچنین قریب چهار هزار میل می باشد و لیکن مواضع لنگرگاه آن اندک است و این سواحل هندوستان نیز به قسم سه قسمت است آنچه در جانب جنوبی و شرقی ملک هند است آنرا ساحل **کار و منان** می گویند و آنقدریکه در طرف جنوبی و غربی هندوستان واقع شده است آنرا ساحل **غنیار** گویند و زمین هندوستان عموما حاصل خیز و پر فایده است و از غنی مصلح بسیار دارد که همه قابل زراعت اند و در حوضهای جنگلی آن ملک همیشه سبز و خرم است و رودخانه های آب شیرین از هر سمت آن ملک جاری است و بسیاری از بلاد آن ملک بر کنار دریا رودخانه می باشد است و کوه های بسیار نیز در مواضع عریضه موجود است پس در صورت لازم می آید که چنین

ملکت معظم از حیث آب و هوا با خلاف ماکن مختلف و آب و هوای این قطعه باطله و بکر می آید و هشتاد باشد . احوال کوه **هیمالیا** باید است که اینکوه در حدود شمالی هندوستان واقع شده است و کوهی است با بلند و زیاده و مرتفع چنانکه از جمیع کوه های روی زمین بلندتر است بنا علیه متعین بنود آنکوه را سلطان بجال نامیده اند و بسیاری از مواضع آنکوه بقدری مرتفع است که به وقت خالی از برف نیست و مابین هیمالیا و آنکوه را نیز بان خود **بنیال** و **هاردی** می گویند و آنچه از اینکوه **هیمالیا** بطرف شمالی کشیده شده است آن را **کلیاس پربت** می نامند و تقریبا چهل رشته کوه های کوچک با سالی مختلفه در ارتفاع است زمین آنها که ارتفاع هر یک از آنها از شش هزار ذرع کمتر نیست و مابین زمین آنها را در این مورد ذکر می نمایم تا حساب مرز بدست مطلق معلوم گردد کرد . در طرف ملک **بوتان** کوهیت موسوم به **چلاری** که همچنین هشتاد ذرع ارتفاع آن است در ملک **شکم** کوهیت موسوم به **کچچکا** که تقریبا نه هزار ذرع ارتفاع دارد . در ملک **نیپان** دو کوه است یکی موسوم به **گوری شک** که نه هزار و پانصد ذرع ارتفاع دارد و دیگری **دو لاکر** که ارتفاعش تقریبا نه هزار ذرع

گد هوال

در ملک کماؤن یک کو بی است موسوم به **شندادیوی** که بیشتر از پانصد فرس
 ارتفاع دارد در ملک گد و آن یک کو بی است موسوم به **مجنوئی** که بیشتر از پانصد
 ارتفاع دارد در ملک کشمیر کو بی است موسوم به **شند و پربت** اینکو نیز بیشتر از
 پانصد فرس ارتفاع دارد و دیگر کوه سلیمان است که عاقل است مابین ملک
 پنجاب و افغانستان از مواضع مرتفعه اینکو یکو وضعی است که آنرا **تخت سلیمان**
 گویند که بلندترین مواضع آنکو است این رشته تخمیناً از سطح دریا سه هزار و پانصد
 فرس ارتفاع دارد و دیگر کو بی است موسوم به **مالا** که آنهم یک شعبه است از کوه
 سلیمان و بسکن ارتفاع این کوه از تخت سلیمان کمتر است و نقطه عاقل است
 مابین ملک شند و بلوچستان در مملکت راجپوتانه کو بی است موسوم به
ازوئی که بلندترین مواضع آنکو **آب** است از سطح دریا یک هزار و شصت فرس
 ارتفاع دارد و کوههای منور به نماها بکوه هیمالیا اتصال دارد و علاوه بر کوه هیمالیا
 چند رشته کوه دیگر در مملکت هندوستان است از جمله کو بی است موسوم به **بنیالپان**
 که در وسط هندوستان واقع شده است و در طرف شمالی رودخانه **ترقیا** است و از
 مواضع مشهوره آنکو است که آنرا **جام گات** می نامند ارتفاع آن از سطح

بنده پیا چل

جام گات

ش پرا

دریا تقریباً شصت فرس است و دیگر از جمله کوههای هندوستان کو بی است موسوم
 به **ش پرا** اینکو یکو بنیال چل اتصال دارد و مابین رودخانه **ترقیا** و **نا پنی**
 واقع است و اینکو را **انجاوری** نیز می نامند و علاوه بر این هر شعبه از آنرا که
 بین رودخانه **نا پنی** از هر دو یک رشته برآید که آنرا **نا پنی** می نامند و در این رشته
 کشیده شده است مابین خوانند از جمله اینکو یکو در طرف غربی مابین **بست**
 جزیره چین رشته کوه **مردم** است به یکا که این کوه بسیار در ارتفاع کوه **بست** در
بست است به **سنگاری** از کوه دریا کشیده شده است موسوم به **سنگاری**
 تقریباً در هزار و سیصد فرس ارتفاع دارد و آنرا **کوه** می نامند که از آن در هر دو طرف
 می باشد و آن شعبه که از طرف جنوبی مابین **میکند و پیا** که گویند و این رشته
 که رشته در هر دو طرف دریا **نا پنی** است که در هر دو طرف دریا **نا پنی** است که در هر دو طرف دریا
 می باشد و این است با کوه **بیک** که از آنرا **نا پنی** می نامند و کوه موصوف
 تقریباً در هزار و سیصد فرس ارتفاع دارد و در سمت شرقی با **کار و مندل**
 انجا که بنامه رودخانه **کادی** می نامند و در شرقی کشیده شده است و لیکن ارتفاع این شعبه
 مانند کوه طرف غربی نیست کمتر است و کوه **بیک** مابین این دو شعبه
 کوه است **انگلا نیلگیری** می نامند و در هر دو طرف از کوه **بیک** که از آنرا
دادا پیا گویند که ارتفاع آن از سطح دریا تقریباً سه هزار فرس است علاوه بر کوه **بیک**
 مذکور کوههای کوچک بسیاری در مملکت است که گزارش آن موجب تطویل است
 بیان در احوال رودخانه های مملکت هند

کار و مندل

او و پیا

دادا پیا

مختی نمنا که عظم رودخانه های ملک هندستان رودخانه بیت موسوم به **هند**
 طول این رودخانه یکصد و هشتصد میل است از طرف شمالی که **کلاس پربت** که شعبه
 از کوه هیمالیاست جاری شده از ملک **تبت** و **پنجاب** و **هند** میگذرد
 و این رودخانه بچند شعبه داخل در بحر العرب میشود و شهرهایی که در کنار این رودخانه
 آباد گردیده از فراغت فصل ذیل است - **شهر انگ** - **کالاباغ** - **دیره اسماعیل خان** -
دیره غارخان - **مثن کوت** شهرت - **جدرآباد** - **کراچی بند** و غیره
 رودخانه بزرگ است که از سمت یعنی از طرف غربی محاذی شهر **انگ** و از سمت شرق
 در سرحد **پنجاب** برود و **هند** متصل میشود و اسمی آن پنج رودخانه از
 هند است اول رودخانه **شیخ** ابتدای آن از مردابی است موسوم به **مانسرو**
 که قریب است بهر چشمه رودخانه **برهم پتر** و رودخانه **هند** طول این رودخانه
 پانصد و پنجاه میل است که در چهل میل فاصله از شهر **بهاولپور** برود و **هند** **پنجاب**
 طی میشود دوم رودخانه **جلم** است طول این رودخانه چهارصد و نود و نیم است
 و بفاصله بیست و یک میل از شهر **جنگ** متصل برود و **هند** **پنجاب** میگذرد و سیم رودخانه
راونی طول چهارصد و پنجاه میل است بفاصله چهل میل در بالای شهر **لکناو** برود و

پنجاب طی میشود چهارم رودخانه **پیا** طول این رودخانه نیز دویست و
 نود و نیم است و در نزدیکی شهر **پش** برود و **هند** **پنجاب** طی میشود و پنجم رودخانه
پنجاب است طول این رودخانه هشتصد و شصت و نیم است در نزدیکی شهر **متن**
کوت و **پنجاب** برود و **هند** اتصال می یابد و در حاشیه این چهار رودخانه
 در نواحی جنوبی که هیمالیاست نیز از جمله رودخانه های منطقه هندستان کی
 رودخانه **کنگا** است که از جمیع رودخانه های هندستان بزرگتر و مشهورتر است
 در حاشیه این رودخانه در کوه **کنگوتری** است که شعبه از کوه هیمالیاست از اینجا
 جاری شده از کنار شهرهای متصله ذیل میگذرد و شهر **هروار** - **تنوج** - **اله آباد**
میرزا پور - **پنار** - **بنارس** - **غازی پور** - **بکسر** - **دانا پور** - **پتنه** - **مونیگر**
بهاولپور - **راج محل** - طول این رودخانه یکصد و پانصد و بیست و نیم است و
 رودخانه معروف از بلاد مذکور که گشته در خلیج **بنگال** داخل میشود و یکین در غرب
 و **جلم** این رودخانه دو شعبه شده است آن رشته که از کنار شهر **چند بکر** و **مونیگر**
 و **گلکشته** میگذرد و **هند** آنرا **مونیگر** و **بهالگری** می نامند و شعبه دیگر که از طرف
 شرقی **فرید پور** و **گولند** و **میکند** آنرا **پدا** و **پا** می خوانند و دیگر از جمله رودخانه های

نامی ملک هند یکی رودخانه **جمناس** است که سرچشمه آن در یکی از شعب کوه **بهالیاس**
که از شعبه کوه **راجنوتری** میآید از آنجا جاری شده و در قریب شهر **اله آباد** بروخانه
لنگا اتصال می یابد و موضع اتصال ایندیان **تربنی** می نامند شهرایکه برکنار
رودخانه **جمناس** آباد گردیده است اول شهر **دلی** است و بعد **مترا** - **بیدرا** بن
اگره - **آناوه** - **کالپی** - **همپور** - **جمناس** طول این رودخانه هشتصد و شصت
میل است و بکبر رودخانه است موسوم به **جمنیل** طول آن پانصد و هشتاد و یک
و بکبر رودخانه است که از باد و نام میخوانند **بنیو** طول آن سیصد و شصت
میل است و سرچشمه این رودخانه یعنی **جمنیل** و **بنیو** در مملکت **مالو** از کوه
بنیو یا **جمنیل** است از آنجا جاری شده و باین ترتیب بروخانه **جمناس** ملحق میشود و بکبر
جمله رودخانه مایکی رودخانه است موسوم به **سون** سرچشمه این رودخانه در قریب
ترتیب است که کوه **لنگا** که رشته از کوه **بنیو** یا **جمنیل** است بر میآید و از طرف جنوب
محدادی شهر **چترا** که شته رودخانه **لنگا** ملحق میشود چرخ رودخانه و بکبر تر است که
سرچشمه ای آنها قریب یکدیگر است یکی رودخانه **لنگا** طول این رودخانه
سیصد و یک است و یکی رودخانه **لوتی** طول آن پانصد و یک است و بکبر رودخانه

حیدر
مستورا

۱۶۰۰

۲
شهر و دهانه حمل در قش
انامه و دهانه بلیوا
در نزدیکی شهر همبر
برو و جفا خلق
خوشه

امیر کمال

10

گنگره که شصت میل طول است و بگردو خانه **گنگدک** که طول آن چهار صد پست
 و بگردو خانه **کوسنی** طول آن دویست و سی و پنج میل است این پنج رودخانه از طرف
 شمالی که **هیمالیا** جاری شده در اماكن مشهوره در ذیل برود خانه **لنگا** متصل میشود و در
 رام **لنگا** در زیر شهر فرخ آباد **گوتنی** در قرب شهر بنارس **گاگره** در بالای قصبه
چیرا گندک حمادی شهر قصبه **کوسنی** در زیر شهر بها گلپور پنج مذکور رودخانه های
 پنجگانه برود خانه **لنگا** ملحق میشوند و بگردو خانه های مشهوره مملکت هند رود
 خانه است موسوم به **برهم پتر** منبع این رودخانه از کوههای **کیلاش پربت** است
 که از قرب مرداب **مانشروور** چاشد و از سمت شمالی که **هیمالیا** بجانب شرقی
 انگونه جاری گردیده و از آنجا جانب غربی را نیز سیر نماید پس از آن در سمت جنوب
 برود شعبه منقسم میشود آن شعبه که بطرف مشرق روان است بدون اتصال برود خانه
 دیگر داخل دریا میشود و شعبه غربی که مندیان آنرا **جنبا** گویند برود خانه **پدرا**
 متصل میشود آنقدری از رودخانه **برهم پتر** که در ملک مکت است امالی آنرا **یارو**
 و **سپتو** میخوانند و آنقدر که در ملک **اسام** است امالی آنرا **دانگ** مینامند
 گویند که پس از اینکه این شعبه رودخانه **برهم پتر** برود خانه **لوپت ندی** اتصال

٢٤
٢٥

یا فاش آنرا **بزم** نام نهاده اند و بفاصله شصت میل قبل از دخول این رودخانه
 بدریا آنرا **مینگنا** گویند و یکرا از جلوه رودخانه های مشهوره آنملکت یکی رودخانه است
 موسوم به **نرند** منبع این رودخانه قریب است بمنبع رودخانه **سون** که از کوههای
 سند یا چل جاری شده بفاصله هشتصد و پنجاه میل از جانب غربی سند یا چل گذشته
 و در خلیج گنات داخل دریا میشود و از شهرهای مشهوره که در کنار این رودخانه آباد گردیده
 یکی شهر **برونج** هندی و یکی **موشنگ** آباد است و یکرا از جلوه رودخانه مایکی رودخانه **تاپی**
 است که از کوه **مست** پرا جاری شده و چهارصد و چهل میل طول این رودخانه است پنجم
 در خلیج گنات بدریا میریزد شهر **برناپور** و شهر **سورث** در کنار این رودخانه بنا شده
 و یکرا از جلوه رودخانه مارودخانه است موسوم به **هماندی** منبع این قریب فاصله
 نواکوه است که از مضافات شهر **ناگپور** چاهش از آنجا جاری شده با فاصله هشت
 میل طی مسافت هفتاد و دروزب شهر گنگ بجهت شعبه چهل خلیج **بنجال** میرود
 شهر **سمبل** بود و شهر گنگ در کنار این رودخانه بنا شده و یکرا از جلوه رودخانه های
 مشهوره هندوستان یکی رودخانه **گوداوری** است منبع این رودخانه در کوهها
 از پیشه کوه **ناک** میباشد و چهارصد و ده میل در محوطه **وژا** طی

گنات

برونج هندی

مست

نواکوه

گنگ

سمبل بود

مسافت کرده و از آنجا فاصله میل و یکسیر کرده در کنار بندر **راجنندری** داخل دریا
 میشود و یکرا از جلوه رودخانه مایکی رودخانه **کرشنا** سرشبه این رودخانه نیز در
 کوههای گنات غربی است در حوالی شهر **ستارا** در وضعی که آنرا **همادلی** شهر گویند
 و شصت میل طول این رودخانه است و در زیر چلی **بندر** و چل بدر با میشود و در
 شمالی یک رودخانه است موسوم به **پیناک** که طول آن با فاصله میل است و در سمت
 جنوبی این رودخانه رودخانه است موسوم به **سنگ** **بند** طول آن چهارصد و هشت
 میل است این هر دو رودخانه برودخانه **کرشنا** اتصال می یابد و یکرا از جلوه
 رودخانه های مشهوره یکی رودخانه **کاویری** است منبع این رودخانه در کوهها
 ملک **کرگ** است و از کنار ملک **میثور** و **کرناک** گذشته چهل دریا میشود
 طول این رودخانه چهارصد و هشتاد و ده میل است این رودخانه در کنار شهر
ترجناپی و شعبه شده است آن شعبه که از طرف شمالی میگذرد هندیان آنرا
کالرو مینامند شهر **اینگ** در کنار رودخانه **کاویری** بنا شده یکی شهر **سری**
رنگ پتن و **مچور** و **ترجناپی** و **ترنگبار** و علاوه بر رودخانه های نهاده رود
 خانه های کوچک لاتعد و لاکثی است که ذکر آنها موجب تطویل خواهد بود .

چلی بند

پیناک

سنگ بند

کرناک

سری رنگ پتن

بیان درانهامشهوره ملک هندوستان

پوشیده نباشد که در ملک هندوستان نهرهای مضوعی بسیار است لیکن بزرگترین آنهاست نهر **بی** است که از میان رودخانه **راوی** و رودخانه **سین** میگذرد و آب آن از همان رودخانه است طول این نهر شصت و هشت پنجیل است و یکی دیگر نهر **جمن** غریبی است که از قرب کوه **شوالک** جدا شده و از کنار شهر **حصار** و هریانه گذشته و در دهلی برودخانه **جمن** ملحق میشود و طول این نهر چهارصد و چهل میل است و یکی **اهم جمن** شرقی گویند لیکن این نهر در جزو انهار ثلثه نیست این نهر **جمن** نیز از جانب شمالی شهر **سهارنپور** جدا شده است و در دهلی برودخانه **جمن** متصل گردیده و طول این نهر یکصد و چهل میل است سوم نهر **گنگا** این نهر از رودخانه **گنگا** جدا کرده اند از شهر **رواره** تا شهر **کامپو** بر روی از منی آنجا جریان یافته و از همین نهر یک شعبه را با فاضلات شهر **علیگ** کشیده اند و فاضل آب آن نهر را در قرب شهر **کالی** برودخانه **جمن** اقبال اند

بیان در احوال مردابهای ملک هندوستان

مخفی فاند که مرداب بزرگ در تمام قحط هندوستان دیده نموده است و کجاست

ملکته

بسیار قبل است ازینقرار که دست شمالی ملک **کمالین** قریب کوه **پالیا** و مرداب است یکی را **ماشور** و دیگری را **گشتان** گویند طول آنها بیست میل و عرض چهار میل است و در ملک کشمیر نیز در موضع است یکی را **دل** گویند طول آن بیست میل و عرض چهار میل است و یکی دیگر را **اولر** گویند طول آن بیست میل و عرض نه میل است و در ملک **راچپوتانه** مردابی است طوطا بیست میل عرض و دویست و در ملک **برار** مردابی است و در ملک **گرناتک** نیز یکی است طول آن هر دویست و بیست میل و عرض باز ده میل و در ملک **شالی** متعلقه با **بکلیس** مردابی است که آنرا **کو لیر** نامند طول آن بیست پنجیل و عرض ده میل است و در ملک **اوتیه** و مرداب است یکی موسوم به **چلکا** طول آن سی و چهار میل عرض پانزده میل است و دیگری را **راچک** گویند طول آن یکصد و هشت میل و عرض آن شش است

بیان در احوال خلیجهای ملک هند

در ملک هندوستان خلیج است که هر یک در سستی واقع است یکی خلیج ملک **کج** که در طرف غربی **گجرات** واقع است و یکی خلیج **کشیات** که در طرف جنوبی ملک **گجرات** است و دیگری **پاون چیل** که مابین جزیره **امیر** و ساحل **کامپو** است

چل

اوتیه

راچک

چل کشیات

برها

ایند من

میکو کاشاوار

چو چیده

کاشاوار

پراشت

دیگر طبع هند این طبع مابین سرانند و ملک هندوستان یکی طبع **بکال** است
 که آنهم مابین هندوستان و ملک برماست بیان و احوال جزایر
 هند جزیره **مالدیب** در بحر عرب و وقت جزیره **سریب** در بحر هند جزیره
اندان و **بکوبار** در طبع **بکال** واقع شده و علاوه بر اینها چند جزیره کوچک دیگر
 نیز است که یکی **ادو** گویند در طرف جنوبی کاتیاوار واقع است و یکی دیگر **پیش** که مابین
 سرانند و هندوستان است و یکی جزیره **ساکر** که در سمت چپ رودخانه **مگلی**
 و یکی دیگر **کن شیدا** بهم در طرف شمال رودخانه **مگلی** واقع است بیان
 در سهامی ملک هند از جمله سهامی انملکت یکی **پارس**
سج گویند که در طرف رود هند واقع است و یکی **راوید** نامند این نیز در طرف
 غربی کاتیاوار است و یکی **پرس کای** که در طرف جنوبی هندوستان است و یکی **پرس کلی**
 نیز که در طرف شمالی سرانند و کن ساحل **کارد** واقع است یکی یکی برار پس
 برایت **پاکیر** که گویند که در ملک **ادو** است بیان و احوال مالی **مالی**
 باید و است که در ملک هندوستان صاحبان اویان و مذاب مختلفه باشد
 که به سبب چو به طبع که در اطوار و قوانین و آیین مذهبی نباشد و آنچه در مالی هند

ویشی

برش برها

بسیل گویند

که در طرف شمالی گویند یا پل ساکنند آنها را **آریه** می نامند و آنچه در طرف جنوبی **چلی**
 سکنی دارند آنها را **راوید** گویند و زبان این دو فرقه با زبان **سکرت** آمیخته شده
 اند بعضی از مالی هندوستان اعتقاد نیست که اشخاص مذکوره از شریفین قدیمه ملک
 هندوستان هستند و نام در ملک آسام و پیش برما یعنی ملک برای متعلق با کلیس
 از نسل **نابان** بسیارند که آنها نیز از نژادهای هند شده و میزند مانند طایفه **بیلگ** و غیره
 که غالب شوهای ایشان در هندوستان و جنگهای هند است هنگامیکه مسلمانان بر ملک
 هندوستان غلبه کردند بسیاری از آنها خانه و بلور چاه و چراب و پارسیان و غیرهم در و بملکت
 منوره در ضلع آن اقامت نمودند و اکنون اولاد ایشان در بسیاری از بلاد هند موجود

بیان در صنعت و حرفه مالی هند

واضح باد که فی زمانه پادشاهان و دولت از مالی هندوستان بجز در صنعت و فلاح
 اشتغال دارند و با وجودیکه درین پیشه سیوا و کوششها کرده اند و مهارت تامی دارند
 باز آنطوریکه شایسته و مقصود است در نکات زحمتی خود تکمیل شده اند و کفایتیکه مطلوب است
 حاصل خود را بعلیاء و زنده و باقی مالی هند بکارهای مختلفه اشتغال دارند

بیان در اطوار و حالات مردمان هند

خفی نما تا که امالی هندوستان عموماً مردمانی هستند و نه زنان و دقیق القلب لیکن
 به واسطه گرمی هوای این ملک تحمل سخت و شفت آنها کم است و بسیاری از ایشان است
 عنصر و کامل در جهت طلب شوند علاوه بر این صفت بچیدن صفت و بهر سبب که آن
 صفات مانع از ترقیات آنهاست و است و جمله در هیچ امری با یکدیگر شوق آفرینی نیستند
 و بیکدیگر بیچسبند و خیال اندوختن و ذخیره کردن برای روز نیک و بد نیستند بلکه
 ایشان با طاف مال میل مضطرب دارند خاصه در اتیم شادی و غم که بسیاری از وجود
 نقد خود را بمصرف میرسانند و بیکدیگر سفر و سیاحت کردن و بریدن ریش از جمله خود
 نمی پسندند و بیکدیگر عادات ایشان نیست که بفعال خود از صفت حسن ترویج نمایند
 البته اغلب ایشان قصیر العمر و ضعیف القوی میگردند و بیکدیگر از رسومات عالی هندوستان کمال
 آنکه زنان مسلمانان اینجا اکثر بر دین هستند یعنی که به چوشت هیچ قسمی برای سیرکشت از
 خانه بیرون نمی آیند لیکن در از سلف باین قسم عقیده بودند چنانکه اکنون هم در ملک
دکن مانند سایر بلاد هندوستان در باب بطلب چیدن و دقیق نیستند و بیکدیگر از جمله
 قوانین امالی هند یکی نیست که زنان خود را بهیچ وجه تربیت نمیکند و علی می آموزند و بیکدیگر
 این رسم و عبادت ایشان منسوخ است **بیان** در جمعی از احوال مذاهب

دکن

مختلفه هندوستان باید دانست که در ملک هندوستان از قبیل
 مذاهب و ملت موجود است لیکن طوائف هندو را جمیع مذاهب بیشتر اند و در مذاهب الانام
 مابین است پرستان چنان رسم بود که باید همه بر یک طریقه و آیین را در روند و غیر آنرا
 جایز نمیدانستند لیکن جدیدیت که بعضی از ایشان ایشان این مذاهب قدیم را منسوخ
 داشته اند و اختلاف عظمی در میان مسنود بهر سبب و هر طایفه مذاهب و طایفه
 چهار گروه اند چنانکه اکنون مذاهب عدیده در میان است پرستان شیوع یافته است
 و مشهورترین طوائف هندو و فرقه است که یکی **ایشو و شاکت** می نامند و دیگری را
ایشو اند مذاهب اسلامی نیز در این ملک گسترده شده و از عزیزان بسیار
 در ملک **پنجاب** از پیروان مذاهب **شیخ** بکثرت وجود دارند و در محوطه هند
 یعنی در فرق **مجرس** نیز بعد از ادیان مختلفه است در ملک **بنیال** و **میرا** بسیاری
 مذاهب **بودا** را تقبله نمایند **بیان** در آنست متعلقه ملک **هندوستان**
 اصل زبانیکه در ملک هندوستان بیشتر شیوع دارد زبان **اردو** است که اعلی آنست
 بآن زبان حکم می نمایند و گذشته از آن زبان فی زمانه با تقریباً سی زبان در میان
 امالی هندوستان اصطلاح است که هر شعبه از آنها برای حکم می نمایند و زبان **اردو** که

سکته

بوده

مختلفه هندوستان از قبیل مذاهب و ملت موجود است لیکن طوائف هندو را جمیع مذاهب بیشتر اند و در مذاهب الانام مابین است پرستان چنان رسم بود که باید همه بر یک طریقه و آیین را در روند و غیر آنرا جایز نمیدانستند لیکن جدیدیت که بعضی از ایشان ایشان این مذاهب قدیم را منسوخ داشته اند و اختلاف عظمی در میان مسنود بهر سبب و هر طایفه مذاهب و طایفه چهار گروه اند چنانکه اکنون مذاهب عدیده در میان است پرستان شیوع یافته است و مشهورترین طوائف هندو و فرقه است که یکی ایشو و شاکت می نامند و دیگری را ایشو اند مذاهب اسلامی نیز در این ملک گسترده شده و از عزیزان بسیار در ملک پنجاب از پیروان مذاهب شیخ بکثرت وجود دارند و در محوطه هند یعنی در فرق مجرس نیز بعد از ادیان مختلفه است در ملک بنیال و میرا بسیاری مذاهب بودا را تقبله نمایند بیان در آنست متعلقه ملک هندوستان اصل زبانیکه در ملک هندوستان بیشتر شیوع دارد زبان اردو است که اعلی آنست بآن زبان حکم می نمایند و گذشته از آن زبان فی زمانه با تقریباً سی زبان در میان امالی هندوستان اصطلاح است که هر شعبه از آنها برای حکم می نمایند و زبان اردو که

اثر یا

کجی

مرجعی

شک
شک
کاشریکرناک
شراونگر

سده کشیم که ما بین عموم امالی هند شیخ دارد و زبان هندی قدیم اغلب در ممالک
مغربی هند و سنان و مملکت آوده و **بهار** معمول است و گذشته ازین و زبان کجی
السه از قرار ذیل است زبان **بجکله** و **آزیه** - **آسامی** - **نیپالی** - **کنیری** - **چچا**
راچوتی - **گجراتی** - **کچی** - و غیره و هر یک از این سده در حدود مملکت هر سده
هم منداول است مثلاً **بجکله** در مملکت **بجکله** و **بکلا** سایرین و اما محفوظ **بجی** و مملکت
برادر و ممالک متوسطه هند و **سنان** اغلب زبان **سجی** حکم نمایند و تمام این السه از
زبان **سکریت** اخذ شده است و بعد از اینها زبان **سندی** است که از زبان عربی
اخراج شده است و اما درست خوبی مملکت **هندوستان** اغلب زبانهای مفصله
ذیل مشتمل است **نیلگو** - **ناثل** - **کاشری** - **مالایالم** - و هر یک از این سده
در بعضی مذکوره و در یک حدی از بلاد جنوبی مملکت **هندوستان** است از آنکه زبان **نیلگو**
در احوال شالی مدرس یا **سند** زبان **ناثل** در مملکت **کرناک** و **تراونگر** و زبان
کاشری در مملکت **بنور** و **گنارا** زبان **مالایالم** زبانی است که در طرف **میلپا**
و **کوچین** بان حکم میشود **بیان** در تعلیم علوم مملکت **هند**
مخفی نمائند که امالی مملکت **هندوستان** از حیث آموزش علوم روز بروز ترقی نمایند

زیر که این آیام مانند از سده سابقه بعضی قیودات مذهبی را ندارند که مانع از تحصیل علوم
مستوفیه ایشان باشد بلکه هر فرقه و طبعی میباید که هر گونه علمی بپایمزد و خاصه از سده
هندوی که از کلیه ممالک استیلا یافته اند از آن زمان تا کنون بپایمزد و بزرگیات
امالی هند و سنان افزوده شده است باطنی که از توجهات دولت همیشه این
که علم در مملکت ترویج یافته چنانکه فی زمانه گذشته از سده مدرس و **ملاک** و **مینی**
که مدریس و مجالس علمیه آنجا و پیشرفت و ترقی تعلیم امالی آن بدرجه کمال رسیده
شعبه یاد و در بیت و چهار مدرسه در بلاد هند و سنان بنا کرده اند و در مدارس امالی
آنجا تحصیل علوم میشوند **بیان** و **مجمعی** از اوصاف آب و هوای
مملکت **هندوستان** توضیح آنکه چون بسیاری از ممالک **هندوستان**
مخازی خاصه استوار است و یکوم میشود و یکین بر هوای که ممالک مانند کشمیر و غیره
سرا غلبه دارد و بعضی از بلاد هند که غشیش مرتفع است مانند **بنور** و غیره هوای
درجه اعتدال است اما ممالک **سند** و **کرناک** بدرجه گرم میشود که زمین مانند کوره
آنسکان بگرد و جوهای آب و صخره با آتش سنگ میشود و صیغ نباتات در اشجار
مشعل میگردد و در فصل در مملکت **هند** باد میوز و یکی آنها و آوریل الی ماه سبتمبر

طای بیرون آمده است و لیکن سایر معادن مانند آهن و مس و سرب و زغال
سنگ و زاج و شاد در سنگ مرمر و غیره در غلبه که همای هندوستان زیاده
بیان و احوال حیوانات و سباع و وزندگان هندوستان
در مملکت هند عموماً از هر قبیل حیوانات و فو و در و مانند گاو و گاو میش و شتر و گوسفند
و اسب و الاغ بسیار است و در جنگلهای آنجا از هر قبیل وزندگان یافت میشود و بعضاً
فیل و کرگدن از آنجمله در مملکت **راجستان** و **گجرات** شتر بسیار است در مملکت
اسام و لگ فیل و فو و در و در طرف **چانگانم** کرگدن بسیار یافت میشود
و علاوه بر اینها آهو و گاو کوهی با قسام مختلفه در آن جنگلهای فو و در و

چانگانم

بیان در عمل تجارتی مملکت هندوستان

درین ایام معاملات خارجیه هندوستان زیاده از صد کرد و در پیوسته گاه
پانصد کرد و تومان زیاده و تریع و شری میشود و غلب مال التجاره هندوستان از فیل
مال و زرنگ است لیکن از طرف **برابری و سنگاپور و ملاکا و چین و سیرالی**
و امریکا و غیره نیز مال التجاره هندوستان میاید و از آنجا چینه و تریاک و علقه و
فیل و زنگ و کرچک و جرم و چانه و قباکو و شوره و شکر و غیره بخارج محل نقل میشود

سنگاپور سیرالی

و آنچه از خارجیه مال التجاره هندوستان میاید از مقدار است آنچه از هر قبیل طرفهای
در پیوسته از هر قسم اشیای آینه ای و دیه جات شراب جانی کتاب کاغذ اسب و غیره
بیان و احوال شعبه های راه آهن مملکت هندوستان
عمدی نماند که در طلب حد و مملکت هندوستان جاده های آهن کشیده شده است
و در جاده های ترشیل بر شیب عده ده است که به شهر بلده و کمال سهولت و آسانی
چنان رفت و بچلای برای پرسش یک اسم مخصوصی گذارده اند تا هر یکی از دیگری
شناسه شود و نیز در اینجا جان اسم و رسم و روح جنایم تا بر ناظرین این کتاب شود
ایستادن ریلوی این جاده از کلکته تا شهر دلی کشیده شده است و لیکن یک
شعبه این راه از **آلبا و بر جیل** میرو و طول مسافت این جاده راه آهن یکصد و پانصد
و سه میل است و شهر فیه با یکدیگر در کنار این جاده آباد شده است ازین راه است
پورا - سیرامپور - چندلر - هوگلی - برودان - رالی گنج - رانجمل -
مرشد آباد - جالپور - سوگیر - علی گنجر - ای - چینه - وانا پور - آره -
کبوتر - بنارس - میرزا پور - آله آباد - کانپور - آناه - آگره - علی گره -
دلی - و دیگر ایستادن بحال ریلوی این جاده از شهر کشیده تا شهر کلکته

ایستادن ریلوی
پورا و آینه شهر

پورا
کلیتری
آناه
کشیده
ایستادن بحال ریلوی
پورا و آینه شهر

اصطلاحات هند

اداره روحیه و علمیه بلوی
البرادری و احسان
و دیگران

عائده

راجو تانہ شہت ریلوی
غیر آجین ملیر راجو تانہ
نولوارگی

کفن گدہ گولڈن

سند و انتخاب و دلیلی
بغیر از آنست که در حدیث
مستند است که
راستی بند میرسد لودیه

حاجتكم

[illegible]

اصطلاحات چند

ماہنامہ لومری

انڈس ویلی اسٹیٹ ریلوی
کوٹھری

روزی

نارون خواب است رطوبی
بهر روز آید شامی خواب

گريش ادين پيڻيولا ريلوي
عنوان: اهن سبب خبره ٿيڻ کان
ننگ

11

پہاؤں کھنڈوا سہاکیو

خبر وادار

اصطلاحات هند
 پورث گینگ
 تربت پیلوی
 بارو
 در بنگا
 گپا پیلوی
 سند پیلوی
 مندر
 مانترس مندر لانت ریلوی
 دوتو و مندر پیلوی
 و در دوتو پیلوی
 و در دوتو پیلوی

این راه از کلکت است تا نصیر پورث گینگ طول مسافت این راه بیت و نه میل است
 و چون تربت پیلوی ابتدای این راه است تا سونایت پیلوی
 و از سونایت پیلوی میرود و در بنگا و مندر پیلوی یک شعبه آن بنگا و مندر پیلوی میرود
 و سلسله و بنگا و مندر پیلوی به مندر پیلوی منتهی شده است طول این جاده و مندر پیلوی
 و شش میل است سیم گپا پیلوی ابتدای این راه از بنگا پیلوی است الی
 شهر گپا پیلوی مسافت آن پنجاه و هشت میل است چهارم سند پیلوی ریلوی
 ابتدای این راه از شهر اگره است الی مندر گوالدر لیکن در این ایام از اگره شهر پیلوی
 بزرگشده است طول مسافت این راه از اگره الی گوالدر سی و هشت میل است پنجم
 مانترس مندر لانت ریلوی این راه از شهر مانترس به مندر گینگ شده است طول
 مسافت آن بیت و نه میل است ششم دوتو و مندر پیلوی ریلوی این راه از
 مندر الی نصیر پورث گینگ شده است طول آن چهل و هشت میل است هفتم
 و در دوتو پیلوی ابتدای این جاده از شهر دوتو و مندر گینگ پیلوی کشیده شده است
 و تا به مات سنائی میرود

بیان در احوال حکومت مملکت هندوستان

مخفی و مستر نمائاد که فی زمانه نام تمام مساحت کشور هندوستان تحت
 حکومت و حصار دولت بنیه پیکس است باین نحو که تمام راجه و نواب و امرا
 مملکت که بنوعه ایالت و ریاست دارند نیز مطیع و تابع که از آن دولت مذکور یک
 از راجه و نواب و امرا مملکت که ریاستان بیشتر است از حجاب دولت
 مشارالیه بایک کارپرداری در آنجا مقرر شده است که بواسطه او با فرمانهای
 هندوستان ارسال و وصول کنائی نمایند و در صورتیکه آن راجه یا نواب
 یا عابدی خود نظری اعتدالی رفتار نماید که حساب احتمال در نظام مملکت
 او باشد مورد مواخذه حکومت پیکس خواهد شد فقط دو حکومت است
 در مملکت هندوستان که دولت پیکس بهر چه حق مدخله ندارد و علاوه بر آن
 چند موضع از بلاد هند در تصرف دولت فرانسه و پرتغال است و حکومت
 مملکت هندوستان بر چهار قسم است اول حکومت مخصوصه پیکس دوم
 ایالتها بیک در تحت حفاظت دولت مشارالیه است سیم ایالتها بیک پیکس حق
 مدخله در آنها ندارد چهارم حکومت موضع است که در تصرف دولت خارج است
 نخستین در احوال ممالک متعلقه به دولت پیکس

شش

باید دانست که در مملکت هندوستان آنقدر ضعیف که در تحت حکومت انگلیس است
 آنرا **برتش اندیا** مینامند یعنی هندوستان انگلیسی تمام موقوفه بلاد متعلقه
 بدولت انگلیس در مملکت هندوستان بهمه پنه بطور مربع هشتصد و شصت
 چنبره میل است و تمام تعداد نفوس آنخوط که رعایای خاصه انگلیس اند بحد
 کرور و شصت و شش لک و سی و هشت هزار نفر اند که بحساب ایران سیصد و هشتاد
 و سه کرور و سیصد و سی و هشت هزار نفر بشود و از قرار ادب مملکت ازین قرارند
 از مرز اسلامه تا کرور از بت پرستان و دیت و شصت کرور از ادب
 بود و چهار کرور و یکصد هزار نفر از چینیان که سرزمین قدیم هندوستان اند و
 کرور از طایفه سیک و دو کرور و یکصد و پنجاه هزار نفر از عیسویان هشتصد و پنجاه
 هزار نفر تمام مالیاتیکه دولت بنیه انگلیس از آنخوط تحصیل نماید موافق راپورت
 عیسوی پنجاه و دو کرور و چهار ده لک و هفت هزار روپیه است که بحساب ایران
 دویست و شصت و دو کرور و چهار صد و ده هزار تومان میباشد و آنچه ازین
 مبلغ برسم مالیات گرفته میشود ازین قرار است مالیات زرعی یکصد کرور مالیات
 تر باک چهل و پنج کرور مالیات ملک سی کرور و مابقی فوائد دولت انگلیس در آن

مملکت از قبیل عراض و **انجمناس** یعنی مالیات از روی مدخل و جیب
 و غیره است و نظام حکومتی آنخوط مذکوره از جانب ملکه انگلیس بعد از یکروز
 مخصوصی و اگدا شده است و برای معاونت آنوزیر موصوف پانزده نفر
 سوار مقر و شصت اند که شش نفر ازین اجزا انتخابی هستند که باید و ده سال
 مملکت هندوستان بر سر خدمت خود باقی باشند و در ظرف مدت نوبت
 عربی برای پتانفت و وزیر موصوف را انگلیسها **بکرتی آف استیت**
^(وزیر هندوستان) **اندیا** مینامند و اجزا مجلس شود را **اندیا فنس** گویند مجلسی که آنوزیر بآن
 اجزا و آن جمع میشوند آنرا **هوم گوینت** مینامند و در تحت این مجلس وزارت
 فرما نقرهای هندوستان است که آنرا **گورنر جنرال** و **وکیل** مینامند و فرما نقرهای
 موصوف در مملکت هندوستان چنان با اندکی زیاده اقامت خواهد کرد و
 پس از آن دیگری بجای او مقرر میشود و برای معاونت آن گورنر جنرال پنج
 الی هفت نفر اجزا قرار میدهند که سه نفر از آنها از اجزا مجلس وزارت موصوفه
 هستند و این اجزا گورنر را انگلیسها **ایکسکیکوتیو کونسل** مینامند و در مجلسی که گورنر
 جنرال بآن اجزا مخصوص برای اجراء حکامات می نشینند مجلس **ایسکریپت**

سیکرتری آن همیشه فارسی
 نیز وزیر هندوستان
 انشاالله
 نیز وزیر هندوستان

دشمنان و فرمانرواها حکامیکه در تحت فرمان قرار میباشند بر سه قسم اند یکی را گویند
و یکی را **نقش گور** و دیگری را **چیف کشش** (یعنی حاکم) و نایب الحکومه و سایر
مخصوص و اینچاهت در هر شهر که حکومت بنمایند آنخو را **کل گورنت** بنامند
و علاوه بر این چند مجلس دیگر نیز برای اجرای قوانین در هر درگاه حکومت از قبل فرستاده
هند و ستان منعقد است که تدکاش موجب تقوید است سابق بر این **پرتش**
اندیا (یعنی حکومت محضه مجلسی) در هند و ستان منحصر بر سه محوطه بود در طرف
شمالی هند محوطه **بنگال** در تحت حکومت انگلیسها بود و در جانب جنوبی مملکت
هند محوطه **مدرس** و در سمت غربی مملکت هند و ستان محوطه **سیسی** و لیکن
حالا چندی است که حوزه حکومتی دولت انگلیس ترقی کرده و مشتمل بر چند محوطه
شده است از قرار تفصیل ذیل - محوطه **مبسی** در تحت حکومت **گورنت**
(یعنی حاکم مخصوص) محل حکومتی در خود بمبئی است تمام حاطه بندر بمبئی مع مضائق
و متعلقاتش یکصد و بیست و پنج هزار و بیست و شصت و یکمیل مربع است
نقد و نفوس آنخو یکصد و یک هزار و دویست و شصت و شصت نفر که بحساب
ایران اسی و یک هزار و شصت و بیست هزار نفر میشود) مالیات بندر بمبئی باز ده

و بیست و دو ملک و سی و هشت هزار و سی و بیست که بحساب ایران پنجاه و شش
هزار و پنجاه و نه هزار و پانصد تومان میشود) محوطه **مدرس** در تحت حکومت
حاکم مخصوص است محل حکومتی در خود شهر مدرس است تمام محوطه متعلقه
بحکومت مدرس یکصد و سی و هشت هزار و سیصد و هجده میل مربع است
نقد و نفوس آنخو سه هزار و دویست و شصت و یک هزار نفر که بحساب
ایران شصت و دو هزار و دویست و شصت و یک هزار نفر میشود) تمام مالیات
حکومتی مدرس هشت هزار و دویست و شصت و یک و سی و نه هزار و سیصد و بیست
که بحساب ایران سی و نه هزار و چهارصد و سی و نه هزار و بیست و پنجاه تومان
میشود) محوطه **بنگال** در تحت حکومت نایب الحکومه است محل حکومتی در کلکته
تمام محوطه بنگاله مع متعلقات و مضائق آن یکصد و پنجاه هزار و بیست و شصت
و نه میل مربع است نقد و نفوس آنخو شش هزار و چهارصد و شصت و پنجاه
نفر که بحساب ایران یکصد و بیست و چهار هزار و چهارصد و پنجاه نفر میشود) تمام
مالیات مملکت بنگاله هفت هزار و دویست و چهار صد و پانزده هزار و سیصد و بیست که
(بحساب ایران شصت و نه هزار و سیصد و پنجاه و دو هزار و بیست و پنجاه تومان میشود)

مخوط **مالک مغربی و شمالی** و او ده انجوط نیز در تحت حکومت نایب حکومت است
و محل حکومتی در شهر **الاباد** است تمام مساحت متعلقه حکومتی مالک مذکوره
یکصد و پنجاه و یکصد و نه میل مربع است تعداد نفوس آنجوط چهار هزار و
نوزده و یک و پنجاه و شش هزار نفر که بحساب ایران هشتاد و سه هزار و چهار
و پنجاه و شش هزار نفر میشود مالیات حکومتی بمملکت همه هجده هشت کرو
و بیت و دو و یک و سی و شش هزار روپیه است که بحساب ایران سی و
شش هزار و پنجاه و نه هزار و پانصد تومان میشود مخوط **مملکت پنجاب**
انجوط نیز در تحت حکومت نایب حکومت است محل حکومتی در شهر **لاهور** است
تمام مخوط متعلقه حکومتی پنجاب یکصد و چهار هزار و نهصد و بیت و نیم و تحت
تعداد نفوس آنجوط یک هزار و هشتاد و شش و پنجاه هزار نفر که بحساب
ایران سی و پنج هزار و یکصد و پنجاه هزار نفر میشود مالیات حکومتی آنجا همه هجده
و دو هزار و سیصد و یک و هشتاد و هزار روپیه است که بحساب ایران ده هزار
و چهل و دو هزار و پانصد تومان میشود مخوط **مالک متوسط مرکزی هندوستان**
انجوط در تحت حکومت مأمور مخصوص است محل حکومتی آن مأمور در شهر **ناگپور** است

تمام مساحت حکومتی مالک متوسط هشتاد و چهار هزار و دو بیت و شصت میل
مربع است تعداد نفوس آنجا هشتاد و دو هزار نفر است که بحساب ایران
شانزده هزار و دو بیت و دو هزار نفر میشود تمام مالیات آنجوط یک هزار و شصت
و هشت و یک و شصت و هشتاد و سه هزار روپیه است که بحساب ایران شش هزار و یکصد و نه
و یک هزار و هشتاد و پنجاه تومان میشود مخوط **است** حکومت انجوط نیز مأمور مخصوص است
محل حکومتی در شهر **شنگ** است تمام مساحت مالک استام چهل و پنجاه و یکصد
و دو میل است تعداد نفوس آنجوط چهل و یک و یک و سی هزار نفر است که بحساب
ایران هشت هزار و یکصد و سه هزار نفر میشود مالیات حکومتی استام هشتاد
و چهار و یک و چهل و شش هزار روپیه است که بحساب ایران چهار هزار و یکصد و یازده
هزار و پانصد تومان میشود بیان در حکومتی بر تشبیه بر مالک
برمانی که در تحت حکومت دولت انگلیس است انجوط نیز در تحت حکومت **حقیقت**
کشمیر است (یعنی مأمور مخصوص) و در حکومت در بند **نگون** است تمام مساحت
برمای متعلقه حکومت انگلیس هشتاد و هشت هزار و چهارصد و پنجاه و شش میل مربع است
تمام رعایای آنجوط مطابق راپورت شده عیدی سی و یک و دوازده هزار نفر است

که بحساب ایران شش کرو و دو و از ده نفر میشود تمام مالیات متعلقه بحکومتی
 انگلت مطابق کبابچه ^{۸۷۷} عیدی یک کرو و نو و دشت لک و پشاد و سه
 هزار روپی است که بحساب ایران نه کرو و چهار صد و پشاد و هزار و هشتصد و پنجاه
 تومان میشود **بیان در حکومتی مملکت برار خیار حکومتی**
 اینخوطه با فرمانفرمای **هندوستان** است در آن حکومتی و شهر **ایلیچ پور** است
 تمام مساحت اینخوطه هفده هزار و شصت و سی و یکمیل مربع است تقد و تقد
 اینمکت بیت و دو لک و شش هزار نفر است که بحساب ایران چهار کرو و دویست
 و شش هزار نفر میشود مالیات اینخوطه پشاد و دو لک روپی است که بحساب
 ایران چهار کرو و پنجاه هزار تومان میشود محوطه **اجمیر شریف** اینمکت پیر تخت
 اختیار فرمانفرمای **هندوستان** است در آن حکومتی و شهر **اجمیر** است تمام
 مساحت اینخوطه دو هزار و هشتصد و پنجاه و چهارمیل مربع است تقد و تقد
 رعایای اینخوطه دویست و بیست و چهار نفر است مالیات متعلقه باین حکومت
 سه لک و پشاد و شش هزار روپی است که بحساب ایران نو و چهار هزار
 تومان میشود محوطه **کرگت** اینخوطه نیز در تحت اختیار فرمانفرمای **هندوستان** است

محل حکومتی در شهر **کرگا** و لغت تمام مساحت اینخوطه دو هزار و بیست
 تقد و تقد و نفوس رعایای آنجا یکصد و شصت و شش هزار نفر مالیات حکومتی اینخوطه
 لک و شصت و یک هزار روپی است که بحساب ایران یکصد و نو و هزار و دویست
 پنجاه تومان میشود **میزان کل** از قرار است - کل مساحت متعلقه بحکومت
 اینجلس چنانکه مذکور شد هشتصد و شصت و پنجاه و چهارمیل مربع است
 تقد و تقد نفوس تمام ممالک مذکوره از قرار پورت ^{۸۷۷} عیدی هجده کرو و
 شصت و دشت لک و سی و هشت هزار نفر که بحساب ایران میشود سیصد و پشاد و
 سه کرو و سیصد و سی و هشت هزار نفر مالیات متعلقه تمام حکومت ممالک
 مذکوره از قرار کبابچه ^{۸۷۷} عیدی پنجاه و دو کرو و چهار ده لک و چهل هزار روپی است
 که بحساب ایران دویست و شصت کرو و سیصد و شصت هزار تومان میشود
بیان در احوال حکومت ممالک مغربی و شمالی و اووه

از مملکت هندوستان

ممالک مذکوره محدود و مجبوره و آریبه است - حد شمالی آن بکوه **همالیا** و
 مملکت **نیپال** منتهی میشود - حد شرقی بممالک متعلقه بحکومت **بنگاله** میرسد

حد جنوبی بمالک متوسطه **هند** حد غربی بمالک **راچونا** و پنجاب منتهی
میشود و غالباً ارضی اینجوخه مسطح و هموار است لیکن ارضی طرف شمالی و غربی این
منتهی را روی بار قفاح میگذارد علاوه بر این بعضی ^{که در بعضی} حد و شمالی این اراضی یعنی
در قریب شهر **نیر** را **پور** یک شعبه ^{که در بعضی} این **بند** یا **جل** منتهی میشود و بواسطه کثرت
دو فغانه تمام ارضی اینجوخه سیراب و قابل هر گونه زراعت است و هوای
اینجوخه با نسیب بمالک **بکال** در فصل بهستان سرد تر و در تابستان گرم تر
میشود اغلب سکنه اینجا بت پرستانند و نسبت عده نفوس آنها بمالک ^{نفسا}
نسبت صد است بده در ^{نفسا} عده عیسوی مالک مغربی و شمالی را بدون مالک
آوده بعد از یک نایب **بکال** قرار داده بودند و جهت اینکه اینجوخه را مالک ^{نفسا}
و شمالی نامیده اند است که چون در ابتدا پنجلیها مالک **بکال** را فتح نمودند
چند شهر و قصبه در سمت شمالی و غربی مالک **بکال** واقع بود و همین لحاظ
آن بلاد را مالک مغربی و شمالی **بکال** نامیدند و در آن زمان مالک آوده
در تحت حکومت مأمور مخصوص بود و در ^{نفسا} عده عیسوی مالک را نیز تحت حکومت
مالک مغربی و شمالی نمودند اکنون حکومت این دو مالک متعلق بیک ^{بکال} نایب

و نایب **بکال** موصوف بعضی از اوقات سال مرکز حکومتی خود را در **ال آباد**
قرار میدهند و چندی در شهر **لکهنو** اقامت نمایند و این دو مالک به یازده
قسمت منقسم شده است و هر قسمی نیز متعلق بر چند شهر و قصبه است که در هر ^{قسم}
یک حاصل از جانب آن نایب **بکال** مقرر برای اخذ مالیات مقرر است ^{در بعضی}
مشهوره این دو مالک چهل و هشت شهر است که هر یک را بمقام خود از قرار
تفصیل ذیل ذکر نمایم تا بر ما ظرین پوشیده نماند

بیان در قسمت اول مالک مغربی و شمالی و آوده
این قسمت را **میر** خوانند ^{نفسا} شهر **بکال** درین قسمت واقع است از ^{نفسا}
اول **مخوطه دیره دون** بیشتر در وافته کوه **سوالک** واقع شده است تمام
مخوطه بیشتر مع مضافاتش هزار و یکصد و نود و سه میل مربع است مقدار
نفوس اینجا یکصد و شصت و نه هزار و نهصد و چهل و پنج نفر است متعلقات
یکی **شهر دیره دون** دیگری **منظوری** و دیگر قصبه **لندوره** و دوم **مخوطه سهار پور**
بیشتر مع مضافاتش در طرف جنوبی **مخوطه دیره دون** واقع است تمام مخوطه
اینجا دو هزار و دویست و هشت و یک میل مربع است مقدار نفوس سکنه اینجا

هشتصد و هشتاد و نه هزار و هشتصد و هشتاد و دو نفر است متعلق است بخ
 یکی شهر **سپاسان** و دو بند و زر کی و هر دو در **کنکلی** است سیم **مظفرنگر**
 این طرف بالنظام متعلق است در سمت جنوبی **سند** واقع است تمام
 محوطه اینجا هزار و ششصد و پنجاه و چهار میل مربع است تعداد نفوس سکنه
 اینجا ششصد و نود هزار و هشتاد و دو نفر است قصبه ای مشهوره متعلقه اینجا
مظفرنگر یکی **کیرانه** و شمالی **وگنالی** است چهارم محوطه **میرت** بیشتر متعلق
 در سمت جنوبی **مظفرنگر** واقع است تمام محوطه اینجا دو هزار و سیصد و پنجاه
 و چهار میل مربع است تعداد نفوس سکنه اینجا دو هزار و یکصد و هشتاد
 یکصد و چهار نفر است که بجانب ایران و وگور و دولت و هندی هر دو
 و یکصد و چهار نفر میبود مواضع مشهوره متعلقه اینجا یکی شهر **میرت** یکی **کیرانه**
 و **ماپور** و **سردنه** و **بروت** است پنجم **بلند شهر** محوطه در سمت جنوبی
میرت واقع است تمام محوطه آن هزار و نهصد و نه میل مربع است تعداد
 نفوس اینجا نهصد و سی و شش هزار و پانصد و نود و سه نفر است مواضع مشهوره
 یکی **بلند شهر** یکی **خورج** و **انوپ** شهر و **سکندر آباد** است ششم

بلند شهر

سکندر آباد

میرت

انوپ

بلند شهر

محوطه **بلند شهر** محوطه **کول** نیز می نامند در سمت جنوبی **بلند شهر** واقع
 شده است هزار و نهصد و پنجاه و چهار میل مربع محوطه اینجا تعداد نفوس
 سکنه تمامی محوطه اینجا ده یک و هشتاد و نه هزار و سیصد و سی و سه نفر
 که بجانب ایران و وگور و هشتاد و نه هزار و سیصد و سی و سه نفر
 مواضع مشهوره اینجا یکی شهر **علیک** یکی **ماترس** و **انزولی** و **سکندر آباد**
 بیان در سمت دوم ممالک مغربی و شمالی و اووه
 این سمت **روینکند** می نامند نسبت به مثل بر چند شهر و قصبه است
 که از قرار تفصیل ذیل ذکر خواهد شد اول محوطه **بجنور** محوطه در جانب شرقی
میرت واقع است تمام محوطه اینجا بالنظام متعلق است هزار و هشتصد
 و شصت و نه میل مربع است تعداد نفوس آن بهر جهت هشتصد و سی
 و هشت هزار و یکصد و پنجاه و دو نفر است بلاد متعلقه با محوطه یکی شهر **بجنور**
 یکی **خیب آباد** و **گینه** و **دلیپور** و **چاندپور** و **سیرکوت** است دوم
 محوطه **مرا آبا** و محوطه در سمت جنوبی و شرقی **بجنور** واقع است تمام
 احاطه بیشتر بالنظام متعلق است دو هزار و سیصد و یک میل مربع است

ماترس

روینکند

میرت

نقد سکنه انجوطه دوازده لک و شصت و دو هزار و چهارصد و هشتاد
و پنجاه است که بحساب ایران دو کرو و دویست و شصت و دو هزار و
چهارصد و هشتاد و پنجاه میشود (بلا مشوره اینجا یکی **شمر** و **اوباد** و یکی قصبه
سنبل و **امرویه** و **چندوسی** و **تنگ** که دره است بستم **محوطه** **میلان** انجوطه
در طرف جنوبی و شرقی مراد آباد واقع است تمام محوطه اینجا مع مضافات
هزار و نهصد و نود و سه میل است نقد نفوس انجوطه نهصد و سی و چهار
و شصت و هشتاد و یک نفر است مواضع مشوره متعلقه با اینجا یکی **شمر** و **اوباد**
و **سنبل** و **امرویه** است چهارم محوطه **بریلی** انجوطه در جانب شمالی
محوطه **برایون** واقع است تمام محوطه اینجا مع مضافات هزار و هشتصد و
سه میل است نقد نفوس انجوطه پانزده لک و بیست و چهار هزار و یکصد و
هشتاد و شش نفر است که بحساب ایران دو کرو و یکصد و بیست و چهار
و یکصد و هشتاد و شش نفر میشود مواضع مشوره اینجا یکی **شمر** و **بریلی** و **سنبل**
و **اوباد** است پنجم محوطه **پتلی بیت** انجوطه در طرف شمالی محوطه **بریلی**
واقع است محوطه آن یک هزار و یکصد و نود و سه میل است نقد نفوس انجوطه

نقد سکنه

پتلی بیت

هسته هشت چهارصد و هشتاد و سه هزار و نهصد و پنجاه و سه نفر مواضع مشوره اینجا
یکی **پتلی بیت** و یکی **جهان آباد** است ششم محوطه **شاهجهان** انجوطه در سمت جنوبی و
شرقی محوطه **بریلی** است تمام مساحت محوطه اینجا هسته هشت هزار و نهصد و چهل و
چهار میل مربع است نقد نفوس انجوطه نهصد و چهل و نه هزار و چهارصد و هشتاد
و یک نفر است مشوره اینجا یکی **شاهجهان** و یکی قصبه **تیر** و یکی **کرته** و **اوباد** است
بیان و قسمت سیم ممالک مغربی و شمالی و اووه
این قسمت را اگره گویند و مثل است بر چند شهر قصبه از قرار تفصیل و میل
اول محوطه **منهرا** انجوطه در سمت غربی **علیکو** واقع است تمام محوطه اینجا مع
مضافاتش هزار و سیصد و چهل و شش میل مربع است نقد نفوس اینجا
هشتصد و بیست و نه هزار و نهصد و بیست و سه نفر مواضع مشوره اینجا یکی **منهرا**
قصبه **تیر** و **اوباد** و **کرته** است دوم محوطه اگره انجوطه در طرف
جنوبی و شرقی **منهرا** واقع است تمام محوطه اینجا هسته هشت هزار و نهصد و
نود و دو میل مربع است جمعیت تمام سکنه پنشر و مضافاتش ده لک و
نود و چهار هزار و سیصد و شصت و هشت نفر که بحساب ایران دو کرو و

تیر کرته

نود و چهار هزار و سیصد و هشت و هفت نفر می شود و مواضع مشوره اینجا یکی اگره
 یکی قصبه **فخر سبکی** و **فرز آباد** و **بیشتر** است **بیم** محوطه **ایشه** محوطه است
 شمالی اگره واقع است و هزار و هشتصد و نود و هشت میل مربع محوطه اینجا
 تعداد نفوس این محوطه ده لک و هشت و یک هزار و هشتصد و نود و هفت نفر است
 که بحساب ایران دو کرو و هشت و یک هزار و هشتصد و نود و هفت نفر می شود
 بلاد مشوره اینجا یکی **ایشه** و یکی قصبه **کاشی گنج** و **علی گنج** و **سوران** و **جلی**
چهارم محوطه **فرخ آباد** این محوطه در طرف جنوبی و شرقی شهر **بالون** واقع است
 تمام محوطه اینجا یک هزار و هشتصد و نود و هشت میل مربع است تعداد سکنه اینجا
 نهصد و شانزده هزار و ششصد و هشت و یک نفر مواضع مشوره اینجا یکی **فرخ آباد**
 یکی قصبه **فوج** و **سرا** یکی **سرا** و **چهار آمو** است **پنجم** محوطه **مین پوری** محوطه
 در جانب غربی **فرخ آباد** واقع است تمام محوطه اینجا مع مضافاتش هزار و
 ششصد و نود و هشت میل مربع است تعداد نفوس اینجا هشتصد و هشت
 چهار هزار و هشتصد و هشتاد و سه نفر بلاد مشوره اینجا یکی **مین پوری** و **سکوه**
آباد است **ششم** محوطه **انار** این محوطه در سمت جنوبی **مین پوری** واقع است

بیشتر

چهار آمو

تمام محوطه اینجا یک هزار و ششصد و نود و هشت میل مربع است تعداد نفوس
 تمامی این محوطه هشت و شش لک و هشتاد و هشت هزار و پانصد و هشتاد و یک نفر
 که بحساب ایران سیزده کرو و یکصد و هشتاد و هشت هزار و پانصد و هشتاد
 و یک نفر می شود و درین محوطه بلاد مشروف و مشوری می شود **شهر آناه** جالی دارد
بیان و **قسمت** چهارم **ممالک** **مغربی** و **شمالی** و **اووه**
 این قسمت **آباد** گویند و درین قسمت نیز چند شهر و قصبه مشوره آباد و کوه دیده
 که **مقبض** **این** از **قاصد** **اول** است **اول** محوطه **کاپور** که در طرف جنوبی
 و شرقی **فرخ آباد** واقع است مساحت این محوطه دو هزار و سیصد و سی و هشت
 میل مربع است تعداد سکنه اینجا هشتصد و یازده لک و پنجاه و شش هزار و
 پنجاه و پنجاه که بحساب ایران دو کرو و یکصد و پنجاه و شش هزار و پنجاه و پنجاه
 می شود مواضع مشوره اینجا یکی **شهر کاپور** و **دلور** و **سور** است **دوم** محوطه
فخر این محوطه در سمت جنوبی و شرقی **کاپور** واقع است تمام محوطه اینجا مع
 مضافاتش هزار و ششصد و سی و یک میل مربع است تعداد نفوس سکنه
 اینجا ششصد و هشت و سه هزار و هشتصد و هشتاد و هشت نفر مشوره مواضع

عش
 انار

بیشتر

در بخوبی نیز سواي شهر غازی در مواضع معروفی دارد چهارم بخوبی در سواي شهر
 و شرقی غازی ^{ساعت} طول این خط هزار و هشتاد و سه میل مربع است و شصت
 است لک و شصت و یک هزار و هشتاد و شصت نفر جمعیت دارد که بحساب ایران
 سیزده کرده و سیصد و شصت و یک هزار و هشتاد و شصت نفر میباشند در بخوبی سواي شهر
بلیا جای معروفی است پنجم بخوبی شهر **عظم گنوه** بخوبی در سمت شرقی جوین واقع است
 تمام بخوبی ^{میل} مع مضافاتش دو هزار و یکصد و چهل و شش میل مربع است تعداد
 نفوس سکنه آنجا سیزده لک و هفتصد و هزار و شصت و هشت و شش نفر است که
 بحساب ایران دو کرده و سیصد و هفتصد و هزار و شصت و هشت و شش نفر است
 مواضع مشهوره در بخوبی یکی شهر **عظم گنوه** یکی **محمد آباد** است ششم بخوبی **گورک**
 در سمت شمالی **عظم گنوه** واقع است و چهار هزار و پانصد و هشتاد و پنجاه میل مربع
 طول مساحت ^{میل} بخوبی است تعداد نفوس آنجا بیست لک و نوزده هزار و سیصد و
 پنجاه نفر است که بحساب ایران چهار کرده و نوزده هزار و سیصد و پنجاه نفر میباشند
 مواضع مشهوره در بخوبی یکی شهر **گورک** یکی **کشیما** است هفتم بخوبی **بستی** بخوبی
 در جانب غربی **گورک** واقع شده است تمام ^{میل} مساحت آنجا دو هزار و هشتصد و

نهم کرده

دوازده

هشتاد و هشت میل بخوبی است تعداد نفوس آنجا چهارده لک و هشتاد و
 هزار و هشتصد و نود و چهار نفر است که بحساب ایران دو کرده و چهارصد و پنجاه
 و دو هزار و هشتصد و نود و چهار نفر میباشند مواضع مشهوره در بخوبی یکی **بستی** و

دیگر **محمد آباد** است

بیان قسمت ششم ممالک مغربی و شمالی و اووه
 این قسمت را **جهانی** گویند که مشتمل بر چند شهر و قصبه است انقباض و تفصیل فیلی
 اول بخوبی **جالون** بخوبی در سمت شمالی و شرقی **بیمبر پور** واقع است و یک هزار
 و پانصد و پنجاه و پنجاه میل مربع مساحت آنجا است تعداد نفوس سکنه آنجا هفتصد و پنجاه
 و صد و چهار هزار و سیصد و هشتاد و چهار نفر است شهر و قصبه های مشهوره متعلقه با آنجا
 یکی **شیرکانی** و یکی **جالون** و دیگر **کونج** است هفتم در سمت
 جنوبی و غربی **جالون** واقع است تمام مساحت آنجا هزار و پانصد و شصت و هشت
 میل مربع است تعداد نفوس سکنه آنجا سیصد و هفتصد و هزار و هشتصد و سی
 و پنجاه نفر است مواضع مشهوره آنجا **شیرکانی** **پور** است سیم بخوبی **للت** **پور** که
 در طرف جنوبی **جهانی** آباد است تمام مساحت آنجا اوشت و دوازده هزار و

پنجاه اول

دوازده و هشتصد و پنجاه و هشت
 میل مربع است
 نفوس آنجا

جایان وقت نسیم ممالک مغربی و شمالی و اووه

این منت **سنجا پور** گویند و مثل است بر سه نقطه و هر نقطه شش است چند شهر
و قصبه را اول **نقطه سنجا پور** بخوبی درست شمالی **لکند** واقع است تمام مساحت
آنجا دو هزار و دویست و چهل میل مربع است تعداد نفوس سکنه آنجا نهصد و پنجاه
آنجا و نه نفر شهر و قصبه نامی معروفه در این اعلاطه یکی **سنجا پور** و **خیر آباد** و
لاهر پور و **محمد آباد** است دوم **نقطه هر دوئی** آنجا و درست شمالی و غربی
لکند واقع است تمام مساحت آنجا دو هزار و دویست و پنجاه و چهل میل
تعداد نفوس سکنه آنجا نهصد و سی و یک نفر است و هشتاد و هشت نفر است
شهر و قصبه نامی مشهوره آنجا و **هر دوئی** و **بلگرام** و **سندی** و **سندیل** و
پالی گران و **شاه آباد** و **ملاوان** است ششم **نقطه کبری** آنجا و درست
شمالی و شرقی **شاهجه پور** واقع است تمام مساحت آنجا دو هزار و نهصد و شصت
و نه میل مربع است تعداد نفوس سکنه آنجا نهصد و بیست و نه هزار و دویست و
هشتاد و نه نفر است شهر و قصبه معروفه آنجا یکی **شهر کبری** و **محمدی** و **لکیم پور** است
جایان وقت نسیم ممالک مغربی و شمالی و اووه

و نهصد

در سالی
پیش از این

شهر
کبری

این منت **رافض آباد** گویند و مثل است بر سه نقطه و هر نقطه دارای چند شهر
و قصبه است اول **نقطه رافض آباد** آنجا و در طرف شرقی **بابه بکی** واقع است
مساحت آن یک هزار و شصت و چهل و نه میل مربع است تعداد نفوس سکنه آنجا ده
هشت و چهار هزار و نهصد و دویست و نه نفر است که بحساب ایران دو کرو و بیست و
چهار هزار و نهصد و دویست و نه نفر میشود شهر و قصبه معروفه آنجا **رافض آباد** و
ابو ویا و **ماندا** و **جلال پور** است دوم **نقطه گوندا** آنجا و در جانب شمال
و مغرب **رافض آباد** واقع است مساحت آنجا دو هزار و شصت و بیست و چهار
میل مربع است تعداد نفوس سکنه آنجا یازده و یک و شصت و شصت و نه نفر
هست و پانزده نفر است که بحساب ایران دو کرو و یکصد و شصت و شصت و نه نفر
هست و پانزده نفر میشود شهر و قصبه نامی مشهوره آنجا **گوندا** و
بلرا پور و **کرتیل گنج** و **نواب گنج** است ششم **نقطه برانچ** آنجا و در
شمالی و غربی **گوندا** واقع است مساحت آنجا دو هزار و شصت و چهل و
چهل و نه میل مربع است تعداد نفوس سکنه آنجا نهصد و هشتاد و چهار هزار و چهار
صد و هشتاد و هشت نفر است شهر و قصبه نامی مشهوره آنجا **برانچ** و **ماندا** است

بهره
مالت

بهره
مالت

گنومکشی شتر و بیشتر تر سالی است و زیارتی است پرستان
 گرفته و دیده میشود و آن جشن را نیز **لگاشان** بنامند سر دهنه یک
 کلیسای بسیار خوبی از بناهای بگیم شتر و است که قابل تماشا است **بروش**
 درین قصبه طرفهای آجی بسیار خوب ساخته میشود **خواجه** و بیشتر معابد و حج
 و شرای و رغن بسیار خوب و ظروف قلعی بسیار خوب است میکند **علیگو**
 و بیشتر در **مسلمانان** بجهت است **نازرس** و بیشتر هر قسم تجارت
 و بیع و شری و ایرست و در صنایع اینجا چاقوهای بسیار خوب است
نجیب آباد ظروف مفرغی را بسیار خوب میسازند **نگینه** درین قصبه
 شانههای آبنوس و جبهههای فلدان بسیار خوب میسازند **مراد آباد** و اینجا
 ظروف قلعی بسیار خوب ساخته میشود **امرویه** طرفهای کلی بسیار خوب
 در اینجا ساخته میشود **چندوسی** و بیشتر هر گونه تجارت و بیع و شری خوبی
 میشود **ناکردو** چیتبهای شتری خوب ساخته میشود که بسیار قابل تعریف
 و توصیفات **بدایون** بیشتر محل اقامت سید علای الدین شاد **چندوسی**
 بخشی که از سلطنت **دلی** دست برداشته و اینجا گوشه عزت اختیار نموده

لگاشان

بروش

علیگو

نازرس

چندوسی

سئون در اینجا گل کبود که یک گل مخصوص است و مانند طلع خراشیده
 بسیار معطر است و فود دارد که عرق آنرا میکشند **برلی** و بیشتر انواع و قسام
 میزها و کسبهای بسیار خوب ساخته میشود **پیلی میت** و ناحیه اینجا سرخ بسیار
 خوب بدست میآید و اغلب سکه و صفت تجاری و کارهای خوبی بسیار
 تجارت دارند **شاهجهان** صنعتگران اینجا چاقو و مفرغهای بسیار عالی میسازند
نیر و کان بسیار خوب و اینجا بدست میآید و در قرب **شاهجهان** قصبه است
 موسوم به **روست** که کارخانههای چندین است که با صحر و آلات و بکرفت و
 شراب درست میسازند **مهر** بیشتر محل تولد کاه **سر کرشن** است که یکی از
 امانا و وزیر کان وین حایقه هنوز بوده و با فاصله خیلی از شهر **منهر** قصبه است
 موسوم به **جدا بن** و اینجا هم یک محلی برای نشگاه همان **سر کرشن** مذکور
 بنا شده است و یک خانه بسیار خوبی که آنرا **مسجد رنجی** بنامند در آنجا است
 که بسیار قابل تماشا است و نیز درین قصبه مسجد بسیار عالی از مسلمانان ساخته
 شده است که آنرا **مسجد بی جی** میگویند که بسیار قابل تعریف و توصیف است
 و در قرب همان قصبه سه قریه معروف و مشهور و بکرم است یکی **تدگان** دیگری

پیلی میت

نیر و کان

سر کرشن

گو برون و دیگری گونگی است اگر در بیشتر حلات بسیار خوب ساخته
 میشود خاصه یک قسم شربتی است که آنرا بالوشاهی میگویند که بطور مختص بهر جا
 فرستاده میشود و بیشتر از جلا شربتی است که غالب بای تخت سلاطین
 هندوستان بوده و در کنار دو خانه مجتبی طبع است و در اندرون
 قلعه فیضیک مسجد بسیار عالی خوبی است موسوم به مونی مسجد و باغ صلیح
 این قلعه مقبره تاج محل زوج شاه جهان است که احوال و اوصاف
 آن مقبره در تمام ^{مجله} مدون شده و مشهور است چنانچه که عمارتی است
 که در هیچ ملک ^{عبدی} ندارد و باغ صلیح ^{چندین} در بعد شهر اگره ^{فصلیه} است
 موسوم به **سکندر** که مقبره اکبر شاه در آنجا است **فیض سبکی** چند عمارت
 از اکبر شاه و وزیر او فیضی نام ویرین ناکون موجود است **میش** یک
 جشن مخصوص در ایام سال در آنجا گرفته میشود و **مورون** زیارتگاه است
 پربان است **فرخ آباد** محل تجارت و بیع و شری بسیار خوبی است و در آنجا
 برخی بسیار خوب هم در آنجا ساخته میشود **نخلکوه** ادارات نظیه و جسمانی
 حکومتی محوطه آنجا در همین شهر است خیمه های بسیار خوب و گرد بس و غیره را

در شهر

میش

نخلکوه

و بیشتر بسیار خوب درست میکنند **قنوج** وین ^{فصلیه} عطرمای خوب و
 کاغذ بسیار اعلا ساخته میشود و این قصبه در آنکه ساله ^{نخلکوه} تقریباً سی میل مربع آبادی
 و عمارت داشت گویند در زمان سلطت **راجا جی چندر** و در همین شهر نقطه سی
 باب و کان برک **جنول** فروشی بود ولیکن حال پانزده یا شانزده هزار نفر
 زیاده جمیع در آنجا نیست و در قرب **قنوج** قریه است موسوم به **مکن پور**
 بت پرستان جشن مخصوصی در آنجا دارند که از طرف بد القریه میآیند و یک کلبه
 بارگاههای **احمد** در آنجا یکی از ^{شیخ} موسوم به **شاه مدار** **کاپور** بیشتر بواسطه کثرت
 معاملات و تجارت نسبت بسیار شربای مالک **مندی** و شمالی ندارد و در ^{فصلیه} حبه
 برتری دارد و اول درجه است از حیث معموری و آبادی چرمهای خوب در آنجا
 بعل میآید و کارخانه های جلوار بانی نیز در آنجا متعدد است چون بیشتر مدتهای
 مدید معمر نگه داشته بوده است باین واسطه این شهر را **گنپو** هم میگویند **پور** یک
 جشن مخصوصی است در آنجا و بیشتر بر ما مشهود که آنرا جشن **پونو** میگویند
 و در آنجا در آنجا است پربان ^{نخلکوه} و در آنجا ^{نخلکوه} است
 و محل زیارتگاه است پربان ^{نخلکوه} است که آنرا **مارت** **برماوشت** مینامند و در آنجا
 مستند **باجی** **ناو** که ^{نخلکوه} است در همین قریه غالب شده است

در شهر

کوه را جهان آباد در خیابانهای خوب در خیابانها میشود در بین قصبه
 برک قبول بسیار میشود که در طعم و عطر مشهور و معروف است **چترکوت**
 این قصبه در طرف جنوبی و شرقی باشد فاصله سی و شش میل واقع است
 اما بنا نیست که **رام چند** ^{که در نزدیکی کوه است} **افامت** ^{که در نزدیکی کوه است} **الکاه**
 عمارت دارد که در محاکم مغربی و شمالی است و در کنار همین شهر است
لنگا و **جنا** یکدیگر متصل میشود چش بسیار بزرگی از طایفه هندو در اینجا
 گرفته میشود که یک ماه متوالی طول آن جشن است و در موضع قاضی القضاة یک
 قلعه سنگی بسیار عالی است از بناهای اکبر است **کری** قصبه است که در آنجا
 حلی عمومی خود را در آنجا نقل رسانیده و در آنجا سلطت مسلمانان
 این قصبه بسیار بارونی و شکوه بوده است لیکن حال آنکه مانند سابق نیست
چونپور در خیابان برودی رودخانه گوتی یک بل عظیمی کشیده شده که بسیار
 قابل دیدن است و عطریات و سایر روئیات مانند کجده و غیره در شهر
 بسیار است **چونپور** در خیابانهای برنجی مسازند و از آنجا بطرف وساء
 حل و نقل میشود و یک خانه بسیار بزرگی در آنجا است که بندهای

کوه را جهان آباد
 چترکوت
 الکاه
 لنگا
 چترکوت
 الکاه
 لنگا
 چترکوت
 الکاه
 لنگا

گویند و سمت جنوبی مرز آن در فاصله نوزده میل قصبه است موسوم به **چانگه**
 در قصبه یک گنبد بارگاهی است از یکی از شیخ آغا موسوم شیخ سلیمان یک
 قلعه بسیار عالی دارد که نهایت معروف و مشهور است در قصبه طرف کوه
 بسیار خوب میمانند و سنگهایی که برای ساختن عمارت بکار است از زمین اینجا
 بیرون میآید **سارس** یا **کاش** در کنار رودخانه **لنگا** واقع شده معبد و زیارتگاه
 است پرستان است و خانه **شکوت** **دیبا** ^{که در نزدیکی کوه است} **شهر** ^{که در نزدیکی کوه است} **پرستان** است که در آنجا
 از جمله پیشوایان هندو بوده است و اکنون آنجا محل پرستش پرستان است
 در آنجا سال چند نوبت از طرف جمعیت آنجا میسازند و جشن عظیمی میشود و علما
 بر آن خانه ای مغطیه چند در آنجا است از آنجا خانه است که از آنجا **شهر** **مانده**
 و در آنجا گویند و دیگر خانه غریبات موسوم به **مان** **منده** که راجه **سی** **سنگه** **سوانی**
 بنا کرده است اقبال حبیب خرم را در آن خانه نقش کرده است تا هر ساله
 با سالی بتراندند ساخت **رام** **مگر** قصبه است که محل آقامسگاه **مها** **راج** **سرس**
 نامکونین در آنجا باقی است **غانی** **پور** در قصبه کلاب و عطر کل بسیار خوب است
 میشود و یک کارخانه بسیار بزرگ از آنجا است که در آنجا **نول** **سرس** **کری**

چانگه

از فرمانهای هندوستان بوده است در همین شهر از بنا رحلت کرده و بر
بادکاری او یک منار بسیار رفیعی که یک لک روپیه بزرگی ساختن آن به
سبده است در آنجا ساخته اند **عظم گور** در محله بیشتر قبیل پارچه را بسیار خوب
بفعل میآورند **گور کپور** و بیشتر بخانه **گور گور که نامته** است و در یک عهدی بخانه
ضربخانه نیز بوده **چندیری** و بیشتر بسایه عظیم است آن در ازمنه سلف بسیار
بارونق و شکوه بود چنانکه در ایام سلطنت اکبر شاه هزار و دویست مسجد
و سیصد و شصت باب مسافر خانه و سیصد و هشتاد و چهار بازار نامی داشت
لیکن حال آن آبادی ناشانی نیست **غنی تال** بسیار خوش آب و هواست
حکام انگلیس برای تغییر آب و هوا بمحلات آنجا میآیند و بفواصل سی میل نصیب
موسوم به **رائی گیت** افواج **لندی** در آنجا ساکنند و حوالی ضلع **گدوان** و **وختا**
مشهور و معروفی از بت پرستان است یکی موسوم به **پدی نامته** و دیگر **کیر نامته**
بیشتر در زمان سلطنت اسلام و در خلافت هندوستان بوده است حقیقت
مخف الدوله ساخته است که تاکنون باقی است و قابل مناسبت
لاهور قصبه است که خزانه دار اکبر شاه در آنجا بوجود آورده است و همیش

موسوم به

رائی گیت
کیر نامته

راجه تو در قتل بوده است **فیض آباد** سابق برین قتل حکومتی مملکت
اووه بوده **اوجو پها** از شهرهای قدیم هندوستان است قتل سلطنت **راجه**
رام چندر در آنجا بوده است علامت و آثار بنامهای قدیمه در محله شهر **سار**
که دولت میکند بر عفت شان قدیم آنها **برایج** کهنه بارگاه معبود غارت
بیان در احوال ممالک متعلقه حکومت **بنگاله**
مملکت **بنگاله** تیز محمد و است بحد و دار بعد و بل - از سمت **شال** بهر قده
نیپال و **کوه شک** متعلق میشود - حد شرقی آن بملک **اسام** - حد
جنوبی بخلج **بنگاله** و ابالت **مدرس** - و حد غربی بمالک **مروه** و **تندین**
و **بکیر** بمالک **منزلی** و **شالی** و اووه متصل میشود - ممالک اربعه **بنگاله** و
بهار و **اوریه** و **ناکپور** که چک در تحت حکومت **بنگاله** واقع است
این قطعه زمین یعنی مملکت **بنگاله** از تمام ارضی مملکت هندوستان
آبادتر و پر فایده تر است خاصه ناحیه **ناکپور** که چک که غلب از پیش
و سطح است و آبهای شیرین بسیار دارد و زرع آن کثرت بسیار میشود درین مملکت
مسلمانان نسبت ببت پرستان قریب یک ثلث هستند حکمرانی مملکت

بگاله درخت حکومت یک نایب بگوده است قبل از ششصد و بیست و یک
بگاله درخت حکومت فرمانفرمای هندوستان بود و حال بگاله نایب
بگوده سپرده شده است این ملک ششصد و بیست و یک و چهار ناحیه پیشه
و هر قسمی دارای چند شهر و قصبه است از تفصیل آن

بیان در قسمت اول مملکت بگاله

اول قسمت بردوان این قسمت ششصد و بیست و یک و اول محوطه هر گلی و
هزار و پنجاه و بیست و شش شرقی رودخانه **هولگی** واقع است و تمام سطح آن
یک هزار و چهارصد و بیست و شش میل مربع است تعداد نفوس سکنه آن
چهارده لک و هشتاد و بیست هزار و پانصد و پنجاه و شش نفر باشد که یک
ایران دو کرو و چهارصد و هشتاد و بیست هزار و پانصد و پنجاه و شش نفر شود
شهر و قصبه ای مشهوره متعلقه با محوطه یکی شهر **هولگی** است و یکی شهر **هورا**
و قصبه **چنار** و چند دیگر که در تصرف دولت فرانسه است و یکی قصبه
سیراپور است دوم محوطه بردوان این محوطه در سمت شمالی **هولگی** و **چندوان**
واقع است سطح آن سه هزار و چهارصد و پنجاه و پنجاه و بیست و یک و شش

سکنه بیست و یک و چهار هزار و پانصد و چهل و پنجاه و بیست و یک که بحساب
ایران چهار کرو و سی و چهار هزار و پانصد و چهل و پنجاه و بیست و یک
مشهوره متعلقه با محوطه یکی شهر **برودان** و قصبه **کلنا** و یکی **کنوا** و دیگری
انی گنج است سوم محوطه **سیرپور** این محوطه در طرف شمالی **برودان** واقع است
سطح آن یک هزار و سیصد و چهل و چهار میل مربع است تعداد نفوس سکنه
ششصد و نود و پنجاه و بیست و یک نفر شهر و قصبه ای معروفه یکی
سیرپور که آنرا **سیرپوری** نیز میگویند و یکی **ناگور** و دیگری **ایلم بازار** و یکی **عمود**
بازار است چهارم محوطه **باکورا** این محوطه در طرف جنوبی **سیرپور** واقع است
سطح آن یک هزار و چهارصد و بیست و دو میل مربع است تعداد نفوس سکنه
پانصد و بیست و شش هزار و پانصد و هشتاد و دو نفر شهر و قصبه معروفه اینجا
یکی **باکورا** و دیگری **سیرپور** است پنجم محوطه **مناپور** این محوطه در سمت جنوبی
باکورا واقع است سطح آن چهار هزار و بیستاد و سه میل مربع است تعداد
نفوس سکنه بیست و پنج لک و چهل و پنجاه و یکصد و هشتاد و دو نفر است
که بحساب ایران پنج کرو و چهل و پنجاه و یکصد و هشتاد و دو نفر شود شهر

بگاله

و قصبه‌ای مشهور و متعلقه با بخوبی کی **مندا پور** که مدنی پور نیز گویند و یکی از بزرگ
که نام **ل پت** نیز خوانند

بیان در قمت و دهم مملکت بنگاله

این قمت را **مندا** گویند و مثل برج بخوبی است اول بخوبی **کلکت** سطح آن
هشت میل مربع است تعداد نفوس سکنه چهار صد و بیست و نه هزار و پانصد و
سی و پنج نفر است و مشهور است **کلکت** و دوم بخوبی **جویش برکنه** که
بغیر سی میت و چهار بلوک می‌شود) بخوبی در سمت شرقی **هروگی** واقع است سطح آن
دو هزار و هشتصد و هشتاد و هشت میل مربع است تعداد نفوس سکنه میت و دو
لک و ده هزار و چهل و هفت نفر است که بحساب ایران (چهار کور و دو بیت و
ده هزار و چهل و هفت نفر می‌شود) شهر و قصبه‌ای معروفه بخوبی **مندی پور** و بارک پور
و دیگر بار است ششم بخوبی **مندا** بخوبی در سمت شمالی **جویش برکنه** قمت
سطح آن سه هزار و چهار صد و بیست و یک میل مربع است تعداد نفوس سکنه
هصد و یک و دوازده هزار و هشتصد و نود و پنج نفر است که بحساب ایران (سه کور
و سیصد و دوازده هزار و هشتصد و نود و پنج نفر می‌شود) شهر و قصبه‌ای مشهوره بخوبی

یکی **کشن گری** و یکی **مندا** و یکی **پاسی** است چهارم بخوبی **جسر** بخوبی است
شرقی **مندا** واقع است سطح آن سه هزار و شصت و چهار و هشت میل مربع است
تعداد نفوس سکنه میت لک و هشتاد و چهار و بیست و یک نفر است که بحساب
ایران (چهار کور و هشتاد و چهار و بیست و یک نفر می‌شود) شهر و قصبه‌ای مشهوره
انجامه **مندان** **جسر** است پنجم بخوبی **مرشد آباد** بخوبی در طرف شمالی **مندا**
واقع است سطح آن دو هزار و چهار صد و هشت و دو میل مربع است تعداد
نفوس سکنه سیزده لک و چهار و شصت و بیست و شش نفر است
که بحساب ایران (دو کور و سیصد و چهار و سه هزار و شصت و بیست و شش
نفر می‌شود) شهر و قصبه‌ای مشهوره بخوبی **مرشد آباد** و یکی **مرشد آباد** است

بیان در قمت سیم مملکت بنگاله

این قمت را **راجا سی** و **کوچ بهار** نیز گویند و مثل پهنه بخوبی است اول
بخوبی **پبنا** بخوبی در سمت شمالی **جسر** واقع است سطح آن هزار و سیصد و هشتاد
و هشت میل مربع است تعداد نفوس سکنه دوازده لک و یازده هزار و پانصد
و نود و چهار نفر است که بحساب ایران (دو کور و دو بیت و یازده هزار و پانصد

و نود و چهار نفر میشود شهر و قصبه های مشهوره اینجا کی **پنجا** و یکی **سلج گنج** است
 و دوم محوطه **اینها** در طرف شمالی و غربی **پنجا** واقع است سطح آن
 دو هزار و دویست و سی و چهار میل مربع است تعداد نفوس سکنه سیزده
 لک و ده هزار و هشتصد و بیست و نه نفر است که بحساب ایران ده و دو هزار و
 سیصد و ده هزار و هشتصد و بیست و نه نفر میشود شهر و قصبه های مشهوره اینجا کی
راغب و یکی **گو لیا** و دیگر **نازیر** است سوم محوطه **نگرا** این محوطه در سمت شمالی
 و شرقی **اینها** واقع است و یک هزار و پانصد و یک میل مربع سطح آنست تعداد
 نفوس سکنه شصت و هشتاد و نه هزار و چهارصد و شصت و هشت نفر است که در
 مشهور آن همان **نگرا** است چهارم محوطه **نگور** این محوطه در سمت شمالی **نگرا**
 واقع است و سه هزار و چهارصد و هشتاد و شش میل مربع سطح آن میباشد تعداد
 نفوس سکنه بیست و یک لک و چهارصد و هشتاد و نه هزار و نهصد و هشتاد و دو نفر است
 که بحساب ایران (چهار هزار و یکصد و چهل و نه هزار و نهصد و هشتاد و دو نفر میشود)
 شهر مشهور این محوطه مخمر همان **نگور** است پنجم محوطه **وینا چور** در سمت غربی
نگور واقع است و چهار هزار و یکصد و بیست و شش میل مربع سطح آن است

فی
 سحر

تعداد نفوس سکنه پانزده لک و یک هزار و نهصد و سی و چهار نفر است که
 بحساب ایران (سه هزار و یک هزار و نهصد و سی و چهار نفر میشود) شهر مشهوره
 آن همان **وینا چور** است ششم محوطه **ارجینک** این محوطه در سمت جنوبی
شکم واقع است سطح آن یک هزار و دویست و سی و چهار میل مربع است
 تعداد نفوس اینجا نود و چهار هزار و هشتصد و دوازده نفر است شهر
 مشهور اینجا **ارجینک** است هفتم محوطه **جلای گوری** این محوطه در سمت جنوبی
ارجینک واقع است و دو هزار و نهصد و شش میل مربع سطح آن است
 تعداد نفوس اینجا چهارصد و هجده هزار و شصت و شصت و پنجاه نفر است
 مشهوره این احاطه همان شهر **جلای گوری** است

بیان در سمت چهارم ملک کجاله

این سمت **واک** گویند و مثل پنج محوطه است اول محوطه **باقر گنج**
 این محوطه در سمت شمالی **جسر** واقع است سطح آن سه هزار و شصت و
 چهل و هشت میل مربع است تعداد نفوس سکنه هجده لک و هشتاد
 و هشت هزار و یکصد و چهل و چهار نفر است که بحساب ایران (سه هزار و

دوازده

سیصد و هشتاد و هشت هزار و یکصد و چهل و چهار نفر میشود از بلاد مشهوره
 در آنجوطه کی باریال و یکی باقر گنج است دوم آنجوطه فرید پور آنجوطه
 در طرف شمالی باقر گنج واقع است سطح آن دو هزار و دویست و چهل
 نه میل مربع است تعداد نفوس سکنه پانزده لک و یازده هزار و هشتصد
 و هشتاد و هشت نفر است که بحساب ایران رسته کرده و یازده هزار و هشتصد
 هشتاد و هشت نفر میشود از بلاد مشهوره متعلقه با آنجوطه کی فرید پور و دیگر
 کلند و است بنیم آنجوطه و است شرقی از فرید پور واقع است
 سطح آن دو هزار و هشتصد و نود و شش میل مربع است تعداد نفوس
 سکنه هجده لک و پنجاه و دو هزار و نهصد و نود و سه نفر که بحساب
 ایران رسته کرده و سیصد و پنجاه و دو هزار و نهصد و نود و سه نفر میشود
 از بلاد مشهوره متعلقه با آنجوطه کی واکه که آنرا جامه گیر گری نیز میگویند و یکی
 نراین گنج است چهارم آنجوطه بمین سنگه آنجوطه در طرف شمالی واکه
 واقع است سطح آن شش هزار و دویست و نود و نه میل مربع است
 تعداد نفوس سکنه بیست و سه لک و چهل و نه هزار و نهصد و هشتصد و هشتاد نفر است

واکه سنگه و

که بحساب ایران چهار کرده و سیصد و چهل و نه هزار و نهصد و هشتصد
 نفر میشود از بلاد مشهوره آنجوطه همان بمین سنگه است پنجم آنجوطه
 نر پور آنجوطه در سمت شرقی واکه واقع است سطح آن دو هزار و چهارصد
 و شصت میل مربع است تعداد نفوس سکنه پانزده لک و سی و سه هزار
 و نهصد و سی و یک نفر است که بحساب ایران رسته کرده و سی و سه هزار و
 نهصد و سی و یک نفر میشود از بلاد مشهوره آنجوطه کی نر پور میباشد
 که آنرا کوبه نیز مینامند

بیان در قمت پنجم مملکت بنگاله

و این قمت را چات گانو مینامند و مثل بر سه آنجوطه است اول آنجوطه
 ناکو کی آنجوطه در سمت شرقی باقر گنج واقع است سطح آن هزار و هشتصد
 و پنجاه و دو میل مربع است تعداد نفوس سکنه هشتصد و سیصد و سیصد و سیصد
 سی و چهار نفر است از بلاد مشهوره آنجوطه کی ناکو کی و یکی بلدا است
 دوم آنجوطه چات گانو آنجوطه در سمت شرقی خلیج بنگاله واقع است و یکی
 دریا منتهی میشود سطح آن هزار و سیصد و بیست و دو میل مربع است

نر پور

بلدا

تعداد نفوس بازده لک و بیست و هشت هزار و چهارصد و دو نفر است
 که بحساب ایران (دو کرو و یکصد و بیست و هشت هزار و چهارصد و دو نفر)
 شهر مشهور اینجوخه همان **جات گانو** است که از **اسلام آباد** نیز فاصله
 تسیم محوطه **کوهستان** اینجوخه در سمت شمالی **جات گانو** واقع است سطح آن
 پنجاه هزار و پانصد و شصت و یکمیل مربع است تعداد نفوس سکنه شصت
 هزار و شصت و هشت نفر **کلا مشهوره** اینجا **شهرنگامانی** است

جات گانو

رنگاه

بیان درممت ششم مملکت بنگاله

این ممت را **بهاگلپور** گویند و متل است برنج محوطه اول محوطه **مالده**
 اینجوخه در طرف جنوبی و غربی **ویناچپور** واقع است یک هزار و شصت و
 سیزده میل مربع است تعداد نفوس سکنه شصت و هشتاد
 شش هزار و چهارصد و بیست و شش نفر از بلاد مشهوره اینجوخه یکی **مالده**
 و یکی **گور** است دوم محوطه **پرنیا** اینجوخه در سمت شمالی و غربی
ویناچپور واقع است چهار هزار و نهصد و پنجاه و هشت میل مربع است
 است تعداد نفوس سکنه هفتده لک و چهارده هزار و هشتصد و نود

مرد

خجسته

خجسته است که بحساب ایران (سه کرو و دویست و چهارده هزار و نهصد و
 و نود و هشتصد و بیست و شش نفر مشهور اینجا همان **شهر پرنیا** است سوم محوطه **بهاگلپور**
 اینجوخه در سمت جنوبی **پرنیا** واقع است سطح آن چهار هزار و دویست
 و شصت و هشت میل مربع است تعداد نفوس سکنه هجده لک و بیست
 و شش هزار و دویست و نود نفر است که بحساب ایران (سه کرو و سیصد
 و بیست و شش هزار و دویست و نود نفر مشهور) شهر مشهور اینجا همان **بهاگلپور** است
 چهارم محوطه **مونیگر** اینجوخه در سمت غربی **بهاگلپور** واقع است سطح آن
 سه هزار و نهصد و بیست و دو میل مربع است تعداد نفوس سکنه هجده
 لک و دوازده هزار و نهصد و هشتاد و شش نفر است که بحساب ایران
 (سه کرو و سیصد و دوازده هزار و نهصد و هشتاد و شش نفر مشهور) بلاد
 مشهوره اینجوخه **مونیگر** و **جبالپور** و **لیکسی** ای باشد پنجم محوطه
پرنکه **ستلیا** یکی است نیز گویند اینجوخه مابین محوطه **بهاگلپور** و **پرنوم**
 واقع است سطح آن پنجاه هزار و چهارصد و هشتاد و شش میل مربع است
 تعداد نفوس سکنه دوازده لک و پنجاه و نه هزار و شصت و شش نفر

کلیبران

پرنوم

و هشت نفر است که بحساب ایران لا و کرو و د و است و پنجاه و نه هزار و
شصت و هشتاد و هشت نفر می شود از بلاد مشهوره آنجا یکی **و کلا و یکی در محله**

نور

بیان در قسمت هفتم ملک بنگاله

و این قسمت **پنجاه** گویند و مثل است بر هفت محوطه اول محوطه گیاره
که در جانب غربی **مونگیر** واقع است و چهار هزار و هشتصد و شانزده
میل مربع سطح است و نوزده لک و چهل و نه هزار و هشتصد و پنجاه نفر
جمعیت دارد که بحساب ایران (سه کرو و چهار صد و چهل و نه هزار و هشتصد
پنجاه نفر می شود) مواضع مشهوره این محوطه یکی شهر **گیار** است و یکی **شیر گانی** و
دیگری **بهار** است و دوم محوطه **پنجاه** است که در طرف شمالی غربی
مونگیر واقع شده و دو هزار و یکصد و یکمیل مربع سطح آن است تعداد
سکنه آنجا پانزده لک و پنجاه و نه هزار و شصت و سی و هشت نفر است
که بحساب ایران (سه کرو و پنجاه و نه هزار و شصت و سی و هشت نفر می شود)
مواضع مشهوره آن یکی شهر **پنجاه** و یکی قصبه **بانگی پور** و **دانا پور** است
سوم محوطه **شاه آباد** که در سمت غربی **پنجاه** واقع شده است طول آن

پنجاه

شیر گانی

چهار هزار و سیصد و هشتاد و پنج میل مربع است تعداد نفوس سکنه هفده
لک و هشت و نه هزار و نهصد و هشتاد و چهار نفر است که بحساب ایران
(سه کرو و د و است و هشت و نه هزار و نهصد و هشتاد و چهار نفر می شود) مواضع
مشهوره این محوطه یکی شهر **شاه آباد** است که آنرا آرا نیز گویند و یکی قصبه
سرام است چهارم محوطه **ساران** که در سمت شمالی **شاه آباد** واقع است
دو هزار و شصت و پنجاه و چهار میل مربع سطح آن است تعداد سکنه آنجا
لک و هشت و نه هزار و هشتصد و هشت نفر است که بحساب ایران (چهار
کرو و هشت و نه هزار و شصت و هشت نفر می شود) از مواضع مشهوره آنجا
یکی شهر **بهار** است که **ساران** نیز میگویند پنجم محوطه **جباران** که در سمت شمالی
ساران واقع است سطح آن سه هزار و پانصد و سی و یکمیل مربع است تعداد
نفوس آنجا چهارده لک و چهل هزار و شصت و پانزده نفر است که بحساب
ایران (دو کرو و چهار صد و چهل هزار و شصت و پانزده نفر می شود) مواضع
مشهوره یکی شهر **مونی پوری** و یکی **پیتا** است ششم محوطه **مظفر پور** که در سمت شمالی
پنجاه واقع است و سه هزار و سیصد و سی و یکمیل مربع سطح آن است .

سیرام

بهار

بیت و یک لک و هشتاد و هشتاد و دو نفر جمعیت دارد
 که بحساب ایران چهار کرد و یکصد و هشتاد و هشت هزار و سیصد و هشتاد و
 دو نفر می شود مواضع مشهوره آنجا یکی **شهر مظفر پور** و یکی **ضبه حاجی پور**
سوتپور است هفتم محوطه در **بنگه** که در جانب شرقی **مظفر پور** واقع است
 سطح آن سه هزار و چهار میل مربع است تعداد نفوس آن بیت و یک
 لک و نود و شش هزار و سیصد و بیت و چهار نفر است که بحساب ایران
 چهار کرد و یکصد و نود و شش هزار و سیصد و بیت و چهار نفر می شود مواضع
 مشهوره آن همان **شهر در بنگه** است

در بنگه

بیان در هفتم هشتم مملکت بنگاله

و آنرا هفتم **اوریه** می نامند این هفتم هم مثل برت محوطه است اول
 محوطه **بالا** که در سمت جنوبی **بالا** واقع شده است به هزار و شصت
 و شش میل مربع سطح آن است و هشتاد هزار و دویست و سی و دو نفر
 سکنه آنجا است مواضع مشهوره آنجا **شهر بالا** است که آنرا
پیشتر هم می گویند دوم محوطه **کنک** در سمت جنوبی **بالا** واقع است

کنک

سطح آن چهار هزار و پانصد و سیزده نفر جمعیت است تعداد نفوس شازده لک
 و بیت و دو هزار و پانصد و هشتاد و چهار نفر که بحساب ایران سه کرد و
 یکصد و بیت و دو هزار و پانصد و هشتاد و چهار نفر می شود و بیست و یک شهر
کنک جای معروفی است سوم محوطه **پوری** که در طرف جنوبی **کنک** واقع
 شده و دو هزار و چهار صد و هشتاد و دو میل سطح آن است و هشتصد و شصت
 هزار و شصت و هشتاد و چهار نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره آن همان
شهر پوری است که **بنگانه** نیز گویند

کنک

بیان در هفتم نهم مملکت بنگاله

این نهم **پاچا** می گویند می نامند مثل بر چهار محوطه است اول محوطه **پاچا**
 که در سمت جنوبی محوطه **کیا** واقع است و هشتاد و چهار بیت و یک میل مربع سطح آن
 تعداد نفوس آنجا هشتصد و هشتاد و یک هزار و هشتصد و هشتاد و پنجاه نفر است
 مواضع مشهوره آن همان **شهر پاچا** است دوم محوطه **لا** که به
پوری باغ اقبال دارد و دوازده هزار و چهل و چهار میل مربع سطح آن است
 تعداد نفوس دوازده لک و سی و هشت هزار و یکصد و بیت و سه نفر است

مات بوم

5.
copy

21.

۱
بها کبریا

$\frac{1}{2}$ $\frac{1}{2}$
 100 100

طبرستان

نجارت برنج است چه در آن لحاظ شود که بسیار است میشود
داک که آنرا **جایگیر** نیز می نامند بفاصله یکصد و بیست و هشت میل
 شمالی و شرقی **کلکته** واقع است و شهر بزرگ بسیار عالی است
 مدت زمانی پیشتر پای تخت مملکت **نگاله** بود و پارچه های پهل آتش میزد
 و نظیر ندارد و بفاصله شش میل از شهر **قصبه نرین** گنج است و در قصبه
 بیج و شرای نمک میشود و یک تجارت مخصوصی از نمک در اینجا ویراست
 و در آن رودخانه **نگاله** یک آبادیت موسوم به **نوندگان** که از شهرهای
 معمره قدیمه مملکت بوده است لیکن حال را انقلاب زمانه مانده
 و مکرده گردیده است **چانگانو** یک بندرگاه معتبری است از اینجا خوب
 و برنج محل چهارات شده و بجا های دیگر میرند **مالده** شهر بسیار خوبی است
 و پارچه های ابریشمی بسیار خوب در اینجا بافته میشود و آن شهر بسیار
 است و بفاصله نه میل و بیست جنوبی **مالده** شهر خرابه است که
 در آنجا رودخانه **نگاله** جاریست و در آنجا رودخانه **نگاله** جاریست
 و در آنجا رودخانه **نگاله** جاریست و در آنجا رودخانه **نگاله** جاریست
 و در آنجا رودخانه **نگاله** جاریست و در آنجا رودخانه **نگاله** جاریست

تبرستان

کشته شده است و تاکنون هم بقدر میل ترغ آثار و عمارت
 قدیمه در آنجا بجز میاید **بها گلپور** شهر است بسیار معمره و آباد و شهر موکبیر
 در سمت دشت چپ رودخانه **نگاله** واقع است و از جمله شهرهای قدیمه
 هند و سنان است و در اینجا اسلحه های خوب مانند تفنگ و پستاب
 و غیره بسیار خوب می سازند **جای پلور** ابتدای راه آهن موسوم به **ایست**
اندرین ریلوی در نجاست **راخ محل** در قدیم الایام دار الحکومه توابعی
 بنگاله بوده است و شهر اول نور جهان موسوم به **شیر افکن خان** با بیا
 جهانگیر شاه در همین شهر کشته شد در سمت جنوبی شهر **بته** بفاصله
 پنجاه و هشت میل شهر **گیا** است و شهر زیارتگاه بت پرستان است
 و بفاصله چهل میل در سمت شمالی و شرقی **گیا** شهر بهار است
 که در عهد سلطنت مسلمانان محوطه **گیا** بهار موسوم بود **بته** یا **نگاله**
 شهر است بسیار معمره و آباد و در کنار رودخانه **نگاله** تا بفاصله چهل میل
 آبادی دارد و سابق بر این دار الحکومه **بهار** بود و **دانا پور**
 در سمت غربی شهر **بته** بفاصله ده میل واقع است و یکی از معمره

در سمت جنوبی و آنکه از ناحیه بهار در حد
 تصور باید کرد

دوشمی و ناگا و کوکی و لوشانی و غیره و سات عدیده ازین فوق
 مذکوره در محوطه بسیار است درین ملک سه و چهل و نه هزار و سیصد و پنجاه و یک
 هزار و سیصد و پنجاه و یک نفرند و درین محوطه **اسام** آب و چهل و یک رودخانه
 از وسط این محوطه میگذرد که همچون آب از نیام سال نفی و در مجرای آنها بهم
 میرسد آب و هوای عمومی این ناحیه بهتر و سالمتر از ملک **بکاله** است
 بازندگی اینجا از ماه مارس است الی اواخر ماه اکتبر است شامل
 مشرق نه ماه متوالی باد میوز و در این محوطه از اعدای مشهوره این اقله کی
 چای است که بسیار خوب میوه و معادن آهن و زغال اینجا میسر است
 جمله است سابق برین ملک **اسام** تابع حکومت **بکاله** بود لیکن
 از **شاه** عیوی حکومت اینجا را سپرده **بکاله** مخصوص نموده ملک **اسام**
 مثل بریاره محوطه است و هر محوطه دارای چند شهر و قصبه است و آن
 محوطه **سایت** این ضلع که در سمت شرقی **مین سنگه** واقع است
 و چهار و پانصد و چهل میل مربع سطح است تعداد نفوس این محوطه
 دوی و نه هزار و پانصد و سی و نه نفرند و درین محوطه که

بحساب ایران است که دویست و سی و نه نفرند و مواضع مشهوره اینجا
 یکی **شهر سیت** و یکی **مینا گنج** است و دوم محوطه **کپار** که در طرف شرقی است
 واقع است سطح آنجا نه هزار و هشتصد و پنجاه و یک میل مربع است تعداد نفوس
 دویست و چهل هزار و هشت و هشت نفر است مواضع مشهوره اینجا یکی **سنگه**
 و یکی **کپار** است سوم محوطه **گوپا** که در سمت غربی **کپار** واقع است
 چهار هزار و چهارصد و سی و سه میل مربع سطح آنجاست تعداد نفوس چهارصد
 و هشت هزار و هشتصد و سی و نه نفر است مواضع مشهوره این ضلع همانند
گوپا است چهارم محوطه **کانر دپ** که در سمت شرقی **گوپا** واقع است
 سطح آنجا نه هزار و ششصد و سی و یک میل مربع است و پانصد و هشت
 یک هزار و ششصد و هشتاد و یک نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره این محوطه یکی
شهر لاتی و یکی **برقیه** است پنجم محوطه **دنگ** که در سمت شمالی و شرقی
کانر دپ واقع است سطح آنجا نه هزار و چهارصد و هشتاد و یک میل مربع است تعداد
 نفوس آن دویست و سی و شش هزار و نه نفر است بلاد مشهوره که در این
 ضلع است **شهر نیرنج پور** است ششم محوطه **نوکا** که در طرف جنوبی

۱
 کراپا

۲
 کراپا

جنوبی **مملکت** **راختانہ** **مشی** **شیدو** - رود غری **سلمان** **میر** ^{شهر}
 واصل مملکت **پنجاب** **اکم** **قدری** **است** کہ مابین رودخانه **سلج** و
 رودخانه **سند** واقع است کہ **کشمیر** **بضال** **می** **بشد** **ایملاک** ^{در قریب ایک} را
پنجاب **بنامند** **بو** **سطح** **انکه** **خج** **رودخانه** **عظیم** **کما** **سای** **مختص** **در** **وسط**
 المملکت جاریست و ازین **خج** **رودخانه** **خج** **شعبه** **جدید** **شد** **شعبه** **اول** **را**
سند **سار** **کو** **ند** **این** **شعبه** **مابین** **رودخانه** **چلم** **در** **رودخانه** **سند** **میکند**
 شعبه دوم **را** **چ** **گویند** **این** **شعبه** **مابین** **رودخانه** **چلم** **و** **پنجاب** **میکند**
 شعبه سیم **را** **چانام** **دارد** **مابین** **رودخانه** **راوی** **و** **پنجاب** **جریان** **دارد**
 شعبه چهارم **را** **باری** **نامند** **این** **شعبه** **مابین** **رودخانه** **بیاس** **و** **راوی** **میکند**
 شعبه پنجم **را** **جالندهر** **خوانند** **این** **شعبه** **مابین** **رودخانه** **بیاس** **و** **سلج** **جاریست**
 شعبه **سند** **سار** **از** **شعب** **و** **بکر** **عریض** **تر** **و** **بزرگتر** **است** **لکن** **آبای** **های** **کند**
 شعبه **باری** **بیشتر** **از** **سایر** **شعب** **است** **و** **اکثر** **سکنه** **آن** **آبادی** **خانی** **یک** **مینه**
 و **مطایفه** **اشخاصی** **استند** **که** **بجرت** **نمونی** **سرویش** **خود** **مصلح** **بنمایند**
 و **پیروی** **گرو** **نامک** **را** **بنامند** **چلب** **مکه** **مملکت** **پنجاب** **میر** **سلطان**
 مسلمان **پنجاب** **از** **بیر** **و** **نظام** **هندوئی** **بسیار**

۷۷
 و نسبت بسیار بلاد هندوستان بزرگتری دارند باینی که از قرار صد
 نفرند **اسب** **مترقه** **پنجاه** **نفر** **مل** **مجاور** **ایشان** **سلطان** **حکومت** **مالک**
پنجاب **سابق** **بر** **ین** **سپرد** **ده** **مستوفی** **مخصوصی** **بود** **و** **در** **آنوقت** **مملکت** **دہلی**
 و **جز** **و** **ممالک** **مغربی** **و** **شمال** **هندوستان** **شمرده** **شد** **لیکن** **از** **قسمت**
 عبودی مملکت **پنجاب** **سپرد** **نایب** **الحکومت** **کر** **و** **بد** **مملکت** **دہلی** **نیز**
 مثل ممالک **پنجاب** **شد** **حال** **موضعیکه** **از** **مملکت** **پنجاب** **در** **بخت**
 حکومت **نایب** **الحکومت** **مربور** **است** **آزاد** **ده** **مست** **منقسم** **نموده** **اند** **و** **مهرتی**
 مثل **برجند** **محوطه** **است** **و** **هر** **محوطه** **دارای** **چند** **شهر** **و** **قصبه** **مستقر** **دارد** **و** **ای**
سان **در** **و** **قسمت** **متعلقه** **حکومت** **پنجاب** **کر** **گذاشته**
اول **قسمت** **دہلی** **این** **قسمت** **مثل** **برست** **محوطه** **اول** **محوطه** **کر** **گذاشته**
 کہ **در** **قسمت** **شمالی** **میر** **واقع** **است** **یک** **هزار** **و** **صد** **و** **پنجاه** **میل** **مربع**
 سطح **آن** **پنجاه** **تعداد** **نفر** **شش** **صد** **و** **پنجاه** **و** **نه** **هزار** **و** **پنجاه**
 پنجاه **و** **نه** **نفر** **است** **مواضع** **مشهوره** **این** **موضع** **یکی** **شهر** **گرو** **کان** **و** **یکی**
ربواری **و** **پلول** **و** **فتح** **نکر** **و** **فیروز** **نکر** **است** **دوم** **محوطه** **دہلی** **که**

شهر

در سمت شمالی گویند و واقع است سطح آن یک هزار و دویست و هشتاد
 و هفت میل مربع است و ششصد و هشت هزار و هشتصد و پنجاه نفر جمعیت
 داشته بخوبی مواضع مشهوره این محل یکی شهر **دلی** است و یکی **قصبه**
سنت سوم محوطه **کرنا** این محوطه در طرف شمالی **دلی** واقع است
 و دو هزار و سیصد و پنجاه و دو میل مربع طول سطح آن است تعداد نفوس
 آنجا ششصد و ده هزار و نهصد و هفت نفر مواضع مشهوره آنجا
 یکی شهر **کرنا** و پانی پت و قصبه **کبیر** است
 بیان و قیمت دوم مملکت متعلقه حکومت پنجاب
 این قسمت را **حصار** گویند و مثل است بر سه محوطه اول محوطه **ریتک**
 که در جانب غربی **دلی** واقع است و یک هزار و هشتصد و بیست و دو میل
 مربع سطح آن تعداد نفوس آن پانصد و بیست و شش هزار و نهصد
 پنجاه و نه نفر مواضع مشهوره که در این محوطه است یکی شهر **ریتک**
 و یکی **جیجر** است دوم محوطه **حصار** در سمت شمالی و شرقی **ریتک**
 واقع است و سه هزار و پانصد و چهل میل مربع سطح آن است و پنجاه

کبیر

و هشتاد و چهار هزار و ششصد و هشتاد و یک نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره آنجا
 یکی شهر **حصار** و یکی قصبه **مانشی** و **هندوانی** است سوم محوطه **سرسه** پنجم
 در سمت شمالی و غربی **حصار** واقع است طول مسافت این احاطه سه
 هزار و یکصد و بیست و یک میل مربع است و دویست و ده هزار و هشتصد و نود
 و هجتر جمعیت دارد مواضع مشهوره آنجا شش نفر شهر **سرسه** است
 بیان و قیمت سوم مملکت متعلقه حکومت پنجاب
 این قسمت را **انباله** گویند و مثل است بر سه محوطه اول محوطه **انباله** پنجم
 در جانب شمالی **کرنا** واقع شده و هفت و دو هزار و ششصد و بیست
 یک میل مربع سطح آن تعداد نفوس آنجا ده یک و پنجاه و چهار
 صد و هشتاد و هشت نفر است که بحساب ایران دو و کرد و سی و پنجاه و چهار
 هزار و هشت نفر می شود مواضع مشهوره آنجا یکی شهر **انباله** و یکی **جکاردی** و
 قصبه **شاه آباد** و **شاه دهر** و **روپر** است دوم محوطه **لودمانه** در جانب
 شمالی و غربی **انباله** واقع است سطح آن یک هزار و سیصد و شصت و هشت
 میل مربع است تعداد نفوس آنجا پانصد و هشتاد و سه هزار و دویست

شش
 رود سیاه

سایان و در سمت ششم مملکت متعلقه حکومتی پنجاب
و در سمت **لاهور** که بند مثل بر سه محوطه است اول محوطه **فیر دپور** که
در سمت غربی **لو دیانه** واقع است و دو هزار و هشتصد و بیست و میل
مربع سطح آن است تعداد نفوس سکنه پانصد و چهل و نه هزار و دویست
پنجاه و نه نفر است مواضع مشهوره آنجا کی شهر **فیر دپور** و یکی **مد کس** و
سیرانوا و **بند** است دوم محوطه **لاهور** که در سمت جنوبی و غربی **اندر**
واقع است و سه هزار و ششصد و پنجاه و نه میل مربع سطح آنست تعداد
نفوس هشتصد و هشتاد و نه هزار و ششصد و شصت و بیست نفر است
مواضع مشهوره آنجا کی شهر **لاهور** و قصبه **میان میر** و **کسور** است سوم محوطه
گوجرانواله که در سمت شمالی و شرقی **لاهور** واقع است و سه هزار و پانصد
و شصت و نه میل مربع سطح آن میباشد تعداد نفوس پانصد و پنجاه
هزار و پانصد و هشتاد و شش نفر است مواضع مشهوره این محوطه کی
شهر **گوجرانواله** و قصبه **دیراباد** است
بیان و در سمت هفتم مملکت متعلقه حکومتی پنجاب

بند

این سمت را **راولپنڈی** گویند و مثل است بر چهار محوطه اول محوطه **گجرات**
که در سمت شمالی **گوجرانواله** واقع است و دو هزار و بیست و یک میل مربع سطح
آنست تعداد نفوس ششصد و شانزده هزار و سیصد و چهل و بیست
نفر است مواضع مشهوره این محوطه کی شهر **گجرات** و یکی **جبال پور** است دوم
محوطه **شاه پور** که در طرف جنوبی و غربی **گجرات** واقع است و چهار هزار و
هشتصد و بیست و یک میل مربع سطح آنست و سیصد و شصت و هشتاد و سیصد و نود
و شش نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره آنجا کی شهر **شاه پور** و قصبه **سیر** است
سوم محوطه **جلهم** که در سمت غربی **گجرات** واقع است سه هزار و نهصد
و ده میل مربع سطح آنست تعداد نفوس یک کر و نهصد و هشتاد و شش
نفر است مواضع مشهوره این محوطه کی شهر **جلهم** و یکی **پند و انخان** است
چهارم محوطه **راولپنڈی** که در جانب شمالی و غربی **جلهم** واقع شده است
و شش هزار و دویست و هجده میل مربع سطح آنست و هشتصد و یازده هزار و
دویست و پنجاه و شش نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره این احاطه کی شهر
انجری و یکی شهر **راولپنڈی** و یکی **جن بدال** است و اکثر دریا

بند

بیان و سمت هشتم مالک متعلقه بکومتی پنجاب

این سمت را **مُتَنان** گویند مثل بر چهار محوطه است اول محوطه **جنگ**

که در سمت جنوبی شاه بود واقع است سطح آن چهار هزار و هشتصد و دو میل

مربع است تعداد نفوس سکنه سیصد و هشتاد و چهار هزار و بیست و هشت نفر

مواقع مشهوره آنجا یکی شهر **جنگ** و یکی قصبه **تنگیان** و یکی **چیت** است

دوم محوطه **مُتَنان** که در سمت جنوبی و غربی **جنگ** واقع است چهار هزار و

دو بیست و هشت میل مربع است تعداد نفوس چهارصد و هشتاد و

یک هزار و پانصد و شصت و سه نفر است مواضع مشهوره آنجا **مُتَنان** شهر

مُتَنان است سوم محوطه **تنگری** که در سمت غربی **مُتَنان** واقع است

سطح آن چهار هزار و پانصد و هشتاد و سه میل مربع است تعداد نفوس آنجا

سیصد و پنجاه و نه هزار و چهارصد و سی و هشت نفر است مواضع مشهوره

آنجا محوطه یکی شهر **گوگیر** و یکی **پاک پتن** و کوته **کالیه** و **دیپال پور** است

چهارم محوطه **منظر گوم** که در طرف جنوبی **تنگری** واقع است و دو هزار

نصد و پنجاه و چهار میل مربع طول سطح آنجاست تعداد نفوس آن

جمله

منظر گوم

و

دو بیست و نه هزار و پانصد و چهل و هشت نفر است مواضع مشهوره این

محوطه همان شهر **منظر گوم** است

بیان و سمت نهم مالک متعلقه بکومتی پنجاب

این سمت را **دیره جات** گویند مثل بر سه محوطه است اول محوطه **دیره غازیخان**

که در طرف غربی **منظر گوم** واقع است و چهار هزار و هشتصد و چهل میل مربع

سطح آنست تعداد نفوس سیصد و هشتاد و بیست نفر است

مواقع مشهوره آنجا محوطه **مُتَنان** و **دیره غازیخان** است دوم **دیره اسماعیل خان**

آنجا محوطه در طرف شمالی **دیره غازیخان** واقع است سطح آن هشت هزار و

شش میل مربع است تعداد نفوس سیصد و نه هزار و هشتصد و

شصت و چهار نفر است مواضع مشهوره آنجا **مُتَنان** و **دیره اسماعیل خان** است

سوم محوطه **تند** که در جانب شمالی **دیره اسماعیل خان** واقع است و سه هزار و

یکصد و هشتاد و یک میل مربع است تعداد نفوس آنجا دو بیست و

هشتاد و هشت هزار و پانصد و چهل و هشت نفر است مواضع مشهوره آن یکی شهر

تند و یکی شهر **کالاباغ** است

بیان در قمت و هم ممالک متعلقه بحکومتی پنجاب

این قمت را **پشاور** گویند و شکل است بر سه جبهه اول محوطه که **کوات** که در سمت شمال جنوب واقع شده است سطح آن دو هزار و هشتصد و سی و میل مربع است تعداد نفوس سکنه یکصد و چهل و چهارصد و نوزده نفر است مواضع مشهور آنجا همان **قصر کوات** است دوم محوطه **پشاور** که در سمت شمالی کوات واقع است سطح آن دو هزار و چهارصد و نود و هشت میل مربع است تعداد نفوس با نصد و بیست و سه هزار و یکصد و پنجاه و دو نفر است مواضع مشهوره آنجا همان **شهر پشاور** است سوم محوطه **پشاور** که در سمت شرقی **پشاور** واقع است دو هزار و هشتصد و سی و پنج میل مربع آن است تعداد نفوس سکنه دویست و هشت هزار و دویست و هجده نفر است مواضع مشهوره آنجا **شهر پشاور** است

بیان در محلی از احوال بلاد مشهوره مملکت پنجاب در شهر **گورکانو** در ماه **چیت** که ماه دوازدهم است بت پرستان از سابقتهای بعیده برای پرستش بتخانه **دیی** اجتماع مینمایند و قصبه **دیواری** از مواضع مشهوره

مشهوره محوطه **گورکانو** است شهر **دیلی** و یا **شاهجهان آباد** در میان یک حصار محلی آباد گردیده و بیشتر از جمله شهرهای مغلطه کوه هندوستان است در عهد سلطنت مسلمانان و بت پرستان همیشه شهر **دیلی** در این مملکت بنده بوده است و در دهانه **جنانا** از کوه **قلعه دیلی** میگذرد و در آنجا انتقاله دو دیوانخانه بزرگ است یکی را دیوانخانه عامه و دیگری را خاصه خانه مسجد جامع **دیلی** که تمام آنرا از سنگ مرمر بنا کرده اند و در خوبی زیبایی و در تمام روی زمین عدیل و نظیر ندارد و بفاصله نه میل از شهر **دیلی** یک مناری است که بطرز خوبی ساخته شده و آنرا منار قطب صاحب مینامند تقریباً یکصد و بیست و پنج ارتفاع دارد و شهر **کمال** بقاعه پنجاه و پنج میل از شهر **دیلی** واقع است و همان جایست که نادر شاه بر محمد شاه هندی غلبه کرد قصبه **پانی پت** در پنج گاهای **کوت** است و شاه **عیدی** در میدان کارزار اینجا و **قصر** مشهوره **پشاور** نیز مینامند سابق بر این شهر بسیار آباد و بارونقی بوده است اکنون آبادی چندانی ندارد و شهر **مانشی** در جلّه شهرهای قدیمه است باین

نمانند و علاوه بر آنجا چند عمارت عالی و بزرگ که همه از سنگ مرمر ساخته شده در آنجا است

و هفتمی مثل برجند شرفه است از قرار تفصیل ذیل
بیان در قسمت اول مملکت متعلقه بحکومت مرکزی
 این قسمت را **جبل پور** می نامند و مثل است بر پنج ^{ناقصه} **مخوطه اول مخوطه ساگر**
 که در حد شمالی ممالک مرکزی واقع است ^{ناقصه} **مخوطه** آن چهار هزار و پنجاه
 و پانصد و بیست و هشت هزار و هشتصد و بیست و پنجاه جمعیت دارد مواضع مشهوره
 آن **مخوطه** یکی **شهر ساگر** و یکی **گولکونا** است دوم **مخوطه** **دومو** که در سمت
 شرقی **ساگر** واقع است و دو هزار و هشتصد و نود و نه میل مربع سطح
 تعداد نفوس دویست و هشت و نه هزار و ششصد و چهل و دو نفر است
 مواضع مشهوره آنجا یکی **شهر دمو** و یکی **هتاما** است سوم **مخوطه جبل پور** که
 در طرف جنوبی **دومو** واقع است سه هزار و نهصد و هجده میل مربع سطح
 آنجا است و پانصد و بیست و هشت هزار و هشتصد و پنجاه و نه نفر جمعیت
 دارد مواضع مشهوره آن همان **شهر جبل پور** است چهارم **مخوطه** که در
 سمت جنوبی و شرقی **جبل پور** واقع است سطح آنجا چهار هزار و نهصد و
 نوزده میل مربع است و دویست و سی هزار و هجده نفر جمعیت دارد

سنگه کوه

مواضع مشهوره این **مخوطه** **مخوطه** است پنجم **مخوطه سیونی** که در
 طرف جنوبی و غربی **مخوطه** واقع است و سه هزار و دویست و پنجاه
 و دو میل مربع سطح است و دویست و نود و نه هزار و هشتصد و پنجاه
 و شش نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره آن **مخوطه** همان **شهر سیونی** است
بیان در قسمت دوم متعلقه بحکومت مرکزی
 و این قسمت را **مخوطه** گویند و مثل بر پنج **مخوطه** است اول **مخوطه نرسنگه**
 که در سمت جنوبی و شرقی **جبل پور** واقع است سطح آن یک هزار و نهصد و
 شانزده میل مربع است و سیصد و سی و نه هزار و سیصد و نود و پنجاه جمعیت
 دارد مواضع مشهوره آن یکی **شهر نرسنگه** **پور** و یکی **نصبه گروا** است
 دوم **مخوطه هوننگه** که در طرف جنوبی و غربی **نرسنگه** **پور** واقع است
 سطح آن چهار هزار و سیصد و هشتاد و شش میل مربع است تعداد
 نفوس چهارصد و هشت و سه هزار و ششصد و بیست و پنجاه نفر است
 مواضع مشهوره آن **مخوطه** یکی **شهر هوننگه** **پور** و یکی **نصبه هندیا** و یکی **سهاکپور**
 و **هرخوا** و **سیونی** است سوم **مخوطه** **نیما** که در حد غربی ممالک مرکزی

واقع است و نه هزار و یکصد و چهل میل مربع سطح است و دویست
 یازده هزار و یکصد و هشتاد و شش نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره اش
 یکی شهر **زبانپور** و یکی **گندوا** است چهارم محوطه **میتول** که در سمت
 جنوبی **بنار** واقع است سطح آن نه هزار و نهصد و پنجاه و یک میل مربع است
 تعداد نفوس دویست و هشتاد و چهار هزار و دویست و شصت
 چهار نفر است مواضع مشهوره این ضلع همان شهر **میتول** است
 پنجم محوطه **چندوا** که در سمت شرقی **میتول** واقع شده است و نه هزار
 و هشتصد و پنجاه و نه میل مربع سطح آن میباشد و یکصد و شانزده هزار
 و نود و یک نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره آنجا یکی شهر **خندوا** و یکی **لوکی**

گندوا

لوکی

بنار

و دیگر **پندونا** است

بیان در سمت سوم متعلقه بکومتی حاکم مرکزی
 این سمت را **ناکپور** گویند و مثل است برش محوطه اول محوطه **ناکپور**
 که در سمت جنوبی **چندوا** واقع است و نه هزار و هشتصد و شصت و شش
 میل مربع سطح است تعداد نفوس شصت و سی و یک هزار و یکصد و

نفر است مواضع مشهوره آنجا یکی شهر **ناکپور** و یکی **قبه کامتی** و یکی
انیر و یکی **ریتنگ** است دوم محوطه **بنار** که در سمت شرقی **ناکپور** واقع
 شده است و نه هزار و نهصد و بیست و دو میل مربع سطح آن میباشد
 تعداد نفوس پانصد و شصت و چهار هزار و هشتصد و نوزده نفر است
 مواضع مشهوره آن محوطه یکی شهر **بنار** و **قبه مشه** و **پونی** است
 سوم محوطه **درواک** در طرف جنوبی **ناکپور** واقع است سطح آن دو هزار
 چهارصد و یک میل مربع است تعداد نفوس آنجا یکصد و پنجاه و چهار هزار
 و هشتصد و بیست نفر است مواضع مشهوره آنجا یکی **پینگان گات** و دیگر
اردی است چهارم محوطه **چاندا** که در سمت جنوبی و شرقی **درواک** واقع
 شده است سطح آن نه هزار و هشتصد و یک میل مربع است و پانصد و سی
 چهار هزار و چهارصد و سی و یک نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره آنجا همان
 شهر **چاندا** است پنجم محوطه **بالا گات** پنجمه در سمت جنوبی و شرقی **چاندا**
 واقع است سطح آن نه هزار و یکصد و چهل و یک میل مربع است و یکصد
 دو هزار و چهارصد و هشتاد و دو نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره این

اصطلاحات هند

بنار

ناحیه ششم ^{شش} محوطه ^{پور} که در سرحد جنوبی ممالک مرکزی واقع شده است سطح آن هزار و هشتاد و پنج میل مربع است تعداد نفوس پنجاه و دو هزار و یکصد و هشت نفر است مواضع مشهوره در محوطه ششم

بیان و قسمت چهارم متعلقه بکومتی ممالک مرکزی این قسمت را **چیتن گو** خوانند یعنی سی و شش خانه و مثل است بر سه محوطه اول محوطه **رای پور** که در سمت شرقی **بنداره** واقع است سطح آن نوزده هزار و هشتصد و هشتاد و پنج میل مربع است و ده لک و نود و سه هزار و چهارصد و پنجاه جمعیت دارد که بحساب ایران او کرد و نو و نود و سه هزار و چهارصد و پنجاه می شود مواضع مشهوره آنجا یکی **رای پور** و یکی **دوتری** است دوم محوطه **بلاس پور** که در سمت شمالی **رای پور** واقع است سطح آن هشت هزار و هشتصد و نود و هشت میل مربع است هشتصد و پانزده هزار و سیصد و نود و هشت نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره آنجا یکی شهر **بلاس پور** و یکی **رتن پور** است سوم محوطه **سبل پور** که در سرحد شرقی ممالک مرکزی واقع است سطح آن چهار هزار و چهارصد و هشت میل مربع است پنجاه و دو هزار و سیصد و سی

چیتن گو

دوتری

سبل پور

چهار تفصیلت دارد مواضع مشهوره این محوطه همان شهر **سبل پور** است بیان و محلی از احوال بلاد مشهوره ممالک مرکزی هند و **سار** بملاحظه آبادی درجه دوم سایر شهرهای معمره هند می توان گفت یکی از معسکرمای انگلیس است **جیلپور** در بیشتر از هر گونه تجارت و سوداگری در کار است و در نزدیکی شهر زغال سنگ بسیار خوب بیرون می آید **هوشنگ آباد** که کرده هوشنگ شاه فرمانروای گجرات است که او را در کنار رودخانه **نربدا** آباد نموده در اطراف و حوالی آن شهر آبهای جاری بسیار است باین محوطه از هر قسم نعمت در آنجا می شود شهر **هندیا** که در محوطه **هوشنگ آباد** واقع است از جمله شهرهای قدیمه مسلمانان هندوستان است **برما پور** این شهر کنار رودخانه **ناچی** آباد گردیده است در ایام سلطنت پادشاهان هند شهر **برما پور** و از کجلاسه و مرکز محوطه **خاندهیس** بود و ناگپور محل حکومتی ممالک مرکزی در آنجا است در ایام سلطنت **خانیفه مرتضی** بیشتر پای تخت بود و در سمت غربی ناگپور فاصله نه میل شهر **کاشی** است

که بسیار بزرگ و معمور است و معمری از انگلیسها در آنجا هست فضا **راعی گنج** است
پان اینجا بسیار خوب میشود **میلن گات** محل بیع و شری می باشد اینجای
زیادی از بیه در آنجا هست در محوطه **چاند** فضا هست موسوم به **ویرا کو** در
انجام معدن الماس هست شهر **سبیل پور** در کنار رودخانه **مناذی** آباد
شده است و از حیث معدن الماس از همه جا مشهور تر است

در یکا

بیان در ممالک متعلقه حکومتی ممبئی

ممالک متعلقه حکومت ممبئی محدود و در بعد ذیل است - **خدا شالی**
بر **بلوچستان** و مملکت **خج** میرسد - و **خدا شری** مملکت **اچوتا**
و ممالک مرکزی هند و مملکت برادر و ممالک و کن مٹی می شود - و **خدا جوبی** کن
مملکت **مَنور** و حکومتی **در س** میرسد - و **خدا غربی** آن به **پورب**
و **بلوچستان** متصل می شود و در محوطه از هر قسم جو بات درخت می شود و لیکن
در غنای مشهوره اینجا یکی درخت چنه است و محوطه **پاک** یک این حکومت در
کنار دریا واقع شده است در اینجا درختهای نارگیل هم بسیار هست در **کوتی**
اطراف **غربی** مملکت بارندگی بسیار می شود و حرارت که با هم بسیار شدید گشتن

با محوطه فصل تابستان
جوانی که اندک مقدار
دارد و بر خلاف در مملکت
سند که آب بسیار کم می شود

این محوطه اکثریت پرستانند که در هر صد نفر هجده نفر مسلمان و اردو نایه **ممبئی**
در تحت حکومت حاکم با استغال است و مملکت را نیز چهار قسمت
منقسم نموده اند و هر قسمی مثل است بر چند محوطه و هر محوطه دارای چند شهر
فضیلت از قرار تفصیل ذیل

بیان در قسمت اول متعلقه حکومت ممبئی

و به قسمت **راشالی** میماند و مثل برهت محوطه است اول **محوطه احمد**
آباد که در سمت شمالی خلیج **کنایت** واقع شده است و سه هزار و هشتصد
چهل و چهار میل مربع سطح آن است و هشتصد و بیست و نه هزار و ششصد
سی و هفت نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره اش یکی شهر **احمد آباد** و یکی
کوگو و دیگری **دولا** است و دوم محوطه **کیرا** که در طرف شرقی **احمد آباد**
واقع است سطح آن یک هزار و پانصد و شصت و یک میل مربع است و تعداد
نفرش هشتصد و هشتاد و دو هزار و هشتصد و سی و سه نفر است
مواضع مشهوره اینجا یکی شهر **کیرا** و یکی فضا **نرید** است سوم محوطه
خج محال که در سمت جنوبی **کیرا** واقع شده است و یک هزار و ششصد

کنایت

در حدود شش و کویش

چهل و چهار میل مربع است و دویست و چهارصد و چهل و سه نفر
 جمعیت دارد بلاد مشهوره این ناحیه شهر گودر است چهارم محوطه **برونج** در
 طرف جنوبی پنج محال واقع است سطح آن محوطه یک هزار و سیصد و شصت
 سه میل تربیت تعداد نفوس سیصد و پنجاه هزار و سیصد و بیست
 سه نفر است بلاد مشهوره اش همان شهر برونج است پنجم محوطه **سورت**
 که در طرف جنوبی برونج واقع است و یک هزار و ششصد و سی میل سطح است
 و ششصد و هشتاد و بیست و هفت نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره آن
 همان شهر سورت است ششم محوطه **تانه** که از اشالی که کن هم می نامند
 آن محوطه در طرف جنوبی سورت واقع است و چهار هزار و پنجاه و دو میل مربع
 سطح آن است و هشتصد و چهل و هشت هزار و چهارصد و بیست و چهار نفر جمعیت
 دارد مواضع مشهوره اش یکی **تانه** و یکی **کلبانی** و دیگر بسین است
 هفتم محوطه **کلاب** یا **کلاب** آن محوطه در طرف جنوبی تانه واقع شده است
 سطح آن یک هزار و چهارصد و بیست و دو میل تربیت تعداد نفوس
 سیصد و پنجاه هزار و چهارصد و بیست مواضع مشهوره آنجا یکی شهر **مینی** و یکی **کلاب** است

بیشتر
 که در

تانه

بیان در قسمت دوم متعلقه حکومت بمبئی
 و آنرا قسمت **نهم** که بنام این قسمت مثل برشش محوطه است اول محوطه
خانین که در سمت جنوبی کوه **سند** قرار واقع است ده هزار و یکصد
 شصت و دو میل مربع سطح است تعداد نفوس ده لک و بیست و
 هشت هزار و ششصد و چهل و دو نفر است که بحساب ایران (دو و دو و بیست
 و هشت هزار و ششصد و چهل و دو نفر می شود) مواضع مشهوره آنجا یکی شهر **دولابا**
 و **بئسابلی** و **مالی گانوا** است دوم محوطه **ناسک** که در سمت جنوبی خانین
 واقع است و هشت هزار و یکصد و پنجاه و نیمیل مربع سطح است و بیست و یک هزار
 و هشتصد و هجده نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره اش همان شهر ناسک است
 سوم محوطه **احمدنگر** که در طرف جنوبی ناسک واقع شده است سطح آن
 شش هزار و ششصد و چهل و بیست و هفت میل مربع است تعداد نفوس هشتصد
 و هشتاد و سه هزار و نهصد و سی و یک نفر است مواضع مشهوره اش همان شهر
احمدنگر است چهارم محوطه **پوتا** که در طرف جنوبی احمدنگر و بیست و یک هزار و
 نود و نه میل مربع سطح است و نهصد و هشتاد و دو نفر است و سی و یک نفر جمعیت

در

موضع مشوره اش یکی شهر پونا و یکی شهر **پندر** و کوری گاؤ و ککی است
 پنجم محوطه **شولا پور** که در طرف شرقی پونا واقع شده است و چهار هزار و پانصد
 میل مربع سطح آن میباشد و هشتصد و هجده هزار و سی و چهار نفر جمعیت دارد
 مواضع مشوره آنجا یکی شهر **شولا پور** و **پندر پور** و **بابیسی** است ششم محوطه
سنارا که در سمت جنوبی پونا واقع است سطح آن چهار هزار و نهصد و نود
 و یکمیل مربع تعداد نفوس ده لک و چهل و پنج هزار و دویست و هشت
 نفر است که بحساب ایران دوازده و کرد و چهل و پنج هزار و دویست و هشت نفر است
 مواضع مشوره آنجا یکی شهر **سنارا** و یکی **منا و لیش** است
بیان و رسمت سوم متعلقه حکومت ممبئی
 این قسمت را سمت جنوبی گویند مثل پنج محوطه است اول محوطه
بیلگانو که در طرف جنوبی سنارا واقع شده است و چهار هزار و
 پانصد و نود یکمیل مربع سطح آنست و نهصد و سی و هشت هزار و هشتصد و
 پنجاه نفر جمعیت دارد مواضع مشوره آنجا یکی شهر **بیلگانو** است
 دوم محوطه **دازوار** که در سمت جنوبی و شرقی بیلگانو واقع شده است

پندر

پندر پور

دوازده

چهار هزار و پانصد و سی و شش میل مربع سطح آن میباشد تعداد نفوس
 آنجا نهصد و هشتاد و هشت هزار و سی و هشت نفر است مواضع مشوره
 آنجا یکی دازوار و **مویلی** و **بنکا پور** است سوم محوطه **کلادگی** که
 در سمت شمالی و شرقی بیلگانو واقع است و پنج هزار و شصت و نود و
 پنجمیل مربع سطح آنست و هشتصد و شانزده هزار و سی و هشت نفر
 جمعیت دارد مواضع مشوره آنجا یکی شهر **کلادگی** و یکی **گل کوت**
 و یکی **جیا پور** است چهارم محوطه **کنارا** که در سه قد جنوبی ممبئی واقع است
 و چهار هزار و دویست و سی و پنج میل مربع سطح آنست و سیصد و نود و
 هشت هزار و چهارصد و شش نفر جمعیت دارد مواضع مشوره که در بین
 ناحیه است یکی شهر **خاور** و یکی **کراور** و **کنارا** است پنجم محوطه **رتاگری**
 که از آن جنوبی **کوکن** نیز میگویند این محوطه در سمت جنوبی کلابه و قسمت
 سطح آن سه هزار و هشتصد و هشتاد و نه میل مربع است تعداد نفوس
 آنجا ده لک و نوزده هزار و یکصد و شش نفر است که بحساب ایران
 دوازده و نوزده هزار و یکصد و شش نفر است (مواضع مشوره آنجا

یکی شهر **تنگری** دیگری **وگرا** است

بیان و قسمت چهارم متعلقه حکومت ممبئی

و اگر قسمت **سند** میگویند این قسمت نیز مثل برج محوطه است اول محوطه **کراچی بندر** که در سرحد غربی مملکت سند واقع شده است و سائر ده هزار و یکصد و نه میل مربع است و چهارصد و بیست و شش هزار و هشتصد و بیست و دو نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره که درین ضلع است همان شهر **کراچی** است دوم محوطه **حیدرآباد** که در طرف شرقی **کراچی** واقع شده است سطح آن نه هزار و چهل و دو میل مربع است و هشتصد و بیست و سه هزار و هشتصد و سه نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره بمحوطه یکی شهر **حیدرآباد** و قصبه **مبانی** و قصبه **تسا** است محوطه سوم را **تراورپر** مینامند و در طرف شرقی **حیدرآباد** واقع شده است و دو هزار و هشتصد و بیست و نه میل مربع است و یکصد و شصت و هزار و هشتصد و شصت و یک نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره پیش **شهر کرورت** است چهارم محوطه **شکارپور** که در طرف شمالی **کراچی** بندر واقع شده است سطح آن هشت هزار و هشتصد و نه میل مربع است تعداد نفوس آنجا هشتصد و هشتاد و شش هزار و

کراچی

تراورپر

دولت و بیست نفر است مواضع مشهوره درین ضلع یکی شهر **شکارپور** دیگری **سکر** و دیگر دوری است محوطه پنجم را **نیر سند** **فرنی** میگویند بمحوطه در طرف شرقی **شکارپور** واقع شده است و دو هزار و یکصد و هشتاد و بیست و نه میل مربع است تعداد نفوس آنجا نه هزار و هشتصد و بیست و دو نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره آن شهر **جکاب آباد** است

بیان و محلی از احوال بلاد مشهوره متعلقه حکومت ممبئی
شهر **احمدآباد** در عهد سلطنت پادشاهان **اسلام** پای تخت مملکت گزین بود و اکنون هم نسبت تمام محوطه متعلقه حکومت ممبئی در خوبی و آسایش است سوم قصر میوان کرد شهر **گورکو** در کنار دریا واقع است و لنگرگاه خوبی است شهر **لارا** در طرف شمالی گوکو آباد شده است و بیست و نه میل آنجا از سایر نواحیه بیشتر است شهر **کیرا** امالی چین در آنجا بسیار است و بخانه بسیار بزرگ و در آنجا دانه و غلب خضک آنجا می است و شهر **برنج** در کنار رودخانه نزدیک واقع است سابقین برین این شهر بخانه نگاه خوبی بود تمام تجارت مالکات **اسبان** و **اروپا** در آنجا بیع و شری میگردند و اکنون هم تجارت بنیه در آنجا

میآوردند و بطور امان بطرف مملکت مدرس حل میشود **کرچی** در سده
 غربی هندوستان یک بندرگاه معتبر است و لنگرگاه بسیار خوبی دارد
 و بیشتر هم از هر قبیل تجارت وسیع و شری میشود **حیدرآباد** و **سند** در ایام
 سلطنت سلاطین هند حیدرآباد مرکز تمام محوطه **سند** بود و در سمت غربی
 شهر حیدرآباد بقاصه شش میل **قصبه میانی** است در **شبهه عیسوی**
 از دلی پیر بابا بسیاری با امرای **سند** جنگ عظیمی نمود و ایشان را
 شکست داده و مملکت را متصرف شدند **شکارپور** و بیشتر هم اندک تجارت
 وسیع و شری میشود **امروکوت** اکبر شاه هندی درین شهر متولد شده است
بیان و تقسیم ممالک متعلقه حکومتی مدرس

این ضلع از سمت شمالی بمملکت **اوربده** و ممالک **مرکزی** و مملکت **کن**
 و **میسور** ملحق میشود و از سمت دیگر متصل بدربار است در ضلع مدرس
 عمودا فصل تابستان بسیار گرم میشود در محوطه های سمت شرقی مدرس
 بواسطه شدت گرمای آن بسیار بسیار و اکثر سکنه آن ناحیه بپوشان
 و در هر صد نفر شش نفر مسلمان دارد و بیک نسبت بسیار ممالک هندوستان

و ناحیه میانی

در محوطه عیسویان بسیار هستند ضلع مدرس در تحت حکومت حاکم بان استقلال
 و مثل بریت و محوطه است و هر محوطه دارای چند شهر و قصبه است از برای
 تفصیل ذیل اول محوطه **کنجام** که در سده شمالی محوطه مدرس واقع است
 و بیشتر از یکصد و بیست و سه میل مربع سطح است و تعداد نفوسش
 پانزده لک و بیست هزار و هشتاد و هشت نفر است که بحساب ایران سکره
 و بیست هزار و هشتاد و هشت نفر میشود شهر و قصبه های مشهوره این محوطه یکی شهر
چترپور و شهر **کنجام** و برهم پور و **سلکوندا** و **کلنگاپتن** و **گوبال پور** و
چنگالول است دوم محوطه **ویکاپتن** که در طرف جنوبی **کنجام** واقع شده است
 و هجده هزار و سیصد و چهل و چهار میل مربع سطح است و بیست و یک لک
 و پنجاه و نه هزار و یکصد و نود و نه نفر جمعیت دارد که بحساب ایران چهار
 لک و یکصد و نود و نه نفر میشود (موضع مشهوره آنجا یکی شهر و **یکاپتن** و
بلی پتن و **وزیانگرم** است سوم محوطه **گوداوری** که در طرف جنوبی و **یکاپتن**
 واقع است شش هزار و دویست و بیست و چهار میل مربع سطح است
 تعداد سکنه آن محوطه پانزده لک و نود و دو هزار و نهصد و سی و نه نفر است

رسلکوندا

که بحساب ایران آنه که در نو و دوهزار و نهصد و سی و نه نفر میشود
 مواضع مشهوره اینجوخه راجه مندی و ایلور و کورنجا و کولیندا است
 چهارم محوطه کیشنا که در طرف جنوبی گو داری واقع است هشتزار
 سی و شش میل مربع است و چهارده لک و پنجاه و دوهزار و سیصد
 هشتاد و چهار نفر جمعیت دارد که بحساب ایران او و کور و چهارصد و
 پنجاه و دوهزار و سیصد و هشتاد و چهار نفر میشود مواضع مشهوره
 آنجا یکی **چلی پتن** ایامی **چلی بند** و یکی **میواره** و گنوز است پنجم
 محوطه کزنول که در سمت جنوب غربی کیشنا واقع شده است و
 هفت هزار و سیصد و پنجاه و هشت میل مربع است آنجا است تعداد نفوس
 آن نهصد و پنجاه و نه هزار و ششصد و چهل نفر است مواضع مشهوره
 اینجوخه همان شهر کزنول است ششم محوطه **یلاری** که در طرف
 جنوب غربی کزنول واقع است و یکصد و دوه هزار و هشتاد و سی میل مربع
 است و شانزده لک و شصت و هشت هزار و شش نفر جمعیت دارد که
 بحساب ایران آنه که در و یکصد و شصت و هشت هزار و شش نفر میشود مواضع

مشهوره شش کی شهر **یلاری** و یکی **کونی** است هفتم محوطه **کدا پا**
 که در طرف جنوبی کزنول واقع شده است سطح آن هشت هزار و دویست
 و شصت و هشت میل مربع است تعداد نفوس سیزده لک و پنجاه و
 یک هزار و یکصد و نو و چهار نفر است که بحساب ایران او و کور و سیصد
 و پنجاه و یک هزار و یکصد و نو و چهار نفر میشود مواضع مشهوره شش کی شهر
کدا پا و دنا پالی است هشتم محوطه **نیلور** در طرف شرقی کزنول و گدا پا و
 سطح آن هشت هزار و چهارصد و شصت و دو میل مربع است و سیزده لک و
 هشتاد و شش هزار و هشتصد و یازده نفر جمعیت دارد که بحساب ایران او و
 کور و سیصد و هشتاد و شش هزار و هشتصد و یازده نفر میشود مواضع مشهوره
 آنجا یکی **نیلور** و دیگر **انگول** است نهم محوطه **جنکل پت** که در طرف جنوبی
 نیلور واقع شده است و دوهزار و هشتصد و پنجاه و سه میل مربع است
 و نهصد و سی و شصت هزار و یکصد و هشتاد و چهار نفر جمعیت دارد مواضع
 مشهوره آنجا یکی شهر **سید پت** و **جنکل پت** و **کاکلی** و **کاکلی پوم** و دیگر
مادلی پوم است و اتم محوطه **شهر مدرس** که بیست و هشت میل مربع است

موضع مشهوره
انجا جان شهر
مدرسه است

و سیصد و نود و هشت هزار و پانصد و پنجاه نفر جمعیت دارد و یازدهم محوطه ارکات
شمالی که در سمت غربی جنگل است واقع است و هشت هزار و یکصد و سی و نه
میل مربع سطح است و دیت لک و پانزده هزار و دویست و هشتاد و هشت
نفر جمعیت دارد که بحساب ایران چهار هزار و پانزده هزار و دویست و هشتاد
و هشت نفر میشود مواضع مشهوره آن شهر چنبر و ارکات و دیر و برستی
و دوازدهم محوطه ارکات جنوبی که در طرف جنوبی ارکات شمالی واقع است
سطح آن چهار هزار و هشتصد و هشتاد و سه میل مربع است تعداد نفوس
هفده لک و پنجاه و پنج هزار و هشتصد و هفده نفر است که بحساب ایران
سه هزار و دویست و پنجاه و پنج هزار و هشتصد و هفده نفر میشود مواضع مشهوره
آن گداور و **جنگ** و پور تو نو ده است سیزدهم محوطه **تخت** که در سمت
جنوبی ارکات جنوبی واقع شده است و شش هزار و ششصد و پنجاه و چهار
میل مربع سطح است و نوزده لک و هشتاد و سه هزار و هشتصد و سی و یک نفر
جمعیت دارد که بحساب ایران سه هزار و چهارصد و هشتاد و سه هزار و
سی و یک نفر میشود مواضع مشهوره این محوطه شهر تخت و کوه می کوه و یا کوه کوه و

و یکریک پاتن و ترک بند است چهاردهم محوطه **ترنج پالی** که در سمت غربی تخت
واقع شده است و سه هزار و پانصد و پانزده میل مربع سطح است تعداد
نفوس دوازده لک و چهارصد و هشت نفر است که بحساب ایران
(دو هزار و دویست و چهارصد و هشت نفر میشود) مواضع مشهوره اش شهر
ترنج پالی و **سری رنگ** است پانزدهم محوطه **مدیورا** که در سمت جنوبی ترنج پالی
واقع شده است و سه هزار و پانصد و دو میل مربع سطح است و دیت و لک
و شصت و شش هزار و ششصد و پانزده نفر جمعیت دارد که بحساب ایران
چهار هزار و دویست و شصت و شش هزار و ششصد و پانزده نفر میشود مواضع
مشهوره اینجا شهر **مدیورا** و **مدی کل** است شانزدهم محوطه **تیتولی** که در
جنوبی مدیورا واقع شده است و پنج هزار و یکصد و هشتاد و شش میل مربع
سطح است و شانزده لک و نود و سه هزار و نهصد و پنجاه و نه نفر جمعیت
اینجا است که بحساب ایران سه هزار و یکصد و نود و سه هزار و نهصد و پنجاه
نفر میشود مواضع مشهوره اش شهر **تیتولی** و **پالم کوتا** و **توتی کورن** و یا
توتی گوری است هفدهم محوطه **سیلم** که در طرف غربی ارکات جنوبی

دیر

واقع است سطح شهر و چهار صد و هشتاد و دو میل مربع است و
 نوزده لک و شصت و شش هزار و نه صد و نود و پنجاه جمعیت دارد که بحساب
 ایران آنست که در و چهار صد و شصت و شش هزار و نه صد و نود و پنجاه میشود
 مواضع مشهور آنجا همان شهر سیلم است جده هم محوطه گویم تنور که در
 سمت غربی سیلم واقع است و چهار صد و سی و دو میل مربع
 سطح آنست و هجده لک و شصت و سه هزار و دویست و هشتاد و چهار
 نفر جمعیت دارد که بحساب ایران آنست که در و دویست و شصت و سه هزار
 و دویست و هشتاد و چهار نفر میشود مواضع مشهور آن همان شهر گویم تنور است
 نوزدهم محوطه **نیلگری** که در جانب غربی گویم تنور واقع است و هشتاد
 چهل و نه میل مربع سطح آنست و چهار هزار و نه صد و پنجاه نفر جمعیت دارد
 مواضع مشهور آنش **نهر انگند** و **گندور** و **فتاوی** است بیستم محوطه **میلدا**
 که در سمت غربی نیلگری واقع شده است و شش هزار و دو میل مربع
 سطح آنست و دویست و دوازده لک و شصت و یک هزار و دویست و پنجاه نفر جمعیت
 دارد که بحساب ایران چهار هزار و دویست و شصت و یک هزار و دویست و پنجاه

من شادی

نفر میشود مواضع مشهور آن یکی شهر **کالیکت** و شهر **پنیور** و **کوپین** و
نخیر و **گاندور** است بیست و یکم محوطه است که آنرا **کنار جنوبی** گویند
 در طرف شمالی طیار واقع شده است و دو هزار و نه صد و دو میل مربع
 سطح آنست و نه صد و هجده هزار و سیصد و شصت و دو نفر جمعیت دارد
 بلا و مشهوره آنش شهر **ننگور** است

بیان در محلی از احوال بلا و مشهوره متعلقه بکومتی مدرس
 شهر **چتر پور** مرکز محوطه گجرات است و قبضه مشهوره آن محوطه یکی برهم پور است
 که بسیار معمر و آباد است درین قصبه پارچه های ابریشمی بسیار خوب بافته
 میشود و علاوه بر آن قصبه برهم پور و رسل گویند امیر اکبر کلبه هاست بکر
 گویند پور که در کنار دریا واقع شده است و قصبه چکا گول که در طرف جنوبی
 گویند پور واقع است و جای بسیار معمر و آبادی است و **زنگا بن** شهر
 نیز در کنار دریا واقع است از جمله صنایع مالی و تجاری جعبه های است که از
 شاخ میسازند و بفاصله هجده میل شهر علی بن است که آنرا بنی بن نیز
 میگویند شهر بندرگاه خوبی است و بفاصله سی میل شهر **دایا گلم** است

که یکی از معسکرا کلیدهاست **شهر راج** مرکز مخطوطه گودادریست شهر
ایلو در طرف جنوبی و غربی را چندری واقع شده است قالیهای خوب
 و ریجایا فند قصبه **کونگا** و **کونگا** که این هر دو نیز در کنار ویا واقعند
 و بندرگاه خوبی هستند **شهر مخلی بن** یا **مخلی بندر** بیشتر در مخطوطه کرشنا و مرکز
 واقع شده است تمام محله جات حکومتی مخطوطه و بیشتر است و بندرگاه
 بزرگیت فلکار و سایر صیبت بازار و بیشتر بسیار خوب و دست میکنند **گند**
 بیشتر در ایام سلطنت مسلمانان بسیار مشهور و معروف بود لیکن حال چند
 جمعیت و آبادی ندارد **کر نول** در کنار رودخانه تنگت بدو واقع شده است
 و شهر بسیار خوبی است **بلاری** بیشتر نیز یکی از معسکرای کلید است
 و در سمت شرقی شهر بلاری قصبه گونی است و قلعه بسیار محکم از قدیم ایام
 در آنجا ساخته شده است و در طرف شمالی و غربی بلاری شهریت موسوم
 به **مخلی نگر** که در کنار رودخانه تنگت واقع شده است از شهرهای قدیمه
 هندوستان بوده اکنون ویرانه افتاده است **نیلور** در مخطوطه انجا کا و
 بسیار بزرگ قوی و بیکل است میاید و در طرف شمالی نیلور قصبه **انگول** است

شهرهای

و معسکرا بسیار بزرگی است **شهر سیداپت** مرکز مخطوطه جنگل پت است
 برین شهر جنگل پت مرکز بود لیکن چند است که محله جات حکومتی و شهر سیداپت
 قرار یافته است **شهر کانچی دوم** یا **کانچی پوم** از شهرهای قدیمه است و شهریت
 بسیار بزرگ و تخته معروف و مشهوری دارد و شهر **مالی پوم** سابق برین و در
 راجه مل بوده است و در کوه متصل با تخته ای متعدد است که کوه را تخته
 و بطرزهای غریب تخته با ساخته اند **مدرس** یا **مدراج** بیشتر در کنار ویا
 واقع شده است و در آنجا کوه تمام مخطوطه متعلقه با نجاست و قلعه در وسط
 شهر **مدرس** ساخته شده است از بناهای قوت مینت حاج صاحب
 که از سردارهای انگلیس بوده است و سپاه خاصه انگلیسها در آن قلعه مسکن دارند
 و چهار سمت این قلعه خندق بسیار بزرگی است که همیشه ملو از آب است
 و خاک نیز این قلعه خجری است که هیچوقت توپ بدو از قلعه نمیرسد تمام
 قورخانه و آلات حرب انگلیسها در میان این قلعه محفوظ است و از سمت
 نوپها از اطراف دریا کشیده اند و این قلعه مخصوص برای جنگ کردن است
 شهر **چنور** مرکز مخطوطه ارکات شمالی است **یلور** قصبه بسیار بزرگ و

اصطلاحات هند و در سمت شمالی آنجا قصبه ترپتی است و آنجا عباد و کجاست پرتان است
در محوطه اراکات جنوبی شهر که در مرکز آن محوطه است و در قرب آن شهر قلعه است
که از بناهای فورت سنت دیو نامی بوده است از سرداران بکلس که
اکنون بسیاری از آن قلعه خراب شده است در طرف شمالی و غری که در
قصبه **جیحی** است و در آنجا هم یک قلعه بسیار بزرگی است ^{که در آنجا یک شهر کوچک است} **شهر پوجری** یا
باندی پوجری که در تصرف دولت فرانسه است و در همین محوطه اراکات جنوبی
واقع است **تختور** شهر بسیار بزرگیت و محل تجارت و بیج و شری است
و از حیث بسیاری از محلات بعد از محوطه برادر در مملکت هند وستان ثانی
ندارد و در وسط آن شهر و قلعه بسیار بزرگ است و یک تجانه بسیار عظیمی از همان
که بت بزرگ هند و آن است و ارتفاع کتب بدین تجانه تقریباً هشتاد
فوت است که تمام آنرا از سنگ تجاری شده ساخته اند که در تمام ممالک
هند وستان ثانی ندارد و **بیکاپتن** در کنار دریا واقع شده و بندرگاه بسیار
ترنگبار بیشتر تر بندرگاه است و جمعی قبل از تصرف دولت فرانسه بود
شهر ترنجپالی در تمام آن محوطه از حیث آبادی و معوری درجه دوم مدرست است

اصطلاحات هند مدیور از شهرهای قدیم هند وستان اول بیشتر تجانه های بسیاری است
قصبه **دندی کل** قلعه بسیار محکمی است و در بالای کوه ساخته شده است
آب و هوای آنجا بسیار نیکو است و جزیره **پیشور** در قرب آنجا است
و در وسط آن جزیره یک تجانه با سم نهاد و بساخته شده است و بانی
آن تجانه رانم چند بوده است که از سلاطین قدیم هند وستان است
شهر **پالم کونا** و **تنی ولی** این هر دو در قرب یکدیگر آباد شده اند و در دو خان
تأثیر پرتی از میان این دو شهر یکدیگر و **شهر تونی کورن** بندرگاه معتبر است
و از آنجا بنده بسیاری بنجای میرند و در قرب آن بندرگاه مروراید بسیار
بیرون میاید گویند **پور** در قرب کوه نیلگری است و شهر بسیار خوبی است
و در کوههای نیلگری شهر **انگکند** و **گنور** شهرهای مشهور و معروفی است
و محل تبدیل و تغییر آب و هوای آنجا بسیار است و **پنا** و **مضی** از کوهها
نیلگری است که از او طلا بیرون میاید و **شیر کالی کورت** در کنار دریا واقع
شده است و مرکز محوطه ملیبار است و این اول بندرگاهی است که
انگلیسان چهار خود را آنجا آورده اند **چمبر** در بیشتر حد غری راه این مدرست

اصطلاحات هند بادشاه میرسد در سمت جنوبی کالی کوت شهر کوچین آباد شده است
 در طرف شمالی کالی کوت شهر **لیچری** است که آنهم بندرگاه معتبر است
 شهر **کائور** یکی از معمرهای نکلیس است **منگلور** مرکز محوطه کائور جنوبی است
 و در همین شهر مابین نیوسلطان و انگلیسها یک عهدنامه منعقد گردید
بیان در احوال حکومتی مملکت برار

این مملکت در طرف شمالی مملکت دکن واقع شده است و محدود است
 بحدود دریا بجهت ذیل - حد شمالی بروخانه **ناپتی** مشتی میشود - و حد شرقی
 با حاطه **وژدا** که حدود مملکت مرکزی است اتصال می یابد - و حد جنوبی
 آن بروخانه **پین گنگا** ملحق میشود - و حد غربی بمحوطه **خاندیس** که جزیره
 حکومت پینی است میرسد در ضمنی این مملکت ممانا حاصل خیز است خاصه
 در جهت چپ که بوفور میشود آب و هوای اینجا با آنست مملکت دکن بهتر است
 و این مملکت سابق برین شامل ایالت مملکت دکن بود از جهت این
 فرمانروای مملکت دکن این نقطه را برای مخارج افواج نکلیس بایشان گذاشت
 نمود که در واقع بهتر از مخارج مملکت دکن است این نقطه را غیر از کوره و با انگلیسها و کائور

اصطلاحات هند که در داخل مملکت قریب دویست و هشتاد و یک است ملک برار بدست
 منقسم شده است یکی **برار شرقی** و دیگری **برار غربی** گویند و هر یک از
 این دو قسمت مثل برته محوطه است و هر محوطه دارای چند شهر و نصیب است
 از قرار تفصیل ذیل - قسمت اول مثل است برته محوطه اول محوطه **ایچ پور**
 که در سمت غربی ماکپور واقع شده است و دویست و شصت و هشت میل
 مربع سطح آنست و دویست و بیست و هشت هزار و پانصد و بیست و شش نفر
 جمعیت دارد مواضع مشهوره اش یکی شهر **ایچ پور** و یکی **کال گده** است
 دوم محوطه **امراوتی** که در سمت جنوبی ایچ پور واقع شده است سطح آن دو
 هزار و بیست و شصت و بیست و هشت میل مربع است و پانصد و یک هزار و سیصد و
 سی و یک نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره اینجا یکی **امراوتی** و یکی **بدره** است
 سوم محوطه **وان** که در طرف جنوبی و شرقی امراوتی واقع است و سیصد و
 هشت و سه هزار و شصت و هشتاد و نه نفر جمعیت دارد و شهر وان از
 مواضع مشهوره این محوطه است قسمت غربی برار این قسمت نیز مثل برته محوطه است
 اول محوطه **اکولا** که در جانب غربی امراوتی و ایچ پور واقع است و دویست و

بیان

اصطلاحات هند و شش صد و پنجاه و چهار میل مربع سطح است بعد از نقش چهار صد و شصت هزار و شش صد و پانزده نفر است مواضع مشهوره یکی شهر **اکولا** یکی **خامگانو** و دیگری **ارگانو** است و دوم محوطه **بلدانه** که در طرف جنوبی اکولا واقع است و دو هزار و شصت و هشت میل مربع سطح است و سیصد و شصت و پنجاه و هشتصد و هشتاد و نه نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره آن یکی شهر **بلدانه** و یکی **دیو لگانو** است سوم محوطه **باشم** که در سمت شرقی بلدانه واقع شده است و دو هزار و نهصد و پنجاه و شصت میل مربع سطح است و دویست و هشتاد و شش هزار و چهار صد و شصت نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره این محوطه همان شهر **باشم** است

بیان در مجملی از احوال مشهوره مملکت برار
شهر پنج پور در ایام سلطنت مسلمانان در آنگونه محوطه مملکت برار بوده و اکنون هم جمعیت آنجا تقریباً چهل و پنجاه نفر است و در طرف غربی شهر پنج پور قصبه **گاد** لگده است یکفصله محلی از بنای قدیم در آنجا است **شهر اردو** نسبت بایر شهرهای معوره هندوستان از حیث

آبادی نیز درجه دوم میباشد در تجارت جنبه بسیار شود و در طرف غربی شهر اردو قصبه **خام گانو** است انبارهای جنبه و برین قصبه بسیار است قصبه **ارگانو** در سنوات سالقه مابین انگلیسها و طایفه **میرته** در اینجا جنگ عظیمی واقع شد تا آخر آخر خزان و زمستانی با جمعی از سپاه انگلیس شکست خورده **میرته** را در جان قصبه شکست داد

بیان در احوال حکومتی ملک اجمیر و مرواره
 این دو قطعه زمین در وسط مملکت راجپوتانه واقع شده و حد و این دو قطعه از سمتی بابالت **جو پور** میرسد و از طرفی به **اودی پور** متصل میشود و از طرف دیگر بابالت **کشنگه** منتهی میشود سابق برین ملک اجمیر متعلق به حکومتی مالک مغربی و شمالی هندوستان بود لیکن از سلسله عبیدی این دو قطعه را حکومت انگلیس از مالک مذکوره مجزا نموده و سپرده فرما فرمایند و در سال ۱۸۵۷ هندوستان شد و اکنون نظم و هندیه آنجا وکیل فرما فرمایند و در سال ۱۸۵۷ که آن زمان در مخصوص اجمیر و مرواره بنامند محل حکومتی آنرا وکیل همیشه اوقات در شهر اجمیر است از مواضع مفر که این شهر بقعه و با گاهی است از خواجه معین الدین

چستی و بقدری انبساط و مسلمانان هند محترم میارند که در عهد سلطنت اکبر شاه
شاهیه پادشاهی برهنه از شهر اگره برای زیارت ابن بقعه با حیر آمد و بفاصله مائوه
میل از چیر بقعه نصیر آباد است که یکی از معجزاتی بکلیه سات و از دست و بکر
بفاصله شش میل دریاچه بکرچی است که زیارتگاه طایفه هندو است از مسافت
بعیده برای زیارت این دریاچه می آیند و دست پرستان از عقیده نیست که خداوند
این دریاچه را چشم است زمین قرار داده و گویند که سالی یکبار آید و بندهاگان
خود را در لب این دریاچه دعوت میکرد و آنهارا اعلام میامخت بنا بر علیه غل
کردن در آن دریاچه را بسیار بیکو و عظیم شمارند و گویند که هر کس در تمام عمر یکبار
درین دریاچه غسل کند از تمام گناهان صغیره و کبیره پاک و مژده میدهد

بیان در احوال حکومتی برتیش برمان یعنی برامی متعلقه با کلیس

موضع که از مالک برمان در قبضه و تصرف انگلیسان است از برتیش برما
گویند این قطعه از طرف شرقی بنگاله به ضلع جاگنا متصل میشود و از آنجا تا بنیه
طایا اتصال یافته می شود این ملک اغلب کوستان و آبادی آن بسیار کم است

بیان در حکومتی ملک کرگ
این قطعه باین ایالات طایار
و مقهور واقع شده است و در
قطعه کو و جنگل بسیار است
در قشای کل خود و در قوز
دارد و قوز از جنگل طایار
مشهور به سنگ است و در
آنجا شخص باطنی است از
فرمانروای هندوستان
و در تحت امر و نفی نام
مقیم در ملک است و کل
حکومتی ملک کرگ در
مرکز است

و از کوههای آنجا است شرقی و غربی شعبه های چند رودخانه مازد وسط
الملک میکند که یکی رودخانه **ایراوتی** و دیگری **سالین** و دیگر **سانک**
که رودخانه های مشهور آنجا است فصول آنجا هم مانند ملک هندوستان
و از بسیاری بارندگی در ایام خصال بهشتا و متوالی دریا و رودخانه های متعلقه با
در طبعان است با معنی که درین ایام همیشه سیلاب از کوههای آنجا جاریست
باین واسطه ساکنین آنجا و برای آسایش خود خانه های بسیار مرتفع از چوب و
ساخته اند با معنی که چوبهای بسیار قوی را در زمین نصب کرده و بر روی آنها
مقرن برای خود بنا کرده اند اما بی برمان عموماً در تحت پوشش اند و بر روی
نهیب بود و میبایند زراعات مشهوره آنجا و برنج و بنانا و چنه است
سابق برین انمالک متصرفی بکلیس و تحت حکومت بنگاله بود لیکن از پیش
عبدی الملک از حکومتی بنگاله جدا کرده و سپرده نامور مخصوصی گردید ملک
تیریه قسمت منقسم نموده اند و هر قسمی مستقل بر چند قوطه است و هر قوطه دارای چند شهر
تیره مشهور است

بیان در قسمت اول متعلقه حکومتی برما

این قسمت را **اکان** گویند مثل بر چهار محوطه است اول محوطه **اکاب** که در طرف جنوبی چاکانو واقع است و چهارصد و سی و هشت میل مربع سطح است و دویست و هشتاد و چهار هزار و هشتصد و شصت نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره آن همان شهر **اکاب** است محوطه دوم را **اکان شمالی** گویند که در طرف شرقی **اکاب** واقع است سطح آن چهار هزار و دویست و سیزده میل مربع است و سیزده هزار و یکصد و شصت و یک نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره آنجا شهر **اکان** است سوم محوطه **کیو کفیو** که در طرف جنوبی و شرقی **اکاب** واقع شده است و چهار هزار و سیصد و نه میل مربع سطح است تعداد نفوس یکصد و چهل و شش هزار و شصت و هشت نفر است مواضع مشهوره آن یکی شهر **کیو کفیو** و یکی **رامری** است چهارم محوطه **سیندوی** که در طرف جنوبی **کیو کفیو** واقع شده است سطح آن نه هزار و شصت و هشت میل مربع است و چاه و شش هزار و هشتصد و هشتاد و دو نفر جمعیت دارد و بلاد مشهوره آن شهر **سیندوی** است

بیان در قسمت دوم متعلقه حکومتی بریهای این

این قسمت را **پیکو** گویند و مثل است بر هفت محوطه اول محوطه **شهر رنگون** که سیزده میل مربع سطح است و نه هزار و چهارصد و پنجاه و هشت نفر جمعیت دارد و در محوطه سوای شهر **رنگون** جای دیگری نیست دوم محوطه **ضلع رنگون** (یعنی حوالی **رنگون**) در محوطه در سمت شمالی **خلج مرتبان** واقع شده است سطح آن چهار هزار و دویست و سی و شش میل مربع است و هشتاد و ششصد و هشتاد و پنج نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره آنجا شهر **رنگون** است سوم محوطه **تنگلا** که در سمت جنوبی **سیندوی** واقع شده است سطح آن چهار هزار و چهارصد و سیزده میل مربع است و دویست و ده هزار و نهصد و هشتاد و پنج نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره که در محوطه است یکی شهر **باندون** و **پشتا** و دیگری **دونی پو** است چهارم محوطه **سین** که در جانب غربی **رنگون** واقع است و هشتاد و چهل و هشت میل مربع سطح است تعداد نفوس دویست و نه هزار و پانصد و پنجاه و هشت نفر است مواضع مشهوره که در محوطه است همان شهر **سین** میباشد پنجم محوطه **هترا** که در سمت شمالی **سین** واقع شده است و چهار هزار

تنگلا

پشتا

یکصد و شصت و دو میل مربع سطح است و پانصد و هجده هزار و هشتصد و
سی و نوزده جمعیت دارد و بلاد مشهوره که در بخوده هست یکی **شهر ترازو** و
یکی **کیا ننگین** و دیگری **میاسنگ** و **زیون** است ششم **مخوطه پروم** که
در طرف شرقی سیندوی واقع شده است سطح آن دو هزار و هشتصد و
هشتاد و هشت میل مربع است تعداد نفوسش رویت و هشتاد و دو
هزار و یکصد و هشتاد و هشت نفر است شهر و قصبه های مشهوره آن یکی **شهر**
پروم و یکی **شوندنگ** و دیگری **پونگدی** است هفتم **مخوطه قبت بیو** که
در سمت شمالی پروم واقع شده است و ده هزار و سیصد و نود
و شش میل مربع سطح است و یکصد و چهل و هشت هزار و دو رویت
و سی و چهار نفر جمعیت دارد و در بخوده سواي شرقیت میو موضع مدوقی
بیان در قسمت سوم متعلقه بکومتی بریامی کلیه
این قسمت را **رستاسرم** میگویند و شمل است شش مخوطه اول
آمرت این مخوطه هم در خلیج مریبان واقع شده است و پانزده هزار و
دو رویت و نه میل مربع سطح است و دو رویت و هشتاد و چهار هزار و

تیشیر

درست

هشتصد

هشتصد و سی و یک نفر جمعیت دارد و محل مشهور در بخوده **شهر مولین** است
و دوم **مخوطه تیوی** که در طرف جنوبی امرت واقع شده است سطح
آن هفت هزار و دو رویت میل مربع است و هشتاد و نه هزار و یکصد و بیست
و دو نفر جمعیت دارد و مواضع مشهوره این مخوطه همان **شهر تیوی** است سوم
مخوطه مرکونی که در سمت جنوبی تیوی واقع شده است سطح آن بیست و
هشتصد و نه میل مربع است و پنجاه و دو هزار و یکصد و هشتاد و پنج نفر
جمعیت دارد و در بخوده موضع مشهوری سواي شهر مرکونی ندارد و چهارم
مخوطه شوشی چین در سمت شمالی امرت واقع است و پنجاه هزار و پانصد و
شصت و چهار میل مربع سطح است و یکصد و سی و نه هزار و چهارصد و
سی و دو نفر جمعیت دارد و مواضع مشهوره آنجا **شهر شوشی چین** است
پنجم **مخوطه تونگو** که در جانب شرقی پروم واقع شده است سطح آن
شش هزار و سیصد و پنجاه و چهار میل مربع است و هشتاد و نه هزار و
دو رویت و بیست و هشت نفر جمعیت دارد و محل مشهور آنجا **شهر تونگو** است
ششم **مخوطه سالون** که در طرف شرقی تونگو واقع است و چهار هزار و

و شصت و سی و شش میل مربع است تعداد نفوس سی و شش هزار
و شصت و چهل و نه نفر است مشهورترین مواضع آن شهر سالون است
بیان در مجلی از احوال بلاد مشهوره بیرمای انگلیسی
الکتاب از بیشتر برج بسیاری بخارج محل میشود که **کفینو** بیشتر در کنار دریاست
شده و لنگرگاه بسیار خوبی دارد و محل هرگونه تجارت و بیع و شری است
سیندی در نقطه تنگای بسیاری از است میثود که تمام برک آنها از
سیکاری چند **رگون** در کنار رودخانه از اوقی واقع شده است و
دارای حکومت بیرمای انگلیسی در همین شهر است عمده تجارت بیشتر برج و
چوب است **دونی پو** در ششای عسوی در بیشتر ما بین انگلیسها و مالی بریا
عمده مانده منعقد گردیده **سین** در نقطه اینجا جنگلهای چوب و معدن نیک
بسیار میشود **هنزاد** بیشتر در کنار رودخانه از اوقی آباد شده است
شهر بسیار خوب و لطیفی است در نقطه شهر بزرگ معدن پرولیم باقی میشود
که کنوع کلی است از او درخت است عمل میاید **مولین** در بیشتر تجارت چوب
بسیار میشود از حیث آبادی و معموری درجه دوم شمرده میشود **امرت**

این ناحیه از حیث بسیاری خوب مشهور و معروف است **شهر توگو** و
نیت بو لنگرگاه انگلیسهاست
بیان در شهرها و ممالکی که در هندوستان در تصرف
نواب و راجه های آنجا است
مخفی نمائیم که ممالک مذکوره در فوق جا مالی بود که در قبضه و تصرف
انگلیس بود اکنون محضری از ممالک و بلادی که در هندوستان تصرف
راجه و نوابهای آنجا است و در حفاظت دولت انگلیس است که در
حقیقت مطیع و خراجگذار دولت مشایه است بیان میمائیم و شرح آن
از قرار تفصیل و ذیل است - باید دانست که اکنون هم که انگلیسها هندوستان
متصرف شده اند باز هم زیاده از دولت و مملکت و حیطه تصرف خود
هندیان است لیکن مالیات آنها با نسبت به ممالک متصرفه خود انگلیس بسیار
کم است تمام محوطه متصرفه نواب و راجه های هندوستان سطح از روی
تخمین ششصد و سیل مربع است و تعداد رعایای آنها تقریباً پنج کروند است
که یکصد کرد در ایران باشد و تمام مالیات ملکی آن بهیچ وجه و از دگر

روپيه است که عبارت از شصت کرد تومان باشد ایالات مشهوره آنها
 بموجب ذیل ذکر نمایم تا بر ناظرین پوشیده نماند اول مملکت **راپور**
 بمملکت در جزو مملکت شمالی و مغربی هندوستان شمرده میشود تمام سطح آن
 نصد و چهل و پنج میل مربع است و پانصد و هشتاد نفر رعیت دارد تمام مالیات
 مملکتی ریاست **راپور** چهارده لک و شصت هزار روپيه است که عبارت از
 سصد و شصت و پنجاه تومان باشد بلا مشهوره پنج خطه شهر **راپور** است
 دوم مملکت **گدوال** بمملکت نیز در جزو مملکت مغربی و شمالی هندوستان
 و چهار هزار و یکصد و هشتاد میل مربع سطح است و یکصد و پنجاه هزار نفر رعیت
 دارد تمام مالیات مملکتی ریاست **گدوال** هشتاد هزار روپيه است که تقریباً
 میت هزار تومان میشود بلا مشهوره پنج خطه **شهر تری** است سوم خطه **کونج بها**
 که در جزو مملکت بنگاله شمرده شده است و هزار و سیصد و بیست میل مربع
 سطح است و پانصد و سی و دو هزار نفر رعیت دارد و مالیات مملکتی ریاست
 آنجا ده لک روپيه است که تقریباً و بیست و پنجاه هزار تومان میشود بلا مشهوره
 پنج خطه **شهر کونج بها** است چهارم خطه **شکم** پنج خطه نیز در مملکت بنگاله

لک نشانه سال

شهر

واقع

واقع شده است و دو هزار و شصت میل مربع سطح است بلا مشهوره
 شهر **قیلانک** پاشد رعایا و مالیات پنج خطه معلوم نیست پنجم خطه **منی پور** که
 در جزو مملکت آسام واقع است و هشتاد و پانصد و سی میل مربع سطح است و
 یکصد و بیست و شش هزار نفر رعیت دارد و شصت هزار روپيه مالیات ایالتی
 آنجا است موضع مشهور پنج خطه همان شهر **منی پور** است ششم خطه **کشمیر** که
 جزو مملکت پنجاب محسوب میشود سطح آن شصت هزار میل مربع است و پانزده
 لک و سی و پنجاه هزار نفر رعیت دارد که بحساب ایران سه کروسی و پنجاه نفر میشود
 تمام مالیات مملکتی ریاست آنجا پنجاه و پنج لک روپيه است که بحساب ایران
 دو کروسی و سیصد و هشتاد و پنجاه تومان میشود بلا مشهوره آنجا یکی شهر **بها و پورو**
 دیگری **اوج** است ششم خطه **قیلانک** پنج خطه نیز در مملکت پنجاب واقع است
 و پنجاه و چهار صد و دوازده میل مربع سطح است و پانزده لک و هشتاد و
 و شش هزار نفر رعیت دارد و مالیات مملکتی ریاست آنجا چهل و پنج لک
 و شصت و شش هزار روپيه است که بحساب ایران دو کروسی و یکصد و چهل هزار
 تومان میشود هفتم خطه **ناب** پنج خطه در مملکت پنجاب واقع است و پانصد و

همان و کشور و سلام آباد و لویج
 و پانچور باشد هفتم خطه **بها و پورو**
 پنج خطه نیز در مملکت پنجاب واقع
 شده است و بیست و چهار میل
 مربع سطح است و چهار صد و
 پنجاه و شش هزار نفر رعیت دارد
 تمام مالیات مملکتی ریاست
 آنجا پانزده لک روپيه است که
 بحساب ایران سیصد و هشتاد و
 پنجاه تومان میشود بلا مشهوره
 آنجا یکی شهر

و هشت و دو میل مربع سطح است و دویست و شصت و شش هزار نفر رعیت دارد
 تمام مالیات ریاستی آنجا شش لک و پنجاه هزار روپیه است که عبارت از یکصد و
 شصت و دو هزار و پانصد تومان میشود و اموال معشور و مخوفه همان شهر نایست
 و هم مخوفه **جند** آنخوفه نیز در ملک پنجاب است و دیگر که دویست و بیست و شش
 میل مربع سطح است و یکصد و نو هزار نفر رعیت دارد و چهار لک و روپیه
 مالیات ریاست آنجا است که عبارت از یکصد هزار تومان میشود و مواضع مشهور
 آنخوفه همان شهر جند است و یازدهم مخوفه **فریدکوت** آنخوفه هم در ملک پنجاب
 سطح آن ششصد و چهل و سه میل مربع است تمام رعیت متعلقه بر ریاست
 آنخوفه شصت و شش هزار نفر است و تمام مالیات ملکی آنجا سه لک و روپیه است
 که عبارت از هشتاد و پنج هزار تومان میشود و دوازدهم مخوفه **کپورتک** آنخوفه نیز در ملک
 پنجاب است و پانصد و نو و هشت میل مربع سطح است و دویست و پنجاه و
 نفر رعیت دارد و مالیات ملکی ریاست آنجا همدهجهه و شش لک و پنجاه هزار روپیه است
 که عبارت از دویست و سی هزار و پانصد تومان میشود و شهر مشهور آنجا **کاشی** است
 سیزدهم مخوفه **چناب** آنخوفه نیز در ملک پنجاب واقع است و سه هزار و

جند

کپورتک

دارد

دویست و شانزده میل مربع سطح است و یکصد و سی هزار نفر رعیت دارد
 مالیات ملکی ریاست آنجا همدهجهه و دویست و پانزده هزار روپیه است که عبارت
 از پنجاه و سه هزار و پانصد تومان میشود و شهر مشهور آنخوفه چناب است چهاردهم مخوفه
میندی آنخوفه نیز در ملک پنجاب واقع است هزار و هشتاد و سه میل مربع سطح
 است و تمام رعایای آن یکصد و چهل و شش هزار نفر است و سیصد و پنجاه
 نه هزار روپیه مالیات ریاستی آنجا است که تقریباً نو هزار تومان میشود و پانزدهم
 مخوفه **بستر** آنخوفه در جزو مالک مرکزی هندوستان واقع است سطح آن
 معین نشده رعایای آنخوفه هشتاد و نه هزار نفرند و مالیات ریاستی آنجا
 نو و دو هزار روپیه است که تقریباً بیست و سه هزار تومان میشود و شانزدهم
 مخوفه **برود** آنملکت در جزو مالک متعلقه به بی محوب میشود سطح آن شانزده
 هزار و پانصد میل مربع است تمام رعایای متعلقه بر ریاست آنجا بیست
 یک لک و روپیه است که عبارت از شش هزار و دویست و پنجاه هزار تومان
 میشود و بلاد مشهوره در آنخوفه کی شهر برود و یکی دینه است هجدهم
 مخوفه **کج** آنخوفه نیز در جزو مالک متعلقه به بی محوب میشود و شش هزار و پانصد

که عبارت از چهار لک و یکصد
 هزار نفر میشود تمام مالیات
 ملکی ریاست آنجا یک لک
 و سی لک
 سینه

میل مربع است و پانصد هزار نفر رعیت دارد و چهار دهک و هشتاد و شش هزار روپیه مالیات ریاستی آنجاست که تقریباً سیصد و هشتاد هزار تومان میشود بلاد مشهوره آنخوط یکی شریج و یکی مانده وی است هجدهم خوطه **بوناگده** آنخوط نیز در جزو ممالک میانی است و سه هزار و هشتصد میل مربع سطح است و سیصد و هشتاد و یک هزار نفر رعیت دارد و هجده دهک و پانزده مالیات ریاستی آنجاست که تخمیناً چهارصد و پنجاه هزار تومان میشود موضع مشهوره آنخوط شهر جوناگده و پلین سومات و دوار که است نوزدهم خوطه **بابونکر** آنخوط نیز در جزو ممالک متعلقه به میانی محبوب است و دوازده هزار و هشتصد و هشتاد و چهار میل مربع سطح است و چهارصد و چهار هزار نفر رعیت دارد و سی و یک دهک روپیه مالیات ملکی ریاست آنجاست که عبارت از یک کرو و دویست و هشتاد و پنجاه هزار تومان میشود شهر مشهور آنخوط **بوناگده** است بیستم خوطه **نوناگده** آنخوط نیز در جزو ممالک متعلقه بجاگوسی میانی است و سه هزار و سیصد و نود و سه میل مربع سطح است و دویست و نود و یک هزار نفر رعیت دارد و مالیات ریاستی آنخوط ده دهک روپیه است که عبارت از

ج
جوناگده

بابونکر

دویست و پنجاه هزار تومان میشود و یکم خوطه **کولاپور** آنخوط نیز در جزو ممالک متعلقه بجاگوسی میانی است سطح آن سه هزار و یکصد و هشتاد و چهار میل مربع است و هشتصد و هشتاد و یک هزار نفر رعیت دارد و مالیات ریاستی آنجا هجده هجده دهک و پنجاه و پنجاه هزار روپیه است که عبارت از چهارصد و چهل هزار تومان میشود موضع مشهور آن همان شهر کولاپور است و دوم خوطه **کلیات** آنخوط هم در جزو ممالک متعلقه بجاگوسی میانی است و سیصد و پنجاه میل مربع سطح آنخوط است و هشتاد و سه هزار نفر رعیت دارد و تمام مالیات ریاستی آنجا چهار دهک روپیه است که عبارت از یکصد هزار تومان میشود موضع مشهور و این احاطه همان شهر **کلیات** است بیست و یکم خوطه **نیر پور** آنخوط نیز در جزو ممالک متعلقه بجاگوسی میانی است و شش هزار و سیصد و بیست و پنجاه هزار نفر رعیت دارد و پنجاه دهک و هشتاد و نه هزار روپیه مالیات ریاستی آنجاست که تقریباً یکصد و پنجاه هزار تومان میشود و چهارم خوطه **ساونت** و **والی** آنخوط نیز در جزو ممالک متعلقه بجاگوسی میانی است و هشتصد و سیصد و بیست و یک هزار نفر رعیت دارد و مالیات ریاستی آنجا سه دهک روپیه است که عبارت از هشتاد و پنجاه هزار تومان

کولاپور

میشود بلا مشوره در مخوطه کمانتر ساونت داري است ميت و چشم مخوطه را دو
مخوطه هم در جزو مالک مغاضه بکومت ميت است بشنزار و ششصد و پنجاه و سه
میل مربع سطح است تمام رعایای مخوطه ميت و سه لک و باز و دو هزار و دو صده و پنجاه و سه
از چهار کرو و سیصد و باز و دو هزار و دو صده و پنجاه و سه میل مربع است ماليات ملکني ربايت انجا پنجاه و سه
و هشتاد و هشت هزار و رويه است که تقریبا سه کرو و تومان میشود بلا مشوره در مخوطه
یکی شهر مروین و دم و یکی کولن و دیکری الوی است ميت بششم مخوطه کوشن
مخوطه در جزو مالک مغاضه بکومت ميت در سرس است و یکهزار و یکصد و هشت و یک میل مربع
سطح است تمام رعایای مخوطه ششصد و یکهزار و پنجاه و سه میل مربع است تمام ماليات ربايتي
انجا سیصد و یک رويه است که تقریبا سیصد و یکهزار و تومان میشود بلا مشوره
مخوطه شهر ارن کولم است ميت و چشم مخوطه توک تا مخوطه نیز در جزو مالک مغاضه
بکومتی در سرس است و یکهزار و چهل و شش میل مربع سطح است و دو صده و پنجاه و سه
و چهار هزار و پنجاه و سه میل مربع است تمام ماليات ربايتي انجا چهار لک و رويه است که تقریبا
یکصد و یکهزار و تومان میشود بلا مشوره مخوطه کمانتر نیوک است
بلا و دو کرو در ملکني واقع شده باشد خان چهار رو ساونت و ایان انجا معلق

بجگام نخلیسی مخوطه است مثلا بلادی که در جزو مالک مغاضه ميت است
رو ساونت و پنجاه و سه میل مربع است تمام رعایای مخوطه ميت و سه لک و باز و دو هزار و دو صده و پنجاه و سه
را اجه و رو ساونت و پنجاه و سه میل مربع است تمام ماليات ملکني ربايت انجا پنجاه و سه
و هشتاد و هشت هزار و رويه است که تقریبا سه کرو و تومان میشود بلا مشوره در مخوطه
یکی شهر مروین و دم و یکی کولن و دیکری الوی است ميت بششم مخوطه کوشن
مخوطه در جزو مالک مغاضه بکومت ميت در سرس است و یکهزار و یکصد و هشت و یک میل مربع
سطح است تمام رعایای مخوطه ششصد و یکهزار و پنجاه و سه میل مربع است تمام ماليات ربايتي
انجا سیصد و یک رويه است که تقریبا سیصد و یکهزار و تومان میشود بلا مشوره
مخوطه شهر ارن کولم است ميت و چشم مخوطه توک تا مخوطه نیز در جزو مالک مغاضه
بکومتی در سرس است و یکهزار و چهل و شش میل مربع سطح است و دو صده و پنجاه و سه
و چهار هزار و پنجاه و سه میل مربع است تمام ماليات ربايتي انجا چهار لک و رويه است که تقریبا
یکصد و یکهزار و تومان میشود بلا مشوره مخوطه کمانتر نیوک است
بلا و دو کرو در ملکني واقع شده باشد خان چهار رو ساونت و ایان انجا معلق

مملکت هند مار هم میا منند پانزده هزار و دویست و پنجاه میل مربع سطح
 است و نوزده لک تعداد رعایای آن مخطوط میباشد که بحساب ایران
 سه کرور و چهار صد هزار نفر میشود تمام مالیات ریاستی آنجا پنجاه لک پیه
 که تقریباً دو کرور و دویست و پنجاه هزار تومان میشود (بلا و مشوره آنجا کی
 شهر **جینور** و دیگر **تمبور** و **امیر** و **سافر** است سی و یکم مخطوط **پانچور** است
 سطح آن یکصد و شصت و بیت و شش میل مربع است تعداد رعایای
 متقاضی برای آنجا پانصد و بیت و چهار هزار نفر است تمام مالیات
 مملکتی آنجا ده لک روپیه است که عبارت از دویست و پنجاه هزار تومان
 میشود مواضع مشهور آن مخطوط همان شهر **دلی** است سی و دوم مخطوط **دلی**
 که یکصد و بیست و هشتاد و شش میل مربع سطح آن میباشد رعایای آنجا
 یکصد و هشتاد و بیست هزار نفر اند مالیات ریاستی آن مخطوط سه لک و پنجاه
 هزار روپیه است که تقریباً نو هزار تومان میشود مواضع مشهور آنجا همان
دلی است سی و سوم مخطوط **نونا** است که یکصد و بیست و هشتاد و شش
 و سه میل مربع سطح آن میباشد و یکصد و هشتاد و دو هزار نفر رعایای آنجا

تمبور سافیر

مالیات ریاستی آن مخطوط شانزده لک روپیه است که تقریباً چهار صد هزار
 تومان میشود بلا و مشوره آنجا کی شهر **نونا** و دیگری **رمپور** و **نیمبر است**
 سی و چهارم مخطوط **کشنگ** است که بیست و هشت و بیت و چهار میل مربع سطح
 است تعداد رعایای آنجا یکصد هزار نفر است و دویست و بیت و
 چهار هزار روپیه مالیات ریاستی آن مخطوط میباشد که عبارت از پنجاه و شش هزار
 تومان است مواضع مشهور آنجا همان شهر **کشنگ** است سی و پنجم مخطوط
پونڈی است که دو هزار و بیست و نه میل مربع سطح آن میباشد
 رعایای آنجا دویست و بیت و چهار هزار نفر اند تمام مالیات ریاستی
 آنجا پانصد هزار روپیه میشود که تقریباً یکصد و بیت و چهار هزار تومان است
 مواضع مشهور آن مخطوط همان شهر **پونڈی** است سی و ششم مخطوط **کونا** که چهار
 میل مربع سطح آن میباشد تعداد رعایای آنجا چهار صد و سی و سه هزار نفر
 مالیات ریاستی آن مخطوط بیست و پنج لک و پنجاه هزار روپیه است که عبارت
 از یک کرور و یکصد و سی و هشت هزار و پانصد تومان میشود مواضع مشهور آنجا
 همان شهر **کونا** است سی و هفتم مخطوط **جاولا** است که سطح آن دو هزار

نیمبر
کشنگ

پانصد میل مربع است و دولت بیت و شش هزار نفر رعیت دارد
 مالیات ریاستی آنجا دولت و پنجاه هزار روپیه است که تقریباً شصت
 و هزار و پانصد تومان میشود موضع مشهور آنجا همان شهر جالراپاس است
 سی و هشتم **محوطه نیرنگده** است که یکزار و چهارصد و پنجاه و هشت میل
 مربع سطح آن میباشد تعداد نفوس رعایای متعلقه بریاست آنجا یکصد
 چهل و پنجاه نفر است مالیات ریاستی آن محوطه نیرشت و دو هزار و پانصد
 تومان است موضع مشهور آنجا شهر برنگده است سی و نهم **محوطه بانورا**
 که سطح آن یکزار و پانصد میل مربع است و یکصد و چهل و چهار هزار
 نفر رعیت دارد مالیات ریاستی آن محوطه یکصد و بیست و پنجاه روپیه است
 که تخمیناً سی و یک هزار و دولت و پنجاه تومان میشود چهل **محوطه دوگر پور** است
 که یکزار میل مربع سطح آن میباشد و یکصد هزار نفر رعیت دارد مالیات
 ریاستی آن محوطه نیرسی و یک هزار و دولت و پنجاه تومان است موضع مشهور
 آنجا همان شهر دوگر پور است چهل و یکم **محوطه آدوی پور** است که آنرا
میسور نیز میگویند سطح آن یازده هزار و ششصد و چهارده میل مربع است

برنگی

یازده و یک و شصت و شش هزار نفر رعیت دارد که بحساب ایران آید کرده
 و یکصد و شصت و شش هزار نفر میشود تمام مالیات ریاستی آنجا بیست و هشت
 لک روپیه است که تقریباً یک کرور و یکصد و هشتاد و پنجاه هزار تومان میشود بملا
 مشهوره آن محوطه یکی شهر آدوی پور و یکی چنور و دیگر ناته دوار است چهل و
 دوم **محوطه سرو دی** است که سه هزار و بیست میل مربع سطح آن میباشد
 تعداد رعایای آنجا یکصد و پنجاه هزار نفر است و مالیات ریاستی آن محوطه
 تقریباً سی و یک هزار و دولت و پنجاه تومان میشود بملا و مشهوره آنجا یکی شهر
 سرو دی و یکی آتو است چهل و سوم **محوطه جود پور** است آن محوطه را **لک**
مازور نیز مینامند سی و پنجاه و ششصد و هشتاد و دو میل مربع سطح
 است و هفتده لک و هشتاد و سه هزار نفر رعیت دارد که بحساب ایران
 سه کرور و دولت و هشتاد و سه هزار نفر میشود تمام مالیات مملکتی آنجا
 سی لک روپیه است که تقریباً یک کرور و دولت و پنجاه هزار تومان میشود
 بملا و مشهوره آن محوطه یکی شهر جود پور و دیگر ناگور و قیرتا و کتو است چهل و
 چهارم **محوطه نیکنیر** که هفتده هزار و ششصد و هشتاد و دو میل مربع سطح آن میباشد

چهار

ملا

برنگی

و پانصد و سی و نه هزار نفر رعایای متعلقه بریاستی آنجا است تمام مالیش
 به قصد و پنجاه هزار روپیه است که تخمیناً یکصد و نود هزار تومان میشود بلا
 مشوره آنجا یکی شهر یکاییز و دیگر بنیر است چهل و پنجم محوطه **جیلیر** است
 که دوازده هزار و دویست و پنجاه و دو میل مربع سطح آن میباشد تعداد
 رعایای آن هشتاد و سه هزار نفر است تمام مالیات ریاستی آنجا یکصد
 هزار روپیه است که تقریباً بیست و پنجاه هزار تومان میشود

بیشتر

این هجده محوطه که ذکر شد شازده محوطه آن در تحت ریاست بنیر است
 و محوطه ببرت پور که در غزه بیست و ششم ذکر شد در تصرف طایفه جات
 میباشد و محوطه نونک که در غزه سی و سوم ذکر شد در تصرف سلیمانان است
 اکنون از غزه چهل و ششم الی شصتم که از قریه تفصیل آن ذکر میشود محوطه مالی است
 که در جزو مالک مرکزی هندوستان شمرده میشود و سواراجه آنجا مالک
 در تحت مملکت مامور مخصوص مالک مرکزی هشت و سوهای سه محوطه آن
 مابقی را ملک بنده میکنند گویند و شرح آن از قریه است که ذکر میشود
 چهل و ششم محوطه **گو الی** آنجا حکومت بنده یا قیامند سطح آن

بنده میکنند

سینه میا

سی و سه هزار میل مربع است و سیصد و بیست و پنجاه نفر رعایت
 دارد تمام مالیات ریاستی آنجا یکصد و نود و پانزده لک روپیه است که
 بحساب ایران پنج کرور و دویست و هشتاد و پنجاه هزار تومان میشود بلا مشوره
 آنجا یکی شهر گو الیاری و یکی او جین و نزور و بلتا و پنچ و جانی
 چندیری است چهل و هفتم محوطه **اندور** است آنجا حکومتی **ملک** میباشند
 و بیست هزار و سیصد و بیست میل مربع سطح آن میباشد و بیست و پانزده
 هزار نفر جمعیت دارد تمام مالیات ریاستی آنجا سی لک روپیه است
 که تقریباً یک کرور و دویست و پنجاه هزار تومان میشود بلا مشوره آنجا یکی
 شهر اندور و یکی منو و مانند و مندیشتر است چهل و هشتم محوطه **نوبال**
 که شش هزار و هشتصد و پنجاه و پنج میل مربع سطح آن میباشد تعداد رعایا
 آنجا هشتصد و پانزده هزار نفر است مالیات ریاستی آنجا بیست و چهار
 لک روپیه است که عبارت از ششصد هزار تومان میشود بلا مشوره آنجا
 یکی شهر نوبال و یکی سیهور است چهل و نهم محوطه **و مار** است که دوازده
 میل مربع سطح آن میباشد رعایای متعلقه بریاستی آنجا یکصد و بیست

برای

بهر

نفر است و پنج لک رُوبه مالیات ریاستی آنجاست که عبارت از یکصد
 بیت و پنجاه تومان میشود موضع مشهور آنجوطه شهر دمارانگهر است پنجاهم
 محوطه **نجر** آنجوطه در تصرف مسلمانان است و هشتصد و هشتاد و دو میل
 مربع سطح آن میباشد و پنجاه هزار نفر رعیت دارد و شصت و پنجاه هزار
 رُوبه مالیات ریاستی آنجاست که تقریباً یکصد و شصت و دو هزار و پانصد
 تومان میشود موضع مشهور آنجوطه همان شهر جود است پنجاه و یکم محوطه **دیوان**
 آنجوطه نیز در تصرف مسلمانان است و دویست و پنجاه و شش میل
 مربع سطح آنست رعایای آنجا بیت و پنجاه نفر اند تمام مالیات آن کی
 پنجاه رُوبه است که تخمیناً شتران و هشتصد و پنجاه تومان میشود موضع
 آنجا شهر دیوانس است پنجاه و دوم محوطه **دیوان** آنجوطه ملک **میل کند** و **نجر**
 سطح آن دوازده هزار و هشتصد و بیت و سه میل مربع است و سیزده لک
 و هشتاد هزار نفر رعیت دارد که بحساب ایران دو کور و سیصد و هشتاد
 هزار نفر میشود مالیات مملکتی از ریاست آنجا بیت و دو لک و پنجاه هزار
 رُوبه است که بحساب ایران یک کور و شصت و دو هزار و پانصد تومان

بکسر گفته

باید مشهور آنجا کی شهر دیوان و دیگری باید گفته و شصت است پنجاه و ششم
 محوطه **دینا** که هشتصد و پنجاه میل مربع سطح آنست رعایای متعلقه برایت
 آنجا یکصد و سی هزار نفر اند و مالیات ریاستی آن هشتصد و یک لک رُوبه است
 که تقریباً پنجاه هزار تومان میشود موضع مشهور آنجا همان شهر دینا است پنجاه و
 چهارم محوطه **اورجا** که سطح آن دو هزار و یکصد و شصت میل مربع است و
 دویست هزار نفر رعیت دارد و مالیات ریاستی آنجا شصت هزار رُوبه است
 که تخمیناً یکصد و پنجاه هزار تومان میشود موضع مشهور آنجوطه شهر اورجا است
 که تری بهم میباشد پنجاه و پنجم محوطه **چرا** است که هشتصد و هشتاد و یک
 مربع سطح آنست تمام رعایای آنجا هشتاد و یک هزار نفر است مالیات متعلقه
 بر ریاست آنجوطه پانصد هزار رُوبه است که تقریباً یکصد و بیست و پنجاه هزار
 موضع مشهور آنجا همان شهر چرا کی است پنجاه و ششم محوطه **چرا** که سطح
 آن یک هزار و دویست و چهل میل مربع است و یکصد و بیست هزار نفر
 دارد تمام مالیات ریاستی آنجا سیصد هزار رُوبه است که تقریباً هشتاد
 و پنجاه هزار تومان میشود موضع مشهور آنجا همان شهر چرا کی است پنجاه و هفتم محوطه

شهر چکادر

آنجا که تمام مسلمانان است
 تمام آنجا که رعایای آنجا هزار نفر است
 متعلقه برایت ریاست آنجا شصت هزار رُوبه است
 و پنجاه هزار تومان میشود موضع مشهور آنجا همان شهر چکادر است

انجی گده است **چجاه** و **هشتم** **مخوطه** **چناه** است که سطح آن شصدهشتاد
 و هشت میل مربع است و **نصت** و **هشتر** از **نفر** رعیت دارد و **مالیات** ریاستی
 آن **مخوطه** چهار **لک** **روپیه** است که عبارت از یکصد هزار تومان میشود و موضع مشهور
 آنجا **شهر** **چناه** است **چجاه** و **نهم** **مخوطه** **شستر** است که یکصد و هشتاد و چهار
 میل مربع سطح آن میباشد تمام رعایای آنجا سی هزار نفر اند و چهار **لک** و
 پنجاه هزار **روپیه** **مالیات** ریاستی آن **مخوطه** است که تقریباً یکصد و دوازده
 هزار و پانصد تومان میشود موضع مشهورش همان **شهر** **شستر** است **ششم**
مخوطه **سجاور** که سطح آن نصد و بیست میل مربع است و نود هزار نفر رعیت
 دارد و سه **لک** و پنجاه هزار **روپیه** **مالیات** ریاستی آنجا است موضع مشهور
 آن **مخوطه** همان **شهر** **سجاور** است - این پانزده **مخوطه** جامالی بود که در حوزه
 حفاظت مأمور مخصوص مالک مرکزی شمرده میشد چنانکه ذکر شد
نصت و یکم در احوال مملکت دکن است اگر چه در واقع مملکت تیر در حفاظت
 دولت **انگلیس** است لیکن مملکتی است بسیار وسیع و پادشاه مخصوص و چون
 بسیاری دارد و از جانب دولت **انگلیس** کیوزیر مقیم در آنجا معین است با تخت

سمنه

مملکت

این مملکت **حیدر آباد** است تمام سطح مملکت نود و پنجاه میل مربع است و
 یک کرو در **هندی** رعیت دارد که تقریباً بیست کرو در ایران میشود تمام **مالیات**
 مملکتی آنجا یک کرو در **نصت** و پنج **لک** **روپیه** است که تقریباً بیست کرو در
 یکصد و بیست و پنجاه تومان میشود **شهر** **مای** مشهوره در مملکت ازین قرار است
احمد **آباد** - **سکندر** **آباد** - **بلارم** - **وارنگل** - **بیدر** - **گلبرگ** - **اورنگ** **آباد**
 دولت **آباد** - **مادیر** - **ایلو** - **اسانی** - **نصت** و دوم مملکت **بیور**
 این مملکت هم راجه مخصوصی دارد و وزیر مقیم از جانب دولت **انگلیس** در آنجا
 مقر است تمام سطح مملکت بیست و هشتاد میل مربع است و پنجاه **لک**
 و پنجاه و پنجاه نفر رعیت دارد که بحساب ایران ده کرو در **پنجاه** و پنجاه نفر میشود
 تمام **مالیات** مملکتی آنجا یک کرو در **نصت** و پنج **لک** **روپیه** است که تقریباً پنج
 کرو در **دو** بیست هزار تومان میشود **بلا** و مشهوره مملکت ازین قرار است
میر - **بنگلور** - **سری** **رنگ** **پتن** - **نگر** - **شهبوگا** - **هری** **نهر**
بیان و **مجمعی** از احوال **بلا** و مذکور و متعلقه **بروسا**
هندوستان

اینجا از راه کوه و دریا

بجمله در طرف غربی اگر واقع شده است شهر بسیار بزرگی و قلعه محلی
که مخصوص اوقات جنگ نباشد است و بفاصله پنجمیل از شهر بهرت پور
قصبه است که آنرا **دیک** می نامند که دارالریاسته مهاراجه بهرت پور است
در سمت جنوبی الیور قصبه **ماچیری** است پس قصبه جالکی بسیار بزرگی است
ریاست الیور در قصبه که **نرندری** گویند در تنه عیدی نزدیک **ماچیری**
بر تنه جنگ عظمی نموده و پیش از آنکه واد **جیپور** شهر بسیار خوبی است
بواسطه بسیاری معوری و آبادی شهر از جمله شهرهای معتبره هندوستان
شمرده میشود و تمام مملکت راجو نامه ریاستی باین آبادی و دولت ندارد
نامه دوازده در جنوب شهر اوکی پور واقع است معبد بزرگی در آن ریاست
در آنجا است شهر **چنور** در قدیم لایام بیشتر و از سلسله مهاراجه اوکی پور
بوده است بفاصله دوازده میل از شهر اوکی پور یک قلعه بسیار بزرگی و
بالای کوه کوچکی ساخته شده است که اکنون ویرانه است در وسط آن
قلعه یک مناره است از سنگ مرمر که قعر ساحل ذرع طول آن مناره
و این مناره از بناهای راجه **پنجم** است **بکامیکه** ملک مالوه و گجرات را

فتح کرده است این مناره را در پنجایطوریاد کار بنا نموده تا اکنون که چندین
سال گذشته است بحال خود باقی است **پنجم** **پنجم** **پنجم** **پنجم**
در بالای کوه متعلقه با بیشتر جای بسیار خوش ترکیبی از چینیان معین شده است
و بعد پیش و که تمام آنرا از سنگ مرمر ساخته اند و وکیل فرمانفرمای هندوستان
که نامش بحفاظت راجو نامه است در همین شهر آب و اقامت دارد شهر
چو پور بیشتر را هم از جمله شهرهای خوب راجو نامه شمرده اند قصبه **کوتو** معدن
سنگ مرمر در اینجا است شهر **کوالیا** دارالریاسته مهاراجه ملک سیندیما
در همین شهر است و در پای کوهی آباد شده است شهر بزرگی است تقریباً
چهار هزار نفر جمعیت دارد و در قرب شهر کوالیا قصبه است موسوم به **نرندری**
یکی از معمرهای مجلس و ریاست **او قین** در قدیم لایام بیشتر پانچت
راجه مکر مات بوده است در کنار رودخانه که موسوم به **پنراندی** است
واقع شده شهر است بسیار عظیم لیکن چندان آبادی ندارد تا مسافت بعدی
از اطراف آن شهر را حفر می نمایند آثار و عیالات قدیم را نشان میدهد **چنیری**
بیشتر هم از شهرهای قدیم هندوستان است در ایام سلطنت اکبر شاه

در عهد پیر و کوهستان
از سنگ مرمر و دریا

هرگز دو دولت مسجد در پیشتر بوده است و سیصد و هشتاد و سرای بزرگ
مسکن غریب و مسافرین و هشتاد و سیصد و هشتاد و چهار بازار بسیار
خوب و پیشتر آباد بوده است شهر **اندو** شهر کوچکی است وکیل فراتر
مانور در ممالک مرکزی و پیشتر اقامت دارد و **ماندو** پیشتر در ایام اکبر شاه
جای بارونتی بوده اکنون ویرانه افتاده است **پنا** بواسطه معدن الماس
که در آنجا دارد مشهور گردیده است **جید آباد** که در آریانه نواب نظام الملک
فرمانروای مملکت دکن است و شهرت بسیار بزرگ و وسیع و اطراف
آن شهر را حصار محلی از کج و آجر فرا گرفته است و تقریباً دویت هزار نفر جمعیت
دارد و در قرب شهر جید آباد فاصله چند میل **سکندر آباد** **پلازم** است در
سکندر آباد افواج پنجگونی متوقف اند و در پلازم سپاه نظامی دکن مقیمه **کلکند**
و در قرب جید آباد فاصله شش میل واقع است نفع بسیار محلی دارد و در
ساله برای پاش الماس وسیع و شری آن بسیار مشهور بود و در طرف
شمالی و شرقی آن درنگ آباد مقیمه **اسانی** است و در قرب این قصبه جرنال
و لژی که یکی از سرداران پنجس بود با چهار هزار نفر سپاه چاه هزار نفر از خانیقه

برشته را سنگت داد **میسور** و در آریانه مهاراجه ملک **میسور** در همین شهر است
شهر **بگلور** از تمام شهرهای ملک **میسور** بزرگتر و خوش آب و هوا تر است باغ
مشهور و معروفی دارد و معمری از آنجا که سالیان درختان است و مانور مخصوص نکلیس که
برای شطحات ملک **میسور** در شهر **بگلور** مقیم است
بیان در ممالکی است که دولت نکلیس بهیچوجه
داخله در آنها ندارد

اول ملک **بنیال** بملکت در کوه هیمالیا واقع شده است از سمت
غربی برو خانه کالی تندی و محوطه کانون متصل میشود و از طرف شرقی
بواسطه رودخانه موسوم به کن کنی تندی و محوطه شکم جید **میسور** و **بگلور** که
هیمالیا بملکت بت اتصال می یابد و حد غربی آن با **بگلور** است
آوده و **بگلور** بحد سطح تمام محوطه آن ملکت نخبنا چاه و چهار هزار میل
مربع است و تعداد نفوس آن ملکت بیت لک که بحساب ایران چهار
کرد میشود از شهرهای آنجا یکی شهر **کاتر** **ماندو** است که در آریانه مهاراجه
بنیال در آنجاست تجانه های چوبی در شهر بسیار است و در حله شهرهای

اگر چه بملاحظه معاملات ملکی متعلق بهندوستان نیست لیکن در عالم
جغرافیائی این جزیره را نیز جزو هندوستان می‌شمارند این جزیره در طرف
جنوبی دریای هند واقع شده است طول این جزیره دویست و هشتاد
میل است و عرض آن یکصد و چهل میل تمام سطح محوطه آن بهمه جهت
و چهار هزار و چهار صد و پنجاه و چهار میل مربع است و یک لک
و نه هزار نفر جمعیت دارد که بحساب ایران چهار کرور و یکصد و هشت
هزار نفر می‌شود و مالیات این جزیره مطابق کتابچه شده عیسوی سیزده لک
و پنجاه و چهار هزار روپیه است که تقریباً سیصد و سی و هشت هزار و پانصد و
پنجاه و سی و دو روپیه است و این جزیره سطح است ولیکن آنچه بدیارت و یک می‌شود نشیب هم
میرساند که همای مشوره در آن جزیره یکی کوه **پدره تلکلا** و یکی **کرگل پوتا** و
دیگری **توتا پیلا** است رودخانه‌های چند درین جزیره جاری است مشهورترین
آنها یکی **مادلی لنگا** و یکی **کلانی لنگا** و **کالو لنگا** و **ویلوی لنگا** است آب
هوای جزیره سرانندیب با وجودیکه محاذی خط استواست بسیار معتدل است
آب و هوای اطراف شمالی و شرقی این جزیره بآب و هوای کرناٹک شباهت دارد

و اطراف جنوبی و غربی آن بآب و هوای ملیبار شباهت هوای وسط
این جزیره با انبیه بکنارای دریا سردتر است حاصل مشهور این جزیره داری
و برنج و نارگیل و قهوه و فلفل است و از اقسام جواهرات معادن بسیاری
دارد مانند عقیق و لعل و سنگ شیم و و خلیج منار که جزو همان جزیره است
مردوارید هم بدست می‌آید و از حیوانات بری فیل بسیار است اما فی انجرا
سنگالی می‌نامند و مله‌ب ایشان بودنی است و جزیره سرانندیب در
تحت حکومت حاکم محضی است و این جزیره بهشت نعمت منقسم نموده اند
شهرهای مشهوره این جزیره یکی **شیر کلیمبو** و **کلیمبو** و **کلثرا** و **کال** و **ماثرا**
و **بجی کلوا** و **نرنگامانی** و **جافنا** و **کرفی کیلا** و **کاندی** و **اترد پور** است
شیر کلیمبو در یک کوه جزیره سرانندیب است تقریباً یکصد هزار نفر جمعیت دارد
قهوه و دارچینی و نارگیل بسیاری از شهر حل چهارات کرده و بخارج می‌برند
کال بندرگاه معتبری است چهارانی که هندوستان و بسترانی می‌رود
در آن بندرگاه لنگری اکندنی کلوا و محوطه متعلقه باین شهر و رستهای نارگیل
و قهوه دارد و ترنگامانی بیشتر تر در کنار دریا واقع است و لنگرگاه بسیار خوبی

دارد جاققا در قوطه اینجا نمک مصنوعی درست میکنند و از اینجا به کلکته و
مدرس حمل میشود و در قندپور در قدیم آلاهایم دارا لریاسه راجه های سرزیب
بوده است

فهرست اسامی شهرهای معظمه هندوستان که در
کنار دریا واقع شده و محل لشکرگاه جہازات آتش
و غیره است

کراچی - ماندوی - پور بندر - گوکو - کمبایت - بهروچ - سورت
بمبئی - رتناگری - ونگورلا - گوا - کراور - کتا - بناور - منگلور - کدور
بتلی چری - کالیکوت - بیپور - کوچین - الینی - کونین - کولا بیل
تونی کورن - بگا پتن - نرنکمار - کدالور - پاندیچری - مدرس -
مجلی پتن - کورنگا - گوکندا - وزیکا پتن - علی پتن - گوبالپور - پوری
بالاسور - کلکته - جاکانور - کتاب رنگون - مولین - توائی - درکائی
فهرست شهرهای معظمه هندوستان پرستگاه
بت پرستان که مخصوصا در ایام سال برای زیارت بندگان
شهر

شیرکاگره - بنجانه بدری نامه - وکیدارناست - ویشپ نامه - شهرهروا
و پتر کرک شیرنیکر - که در قرب شهر **اجمیر** واقع است شهر متبر - ویم سار
ونور - و پرباک - بنارس - چرکوت - اجوهید - گنا - جگنامه
بنجانه گنگاسار - شرنابک - و ووارکا - و رابشر میاشد
فهرست اسامی مواضعیکه انگلیسها برای تبدیل آب
و هوا بد اینجا میروند

شلنگ - دارجلنگ - هزارلی باغ - منی مال - منصوره - لنهوره
شله - کورچی - ابو - هما و لیشتر - انکند
فهرست شهرهاییکه کارخانجات چلواری بافی و غیره دار
مدرس - بمبئی - بهروچ - احمد آباد - اندور - ناکپور - کاپور - کلکته
فهرست قلاع مشهوره معظمه در بلاد هند
قلعه مدرس - ویمبئی - و کلکته - و چار - اله آباد - اگره - دلی -
لاهور - ملتان - انک - گوالیار - نرت پور - و چتر میاشد
فهرست ممالکی که در ایام اکبر شاه در تصرف او بود

لاهور - ملتان - اجمیر - گره - دہلی - اودھ - الہ آباد - بہار
بنگالہ - اوریسہ - مالوہ - گجرات - سند - برار - خانیس - جبالپور
اورنگ آباد - حیدر آباد کن - وٹالک شالی

فہرست شہرانی کہ در مملکت ہندوستان زیادہ از بہت و پنجہزار نفر جمعیت دارد

اول شہر **کلکتہ** کہ در کنار رودخانه جوگلی واقع است و مرکز راہ آہن است
این شہر شصت و ہشتاد ہزار نفر جمعیت دارد **مبئی** شہر جزیرہ است
و مرکز راہ آہن است شصت و چہل و چہار ہزار نفر جمعیت دارد **بریس** در کنار
دریا واقع است و مرکز راہ آہن است سیصد و نو ہزار نفر جمعیت دارد
لکھنؤ در کنار رودخانه گومتی واقع شدہ و مرکز راہ آہن است و بہت
ہشاد و سہ ہزار نفر جمعیت دارد **حیدر آباد** در کنار رودخانه موسی نوبت
و بہت ہزار نفر جمعیت دارد شہر **بیس** در کنار رودخانه گنگا آباد گردیدہ
و مرکز راہ آہن است و یکصد و ہشتاد و پنج ہزار نفر جمعیت دارد **دہلی** در کنار
رودخانه **جنما** واقع شدہ و مرکز راہ آہن است و یکصد و شصت و ہزار نفر جمعیت دارد

او **چنین** در کنار رودخانه پیر واقع شدہ و مرکز راہ آہن است و یکصد و پنجاہ
ہزار نفر جمعیت دارد شہر **چوہدر** یکصد و پنجاہ ہزار نفر جمعیت دارد شہر
اگرہ در کنار رودخانه جنما واقع شدہ و مرکز راہ آہن است و یکصد و
چہل و نہ ہزار نفر جمعیت دارد شہر **الہ آباد** در موضع اتصال رودخانه
گنگا بہ جنما آباد گردیدہ و مرکز راہ آہن است و یکصد و چہل و نہ ہزار نفر
جمعیت دارد شہر **بنگلور** مرکز راہ آہن است و یکصد و چہل و سہ ہزار نفر
جمعیت دارد **بمبئی** مرکز راہ آہن است و یکصد و چہل و دو ہزار نفر
جمعیت دارد شہر **برادہ** مرکز راہ آہن است و یکصد و چہل ہزار نفر جمعیت دارد شہر
لاہور در قرب رودخانه راوی واقع شدہ و مرکز راہ آہن است و یکصد
ہفت و شصت ہزار نفر جمعیت دارد **کانپور** در کنار رودخانه گنگا واقع شدہ
و مرکز راہ آہن است و یکصد و بہت و سہ ہزار نفر جمعیت دارد **احمد آباد**
گجرات در کنار رودخانه ساہیونی واقع شدہ و مرکز راہ آہن است
و یکصد و ہفتہ ہزار نفر جمعیت دارد شہر **مورت** در کنار رودخانه تاپتی
آباد گردیدہ و مرکز راہ آہن است و یکصد و ہشتاد ہزار نفر جمعیت دارد

پنجم ہزار نفر در کنار رودخانه
گنگا آباد گردیدہ و مرکز
راہ آہن است و یکصد
پنجاہ و بہت ہزار نفر
جمعیت دارد

شهر **خدیجه** مرکز راه آهن است و یکصد هزار نفر جمعیت دارد **بهر بندر** مرکز راه
 آهن است و یکصد هزار نفر جمعیت دارد و شهر **بریلی** در کنار رودخانه رام
 گنگا آباد شده و مرکز راه آهن است و نود و یک هزار نفر جمعیت دارد و شهر
پونه در قرب رودخانه موتا است و مرکز راه آهن است و نود هزار نفر
 جمعیت دارد و شهر **انگور** در کنار رودخانه ناگ واقع شده و مرکز راه
 و شتا و چهار هزار نفر جمعیت **امیرت** در کنار رودخانه کالی نندی آباد
 گردیده و مرکز راه آهن است و شتا و یک هزار نفر جمعیت دارد و **ترخا پالی**
 در کنار رودخانه کا ویری واقع شده و همشاه و هشت هزار نفر جمعیت
شاهجهانپور در کنار رودخانه گرا واقع شده و مرکز راه آهن است
 و همشاه و سه هزار نفر جمعیت دارد و **بهاگلپور** در کنار رودخانه گنگا آباد
 گردیده و همشاه و هزار نفر جمعیت دارد و شهر **داک** در کنار رودخانه پونا
 گنگا واقع شده و شصت و سه هزار نفر جمعیت دارد و **راپور** در کنار
 رودخانه کوسلا آباد شده است و شصت و هشت هزار نفر جمعیت دارد
میرزاپور در کنار رودخانه گنگا پنا شده و مرکز راه آهن است و شصت و

رنگون در کنار
 رودخانه ابرو و قی
 آباد شده و نود و یک
 نفر جمعیت دارد

هشت هزار نفر جمعیت دارد **گیا** در قرب رودخانه پلگو واقع شده
 و مرکز راه آهن است و شصت و هشت هزار نفر جمعیت دارد و **فرخ آباد** در
 کنار رودخانه گنگا واقع است و شصت و پنج هزار نفر جمعیت دارد و شهر
راد آباد در کنار رودخانه دام گنگا واقع شده و مرکز راه آهن است
 و شصت و سه هزار نفر جمعیت دارد و شهر **مومگر** در کنار رودخانه گنگا آباد
 گردیده و مرکز راه آهن است و شصت هزار نفر جمعیت دارد و **راگ آباد**
 در کنار رودخانه دو و هینه واقع است و شصت هزار نفر جمعیت دارد
 و شهر **میشا** و پنجاه و هشت هزار نفر جمعیت دارد و **میشور** پنجاه و هشت هزار
 نفر جمعیت دارد و **علیکر** مرکز راه آهن است پنجاه و هشت هزار نفر جمعیت
 دارد و **کراچی** در کنار دریا آباد شده و مرکز راه آهن است و پنجاه
 و هشت هزار نفر جمعیت دارد و شهر **جکپور** مرکز راه آهن است و پنجاه و
 پنج هزار نفر جمعیت **شهرت** در کنار رودخانه جتنا آباد گردیده و مرکز
 راه آهن است و پنجاه و چهار هزار نفر جمعیت دارد و **مولین** در کنار رودخانه
 ابرو و قی آباد گردیده و پنجاه و چهار هزار نفر جمعیت دارد و **سولاپور** مرکز راه

این است پنجاه و سه هزار نفر جمعیت دارد و **تختور** در کنار رودخانه
 گاویری و مرکز راه این است و پنجاه و دو هزار نفر جمعیت **حیدرآباد** است
 در کنار رودخانه سند واقع شده و پنجاه و دو هزار نفر جمعیت دارد
شهر بند پور در کنار رودخانه و گبی واقع شده و مرکز راه این است
 و پنجاه و دو هزار نفر جمعیت دارد و **شهر لاری** در کنار **شهری** واقع شده
 و مرکز راه این است و پنجاه و دو هزار نفر جمعیت دارد و **شهر سلطان** در قریب
 رودخانه چناب واقع شده و مرکز راه این است و پنجاه و یک هزار نفر جمعیت
 دارد و **شهر جالندهر** مرکز راه این است و پنجاه و یک هزار نفر جمعیت دارد و **شهر**
گورکپور در کنار رودخانه را پنی آباد گردیده و پنجاه و یک هزار نفر جمعیت دارد
شهر گنگ در کنار رودخانه مهاندی آباد گردیده و پنجاه و یک هزار نفر
 جمعیت دارد و **شهر کشمیر** در قریب رودخانه جیلم آباد گردیده و پنجاه هزار
 نفر جمعیت دارد و **شهر گوالیار** در کنار رودخانه سوبین رنجا واقع شده
 و پنجاه هزار نفر جمعیت دارد و **شهر سیم** در کنار رودخانه تر و مینی واقع
 شده و مرکز راه این است و پنجاه هزار نفر جمعیت دارد و **شهر کامتی** در کنار

رودخانه گنجا واقع شده و چهل و نه هزار نفر جمعیت دارد و **نیگاپتن**
 بیشتر در کنار دیو واقع شده و چهل و هشت هزار نفر جمعیت دارد و **درنگ**
 بیشتر مرکز راه این است و چهل و هشت هزار نفر جمعیت دارد و **شهر علی پور** در
 کنار رودخانه پورنه واقع است و چهل و هشت هزار نفر جمعیت دارد
کالی کوت در کنار دریا آباد گردیده و پنجاه و یک هزار نفر جمعیت دارد
چنار در کنار رودخانه گنگا آباد گردیده و چهل و شش هزار نفر جمعیت دارد
ساگر بیشتر در کنار دریا آباد گردیده و چهل و شش هزار نفر جمعیت دارد
کوبی کوتم بیشتر مرکز راه این است و چهل و چهار هزار نفر جمعیت دارد
سمان پور در کنار شهر جن آباد گردیده و مرکز راه این است و چهل و یک هزار
 نفر جمعیت دارد و **سکند آباد** بیشتر مرکز راه این است و چهل هزار نفر
 جمعیت دارد و **گدا پور** متصل بدیا واقع شده و چهل هزار نفر جمعیت
 دارد و **غازی پور** در کنار رودخانه گنگا آباد گردیده و مرکز راه این است
 و سی و نه هزار نفر جمعیت دارد و **شهر آبه** مرکز راه این است و بیست و هشت
 هزار نفر جمعیت دارد و **شهر مظفر پور** پنجاه و یک هزار نفر جمعیت دارد

چهارم نیز چند نفر جمعیت دارد

وسی و شهر نقر جمعیت دارد **شکار پور** بیشتر سی و شش هزار نفر جمعیت دارد
کوه پور بیشتر تری و شش هزار نفر جمعیت دارد **کوه پانه** بیشتر مرکز راه آهن است
وسی و شهر نقر جمعیت دارد **فیض آباد** بیشتر در کنار رودخانه گاگرا آباد گردیده
و مرکز راه آهن است اینجا هم سی و شش هزار نفر جمعیت دارد و شهر **بهر پنج** در کنار
رودخانه نربدا واقع شده و مرکز راه آهن است بیشتر تری و شش هزار نفر جمعیت
دارد **چلی بند** بیشتر در قریب دریا واقع شده و سی و شش هزار نفر جمعیت دارد
چندر نگر در کنار رودخانه ^(شاندی گور) موگلی آباد گردیده و مرکز راه آهن است و سی و
شش هزار نفر جمعیت دارد و شهر **امروهمه** سی و پنج هزار نفر جمعیت دارد و شهر
لویم پور در قریب رودخانه نویل آباد گردیده و سی و پنج هزار نفر جمعیت دارد
شبهل بیشتر سی و چهار هزار نفر جمعیت دارد و شهر **گیاپت** در قریب رودخانه
ماهی واقع است و سی و چهار هزار نفر جمعیت دارد و شهر **سیالکوٹ** و شهر
بدایون و شهر **بهوانی** این هر سه هر یک سی و سه هزار نفر جمعیت دارد
و شهر **احمد نگر** در کنار رودخانه سیال آباد گردیده و مرکز راه آهن است
وسی و سه هزار نفر جمعیت دارد و **برکوان** بیشتر در کنار رودخانه و مودا

همه بی یکصد و شصت
هزار نفر جمعیت
دارد

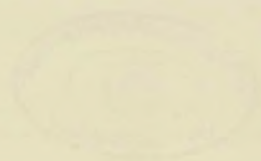
واقع شده و مرکز راه آهن است و سی و دو هزار نفر جمعیت دارد و **گیاپت**
بیشتر متصل دریا واقع است و سی و دو هزار نفر جمعیت دارد و **امروهمه** بیشتر
نیز مرکز راه آهن است و سی و یک هزار نفر جمعیت دارد و **مدنا پور** در کنار رودخانه
گاگرا واقع شده و سی و یک هزار نفر جمعیت دارد و شهر **سیالپیت** در کنار
رودخانه دیونا واقع است و سی هزار نفر جمعیت دارد و **آماوه** بیشتر در کنار
رودخانه جمنا واقع شده و مرکز راه آهن است و سی هزار نفر جمعیت دارد
سینور در کنار رودخانه پناک است و سی هزار نفر جمعیت دارد و **منگلور** و
کنار دریا واقع شده و سی هزار نفر جمعیت دارد و **برای پور** در کنار رودخانه
نربدا آباد گردیده و مرکز راه آهن است بیشتر میت و نه هزار نفر جمعیت
دارد و **بهرامپور** در کنار رودخانه بها گیتی آباد گردیده و میت و شش هزار نفر جمعیت
دارد و **کشنکور** بیشتر متصل برودخانه جلنگی آباد گردیده و میت و شش هزار نفر
جمعیت دارد و شهر **باند** در کنار رودخانه کین واقع شده و میت و شش هزار
نفر جمعیت دارد و **خوج** مرکز راه آهن است اینجا هم میت و شش هزار نفر جمعیت
دارد و شهر **سیال** و **سیالکانو** این دو شهر نیز هر یک میت و شش هزار نفر جمعیت دارد

جشنگر

شهر **انباله** مرکز راه آهن است و **بیت** و **شش هزار نفر جمعیت** دارد و **مراوقی**
 این شهر نیز **بیت** و **شش هزار نفر جمعیت** دارد و **شهر کر نول** در کنار رودخانه
 تنگبند را آباد کرده و **بیت** و **شش هزار نفر جمعیت** دارد و **شهر بوم** در کنار
 رودخانه **مراوقی** واقع شده و **بیت** و **شش هزار نفر جمعیت** دارد
شهر کر نال و **پانی بیت** و **دیواری** و **شهر ستار** این چهار شهر نیز هر کدام
بیت و **پنج هزار نفر جمعیت** دارد

1844

Received of the
Honble the Secy to the
Govt of India
the sum of Rs 1000
for the purchase of
land in the
District of
Bengal



شماره ۱۰۴۴



